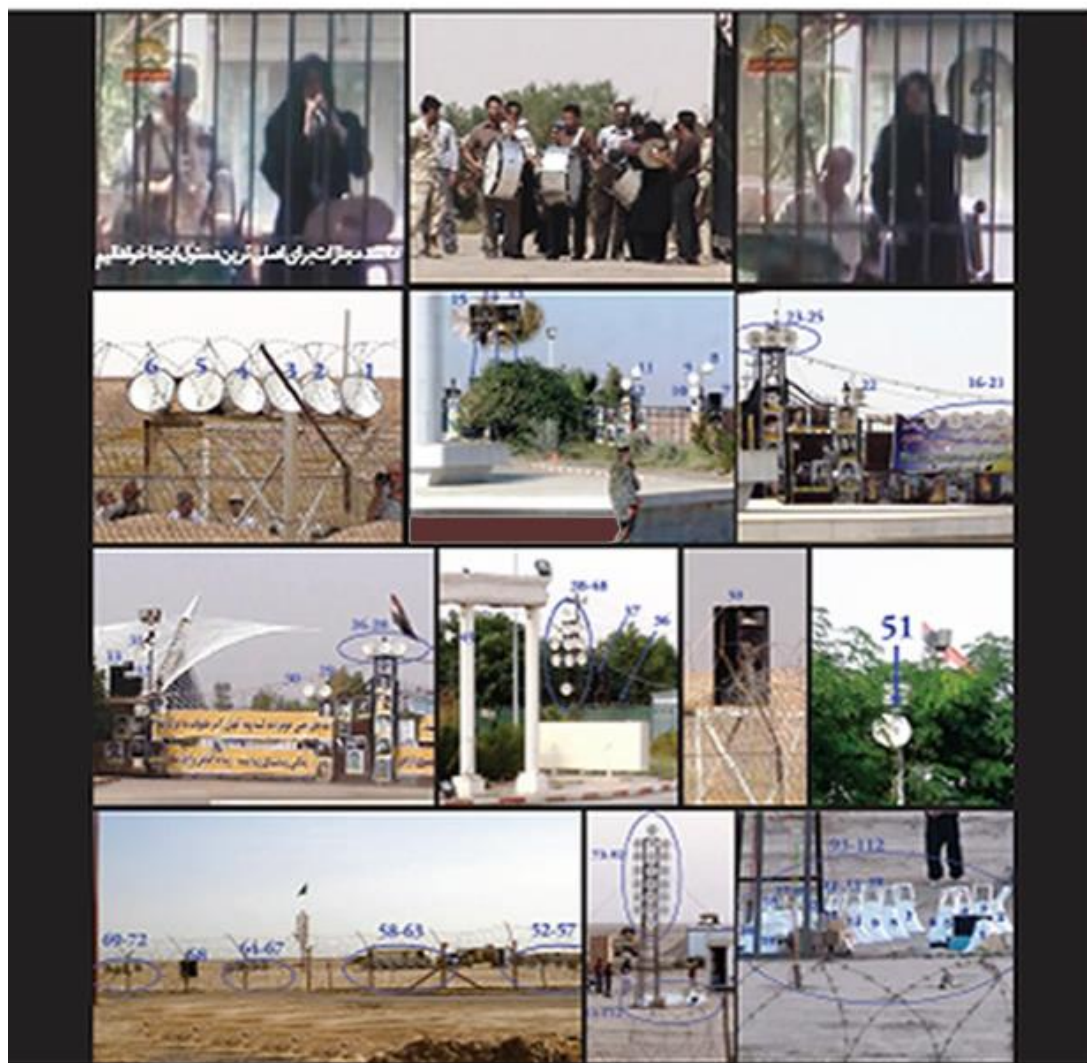


خانواده مجاهدین یا مزدوران ارتجاع؟

مسعود رجوی



خانواده مجاهدین یا مزدوران ارتجاع؟

مسعود رجوی

خانواده مجاهدین یا مزدوران ارتجاع؟

مسعود رجوی - بهمن ۱۳۸۸

پخش از سیمای آزادی - ۱۴ فروردین ۱۳۸۹

چاپ دوم - اسفند ۱۳۹۳

فهرست

- ۴ پیشگفتار
- ۵ پیام به رزمندگان شهر شرف
- ۴۱ مصعب بن عمیر قهرمان شهید جنگ احد و «نامادر» شکنجه‌گر
- ۴۷ پیام به مناسبت شهادت قهرمان خلق بهمن عتیقی
- ۵۳ تصاویر و اسنادی از سیرک مزدوران وزارت اطلاعات، تحت عنوان خانواده ارائه شده
- به سازمان ملل متحد، سازمانهای مدافع حقوق بشر
- ۷۶ کودتای نافرجام، آزمایش بزرگ مقاومت، قسمت نهم جاده صاف کنهای کودتا و جنایت علیه بشریت
- ۹۳ شمه‌یی از موضع‌گیریهای بین‌المللی

پیشگفتار

آذرماه سال ۱۳۸۷ نیروهای آمریکایی، حفاظت اشرف را به نیروهای عراقی تحویل دادند. نیروهای تحت امر مالکی، به جای حفاظت اشرف و اشرفیهها، از آن زمان فصل جدیدی از محاصره و فشار و سرکوب و کشتار را به دستور رژیم آخوندی علیه مجاهدین آغاز کردند. وزارت اطلاعات آخوندها با استفاده از امکانات و تسهیلات ارگانهای سرکوبگر دولت مالکی، برای اعمال شکنجه روانی شبانه‌روزی علیه اشرفیان فرصت را غنیمت شمرد. استقرار مأموران و مزدوران اعزامی وزارت اطلاعات از داخل و خارج کشور تحت عنوان «خانواده مجاهدین» در ورودی اشرف از جمله این توطئه‌ها بود. این طرح کثیف و ضد انسانی از بهمن ۱۳۸۸ تا دی ۱۳۹۰ به مدت ۶۷۷ روز ۲۴ساعته ادامه داشت.

وزارت اطلاعات رژیم آخوندی شکنجه روانی را با نصب ۳۲۰ بلندگو در اضلاع اشرف برای پخش عربده‌کشی و تهدید به قتل و کشتار اشرفیان تدارک دید. به مدت ۲۲ ماه ننگین‌ترین لجن‌پراکنیها توسط مأموران گمنام و بدنام اطلاعات که گروه‌گروه به اشرف اعزام می‌شدند؛ ادامه داشت. اوباشان اعزامی در تمام این مدت از حداکثر امکانات صنفی و رفاهی توسط دولت مالکی و نیروهای تحت امرش که به اصطلاح مسئول حفاظت اشرف بودند برخوردار می‌شدند. در همین خصوص شعبه موسوم به انجمن نجات گشتاپوی آخوندی اعتراف کرد که «از زمستان ۱۳۸۹ تا شهریور ۱۳۹۲ بیش از ۱۰ هزار سفر از طرف خانواده‌های [ساکنان] اشرف انجام شد. گروههای بسیاری از خانواده‌ها از ایران و سایر نقاط جهان به سوی اشرف در سفر بودند تا زمان فروپاشی یک فرقه تروریستی و آزادی اسیران ذهنی در آن را تسریع کنند». (سایت نجات وزارت اطلاعات رژیم ۲۲ شهریور ۹۳)

هدف دوگانه رژیم ضدبشری آخوندی از اعمال و پیگیری پروژه ضد انسانی شکنجه روانی اشرفیان، از یکسو به تسلیم‌کشاندن مجاهدین و از سوی دیگر زمینه‌سازی برای حمله و کشتار در اشرف به وسیله دولت دست‌نشانده مالکی بود که حاصل آن، سه قتل‌عام در اشرف با بیش از ۱۰۰ شهید و ۱۰۰۰ مجروح و یک محاصره ضدانسانی همه‌جانبه، به موازات همین شکنجه روانی شبانه‌روزی ۶۷۷ روزه بود. کتاب حاضر چاپ دوم کتاب «خانواده مجاهدین یا مزدوران ارتجاع؟» علاوه بر متن چاپ اول، شامل وقایع بعدی است که هنوز هم ادامه دارد و باید در چاپ‌های بعدی تکمیل گردد.

پیام به رزمندگان شهر شرف

مسعود رجوی - بهمن ۱۳۸۸

سلام به همگی شما،

از هفته پیش اجیرشدگان منفور ولی فقیه ارتجاع تحت عنوان «خانواده‌های مجاهدین» به پشت درِ اشرف آمده و در منتهای زبونی به جست‌وخیز و پارس کردن علیه شهر شرف و مجاهدانش پرداخته‌اند.

شنیدم که در نشستهای مؤسسان سوم ارتش آزادی تصمیم گرفته‌اید دیگر بدون استثنا همه کسانی را که با سازماندهی و تورهای گشتاپوی آخوندی و فاشیسم دینی حاکم بر ایران تحت هر عنوان به اشرف می‌آیند تحریم کنید.

گفته‌اید که ۷ سال مدارا و همه سفارشهایی که من در این باره کرده بودم، دیگر کافی است و صبر و تحملتان در این زمینه، به پایان رسیده است.

گفته‌اید که دیگر هر قیمتی هم که داشته باشد زیر بار نمی‌روید و می‌خواهید درسهای جدیدی هم در این زمینه به لوطی عمامه‌دار ولایت و عنترش بدهید.

گفته‌اید که تراز جدیدی از مرزهای بالابند ایدئولوژیکی و سیاسی مجاهدین بنا می‌کنید... تا وقتی که خامنه‌ای و مالکی به‌جای خود بنشینند و ناگزیر مثل بچه آدم، به همان روال دیدارهای خانوادگی سالهای ۸۲ تا ۸۷ که نیروهای آمریکایی حفاظت اشرف را بر عهده داشتند، تن بدهند. منظورم زمانی است که خانواده‌ها به داخل اشرف می‌آمدند و در واحدهای «هتل ایران» مستقر می‌شدند و هر چند روز که می‌خواستند می‌ماندند.

در هر حال، بهترین و مناسبترین تصمیم را در بهترین و مناسبترین زمان اتخاذ کرده‌اید.

مطمئن باشید که دشمن هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. در سفاهت سیاسی خامنه‌ای و مالکی همین بس که آنچه را در سال ۲۰۰۹ نتوانستند با تیغ و تبر و لودر و بولدوزر و زره‌پوش و با شلیک و با ۱۰۰۰ مصدوم و مضروب، ۵۰۰ مجروح از جمله ۳۰ نقص عضو و ۱۱ شهید و ۳۶ گروگان پیش ببرند، اکنون می‌خواهند با مشت «خانواده ساندیسی» در پناه مزدوران عراقی و نیروی تروریستی قدس پیش ببرند.

با پس افتادگی سیاسی، گمان می‌کنند که مجاهدین از ترس این‌که مبادا برچسب بخورند که از «رأفت اسلامی» و «عاطفه خانوادگی» به شیوه خمینی و خامنه‌ای و پاسدار احمدی‌نژاد، به دور هستند، ناگزیر به مزدوران اعزامی و خواسته‌های آنان تن می‌دهند و آلوده می‌شوند. شکر خدا که دشمنان شمارا این قدر ابله آفرید! صبر کنید تا ببینیم که در این تک و پاتک تا کجا زیانکار خواهند شد. فکر می‌کنم شکست سختی در انتخابات عراق در انتظار آنهاست.

در حقیقت کشتار رژیم و مالکی در اشرف در ۶ و ۷ مرداد گذشته، شکست در گروگانگیری و رسوایی در روز ۱۵ دسامبر، رژیم و دست‌نشانگان و دنبالچه‌هایش را در عراق و منطقه و جهان به صورت مضاعف افشا و بی‌آبرو کرد و در یک کلام اشرف، کلان‌تأثیر خود را گذاشت و وظیفه خود را به بهترین و بالاترین صورت انجام داد.

البته هدف آنها از «بازی خانواده» در ورودی اشرف روشن است و تا آنجا که من می‌فهمم تا انتخابات عراق و تا تشکیل دولت جدید و تا هر کجا که مالکی تیغش ببرد ادامه می‌دهد و دست بر نمی‌دارد، به خصوص که مجاهدین باید محصور و مشغول باشند تا در این فاصله کمتر بتوانند دخالتها و تقلبها و جنایتها و انفجارهای رژیم را برملا کنند. بگذریم که رژیم و مالکی کور خوانده‌اند و خودشان به دست خودشان تنور توطئه‌ی بی‌را که به زیان خودشان تمام می‌شود، گرم نگه می‌دارند.

سرچشمه سیاسی

حتماً یادتان هست که تقریباً یک سال پیش در پیام ۸ اسفند ۱۳۸۷ از روی یک گزارش موثق از داخل رژیم که از تهران آمده بود، گفته بودم:

«منوچهر متکی، وزیر خارجه آخوندها، به مخاطبین خود در سفر اخیرش به عراق گفته است: «... علت شکست مجلس اعلا و بیت شیعی در انتخابات شورای استانها، مجاهدین خلق بودند. بنابراین نباید به این گروه فرصت داده شود. در گذشته مجلس اعلا بر همه شوراهای استانها مسلط بودند، الان بیش از ۵۰ درصد را از دست دادند و لیستهای لائیک و بعثی افراطی مثل صالح مطلق و خلف و علاوی و اسامه نجیفی کرسیها را بالا کشیدند. مجاهدین خلق با جلسات و کنفرانسها و مبالغی که خرج کردند و

جمع کردن سنیها و بعثیها و تروریستها و اقدام به آموزش آنها علیه شما و شستشوی مغزهای آنها علیه شما، آنها را به این نقطه رساندند و اگر با آنها سازش کنید، بیش از این خواهند کرد...»

متکی هم چنین گفته بود: «ما وقتی در تهران نتایج اولیه انتخابات را شنیدیم وحشت کردیم و به کانالهایمان ابلاغ کردیم که باید این قرارگاه بسته شود تا در انتخابات پارلمان آینده دچار این توطئه نشویم... به نظر ما نقطه ضعف ما در مذاکرات آینده و آمریکا مجاهدین هستند و نقطه قوت آمریکاییها هم مجاهدین هستند، بنابراین باید این برگ برنده را از قبل بسوزانیم. پیش بینی این است که در انتخابات پارلمانی همین بار دوباره پیش بیاید و لیستهایی که غیر خدا و مجاهدین خلق کسی چیزی از آنها نمی داند پیروز بشوند... اگر به مجاهدین فرصت بدهید آنها تا آن موقع تأثیر خودشان را خواهند گذاشت. لذا باید از همین حالا این سرطان را از تن عراق ریشه کن کرد. ما به آمریکاییها گفته ایم که خارج کردن مجاهدین از لیست برای ما به معنی اعلام جنگ آمریکا به ما می باشد...»

در همان پیام (۸ اسفند ۸۷) با کپی برداری از «بزن بهادر» گفته بودم: «راستی که اگر "منو - میم" شعور داشت و می توانست چکیده حرفهایش را بگوید، لابد می گفت: اشرف ایستاد و عراق را به ایستادگی در برابر رژیم آخوندی برانگیخت».

تبهکاریهای مالکی

لابد سرمقاله نیویورک تایمز (۲۴ بهمن ۸۸) را در مورد «جاه طلبیهای خطرناک آقای مالکی» دیده اید. داد آمریکا هم درآمده که «که قرار نیست آقای مالکی حاکم مطلق باشد؛ و ایالات متحده به ارتش عراق آموزش نداده است که برای سرکوبگری سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. این یکی از نمونه های اخیر تبهکاری آقای مالکی است که مصمم است تا هر کاری را انجام بدهد که در انتخابات ماه آینده دوباره انتخاب گردد. اگر که او و دولت شیعی او به این شیوه ادامه دهند، رأی گیری از دید گروههای اپوزیسیون، قانونی نخواهد بود و احتمال دارد که آنها به خشونت های گذشته باز گردند. چنین کاری برای عراق و ایالات متحده که قرار است از عراق خارج شود فاجعه خواهد بود».

سرمقاله ادامه داده است که علاوه بر این، در برخی استانها مانند تکریت و دیالی، مالکی به طور غیرقانونی به اشغال فرمانداریها و استانداریها یا دستگیری نفرات رقبای خودش مبادرت کرده است.

در مورد حذف کاندیداهای انتخابات هم طرز عمل مالکی «غیرشفاف و مشکوک می‌باشد. این بازی خیلی خطرناکی است. آقای مالکی مسئولیت دارد تا منافع کشورش را بالاتر از جاه‌طلبیهای سیاسی خود قرار دهد. اگر که او این را نمی‌فهمد، پس نیاز است که واشینگتن به او این مسأله را گوشزد کند». وقتی من این مقاله را خواندم، بی‌اختیار به یاد سلسله تبهکاریهای مالکی در اشرف افتادم که از طریق وارد کردن مأموران وزارت بدنام به عراق برای دایر کردن سیرک نظام در پشت در اشرف ادامه دارد. بیچاره رژیم را بنگرید:

در حالی که نتوانسته اشرف و مجاهدانش را با توافق دوجانبه و خائنانه ولی فقیه ارتجاع و نخست‌وزیر عراق از پای درآورد، در حالی که نتوانسته اشرف و مجاهدانش را با آن جاسوس بی‌مغز و سیلاب لجن‌پراکنیهایش از پای درآورد، در حالی که نتوانسته اشرف و مجاهدانش را با یک سال محاصره ضدانسانی از سوی مزدورانش در عراق از پای درآورد، در حالی که نتوانسته اشرف را با شهیدان و مجروحان و گروگانهایش از پای درآورد، در حالی که نتوانسته با انواع و اقسام تهدیدها به جابه‌جایی از پای درآورد،

و در حالی که خانواده‌های ما را در داخل کشور به خاطر این که چند سال پیش برای دیدار فرزندانشان یک‌بار به اشرف آمده‌اند، می‌گیرد و می‌زند و به حبسهای طولانی محکوم می‌کند، بله حالا دوباره، در دور باطل، مجدداً به سراغ خانواده‌های وزارت بدنام رفته تا شاید به این وسیله با اشرف به جنگ روانی بپردازد. شاید هم که از دید خودش، بریده یا خائنی را شکار کند و بعد بگوید دیدید گفتم که اینها به‌اجبار اینجا نگه‌داشته شده‌اند، پس آنچه زدم و کشتم و نقص عضو کردم، تقصیر خودشان بود. متقابلاً ما در بهار ۷، اگر باز هم رژیم قصد آزمایش عزم و ارادهٔ پولادین مجاهدان اشرف را دارد، می‌گوییم: بیا، بیا، بیا.

معنی خانواده برای رژیم

واقعاً که خدا دشمنان ما را نه فقط بلاشعور، بلکه ذلیل و درمانده کرده است. جالب است که این خانواده‌ها که در واقع خانواده‌های رژیم هستند و نه مجاهدین، به مالکی نامه نوشته و از کشتار ۶ و ۷ مرداد حمایت و تشکر هم کرده‌اند!

یادتان هست پارسال همین ایام در تهران، مشت‌های ما را به در سفارت انگلیس برده بود که تحت عنوان خانواده‌های مجاهدین تظاهرات کنند که چرا فرزندان‌شان از لیست تروریستی درآمده‌اند! آنها شعار می‌دادند «تروریست خوب و بد ندارد» و متن زیر را قرائت کردند:

«به‌شدت نگران تصمیم اخیر دولت انگلیس هستیم. متأسفانه مطلع شده‌ایم که دولت انگلستان فرقه‌ی تروریستی رجوی موسوم به سازمان مجاهدین خلق را از لیست گروه‌های ممنوعه خارج کرده است؛ و این در حالی است که این گروه از نزدیک به ۸ سال قبل در آن کشور ممنوعه اعلام‌شده بود. ما خانواده‌های اعضای سازمان مجاهدین خلق هستیم، کسانی هستیم که از تصمیم گرفته‌شده آسیب‌دیده‌ایم زیرا که ما به‌شدت نسبت به سرنوشت بستگان خود نگران شده‌ایم».

واقعاً که چه خانواده‌های مهربانی داریم و خودمان خبر نداریم! واقعاً چه عواطف سرشاری دارند که هم از ریخته‌شدن خون ما سپاسگزارند و هم از این‌که از لیست تروریستی خارج شده‌ایم «به‌شدت نگران» هستند!

اگر در فرهنگ رژیم معنی خانواده این است، ما تبری می‌جوییم. بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ همه دنیا این صحنه مشمئزکننده را که یکی از نمونه‌های حیرت‌انگیز دجالگری خمینی بود در تلویزیون رژیم دیدند که مادر بسیجی محمود طریق‌الاسلام، به درگاه «امام امت» عجزولابه می‌کرد که مبادا از اعدام پسرش صرف‌نظر کند. زنک پلید از خمینی می‌خواست که اجازه بدهد او خودش طناب دار را به گردن پسرش بیندازد.

رژیم و مزدورانش در عراق باید بدانند که خانواده حقیقی هر مجاهد خلق و هر آن‌کس که می‌خواهد مجاهد بماند و مجاهد بمیرد، یا در ارتش آزادی و جبهه مقاومت است یا در خاوران و یا در مروارید آرمیده است. از مجاهدین دور باد که پدر یا مادر یا خواهر یا برادر و یا هر قوم و خویش را که مأمور رژیم باشد، خانواده خود بدانند و سرسوزنی اعتنا کنند.

حرف مجاهدین چه با شاه و چه با شیخ و چه با مزدوران عراقی رژیم از ۴۵ سال پیش این بوده است که خانواده سیاسی و ایدئولوژیکی خودت را خانواده ما جا نزن. خانواده اجتماعی و سیاسی و تاریخی و آرمانی هر مجاهد خلق، خلق است و بس! به‌خصوص مجاهدی که در خاک امام حسین و اشرف باشد. یاد مصدق به خیر که در بی‌دادگاه نظامی می‌گفت «مسلم من، مسلک سیدالشهداست... از همه چیز می‌گذرم، نه زن دارم، نه پسر دارم، نه دختر دارم، هیچ چیز ندارم، مگر وطنم را که جلو چشمانم دارم».

و ما در سال ۵۰ در همان بی‌دادگاههای نظامی شاه اعلام کردیم که جملگی فرزندان مصدق هستیم و امروز باید تکرار بکنیم که ما هم فقط وطنمان و سنبیل و رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت آن را در جلو چشمانمان داریم.



۷ مرداد ۱۳۸۷ در مقابل سفارت انگلستان در تهران
 تجمع و عریده کشی مزدوران وزارت اطلاعات رژیم برای اعتراض به حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی
 تحت عنوان «خانواده های منافقین»!

فصلی از سلسله آموزشها

بحث که به اینجا رسید، می‌خواهم برایتان هرچند که تکراری است، از آموزشهای ۴۰ سال پیش سازمان، چند خاطره و سابقه تاریخی بگویم و در سلسله بحثهای آموزشی برای نسل قیام در داخل کشور نقل کنم.

رسالت و آزمایش نوح

حضرت نوح یکی از ۵ پیامبر اولوالعزم است. می‌گویند که در مجموع ۱۲۴ هزار پیامبر وجود داشته اما فقط ۵ نفر آنها رسالت جهانی داشتند. سایر انبیا مأموریت و رسالتشان جهان‌شمول نبوده و در حیطه قوم یا خاک یا منطقه خاص خودشان بوده است.

نوح پیامبر نزدیک به ۶ هزار سال پیش به دنیا آمد. لابد حکمتی در کار بوده است که خدا به او ۹۵۰ سال مأموریت داد. توفان زمین‌شناسی بزرگی هم در پیش بود با رسالتی بسیار سنگین. می‌گویند که مرقد او در نجف در جوار حضرت علی است و در زیارت حضرت علی به آن اشاره شده است.

از روی همین وحوشی که در ۶ و ۷ مرداد دیدیم، می‌توانید حدس بزنید که ۶۰۰۰ سال پیش دنیا و نوع انسان در چه نقطه‌یی بوده است. هرچه نوح از عدل و داد سخن می‌گفت جز مشتی برده و فقیر به‌گوش کسی فرو نمی‌رفت. حتی پسر خودش. تا زمانی که توفان بزرگ در رسید.

از این پیشتر، در حوالی همین کوفه امروز که بر و بیابان است، با تنه درختان و الیاف، کشتی‌سازی می‌کرد و همه، از جمله پسرش، او را به سخره می‌گرفتند. مثل همین امروز که شما سالهاست در صحراهای خشک دارید کشتی ارتش آزادی می‌سازید و رژیم و مزدورانش شما را به سخره می‌گیرند...!

حتی «والیه»، زن نوح را آخوندها و حکام زمان به میان قوم آوردند تا گواهی بدهد که نوح دیوانه و خیال‌پرداز است. در آن ایام تلویزیون و مصاحبه تلویزیونی در کار نبود اما مضمونش همین لجن‌پراکنیهای امروزی بود.

سرانجام روزی، همان‌طور که حالا زمین‌شناسان هم به‌طور علمی کشف کرده‌اند، در این منطقه از جهان سیل و توفانی عظیم جغرافیا را تغییر داد. بقیه‌اش را از آیه ۲۵ به بعد سوره هود برایتان خلاصه می‌کنم:

نوح را با رسالت برای قومش فرستادیم و او به آنها گفت من با بی‌ان‌روشن برای هشدار به شما آمده‌ام. این که بت پرستی را کنار بگذارید و جز خدا را نپرستید... صاحبان قدرت و ثروت و مرتجعان قوم به او گفتند ما تو را جز بشری مثل خودمان نمی‌بینیم و کسانی که به تو می‌گروند و در صفوف مقدم تو قرار می‌گیرند فرودستان و نادارترین افرادند. هیچ مزیت و فضیلتی بر ما ندارند و آنچه تو می‌گویی باطل و دروغ است...

نوح هر چه قسم و آیه خورد و استدلال کرد و بینه آورد، گوششان بدهکار نبود. با پررویی و وقاحت تمام از او می‌خواستند که اول بیا رابطات را با این فرودستان و فقرایی که طرفدارت هستند قطع کن و گردهماییهای خود را با آنها منحل کن تا بعد ببینیم چه می‌گویی...

نوح می‌گفت آخر من که مزد و پاداشی از شما نمی‌خواهم. چرا باید کسانی را که ایمان آورده‌اند و روزی باخدای خود دیدار می‌کنند طرد کنم و از خود برانم. وانگهی اگر این کار را که شما می‌خواهید بکنم و اقشار سرکوب‌شده و فقیر را از خود برانم، غضب خدا را برمی‌انگیزد و در این صورت چه کسی است که بتواند یاریم کند...

بعد هم جنگ سیاسی و ایدئولوژیکی بین طرفین بالا می‌گرفت و سالها ادامه داشت و نوح در جواب برچسبها و اتهامات می‌گفت: من نه مدعی هستم که خزائن خدا دست من است، نه علم غیب دارم، نه از حوادث آینده اطلاع و زمانبندی دارم، نه غیر بشر و ملائکه هستم، اما می‌دانم که آن قشر و طبقه‌یی که شما آنها را خوار و ندار می‌پندارید، این‌طور نیست که خدا به آنها خیر ندهد و برای آنها خیر و عزت نخواست باشد...

آخر سر هم قوم از بحث‌و‌جدل با نوح درماندند و گفتند دیگر بس کن و این قدر حرف نزن. اگر راست می‌گویی آنچه را که به ما وعده می‌دهی و ما را از آن می‌ترسانی، آن را بیاور ببینیم. اینجا هم نوح می‌گفت من کاره‌یی نیستم، خدا هر وقت خودش بخواهد آن را محقق می‌کند و دریغ و افسوس می‌خورد که چرا نصایح او مؤثر واقع نمی‌شود...

گاه آن قدر دلش می‌گرفت که می‌خواست سر به صحرا بگذارد یا خدا عمر او را کوتاه کند و از دست آن جماعت خلاص بشود. به بیابان می‌رفت و شکوه و شکایت‌هایش را باخدا در میان می‌گذاشت. خدا هم به او می‌گفت منتظر باش...

خدا گاه یک چیز دیگر هم به او می گفت که معنی آن برای نوح ملموس نبود. خدا می گفت یادت باشد که مبادا روزی که ستمگران غرق می شوند با من در مورد آنها حرفی بزنی...
 سالها و سده ها گذشت تا روزی از عمق تنور، آب فواره زد. این همان علامتی بود که از قبل به حضرتش داده بود. به قول شما، آژیرها را به صدا درآورد و رزمندگان را صدا زد تا با نمونه‌یی از موجودات آن روزگار که قرار بود زنده بمانند به کشتی سوار شوند...
 حالا ببینید در میان برهوت صحرا و بیابان و خشکی، افرادی که یکباره می بینند دنیا عوض شد و خشکی به دریا تبدیل شد، دچار چه بهت و حیرتی می شوند. آخر تا همین دیروز هرکس که از کنار کارگاه نوح رد می شد یک متلک و لُغزی بار اینها می کرد و می گفت اصلاً معلوم است شما دارید چه کار می کنید و برای چی اینجا هستید؟ خودتان را مسخره کرده‌اید؟ بروید دنبال زندگی‌تان! بروید «دمب» دستگاه حاکم بشوید! فکر سرنگونی این دستگاه را هم بالکل از سرتان بیرون کنید...
 (در پراگماتر بگویم که خوب می دانم، هر وقت من برای شما قصه می گویم، خسته نمی شوید و خوب گوش می دهید! لکن باور کنید که این یکی قصه نیست، عین واقعیت است. تحقیقات زمین‌شناسی و باستانشناسی هم وقوع چنین توفانی را تأیید می کند).
 الغرض، آب بالا آمد و بالا آمد و بالا آمد. خدا هم قبلاً به نوح گفته بود که به یارانت بگو که روزی خواهد رسید که آنها به مسخره کنندگان خواهند خندید و چنین روزی بالاخره فرار کنید.
 وقتی یارانش داشتند سوار کشتی می شدند، به ناگاه یاد پدرش افتاد که در طرف مقابل بود. پسر را صدا زد و گفت پسر جان سوار شو، تو هم با ما سوار شو و با مرتجعین نباش؛ اما پسر شقاوت پیشه، این دعوت را رد کرد و به پدرش گفت، این حرفها نیست. من می‌روم روی یک بلندی که آب به آنجا نمی‌رسد، تو برو پی کارت.
 نوح گفت باور کن که امروز وضع فرق می کند و غرق می شوی مگر این که خدا به تو رحم کند... و در همین لحظه موج بزرگی آمد و پسر را با خود برد.
 عاطفه پدری یک لحظه بر نوح غلبه کرد، خدا را خطاب قرارداد و گفت خدایا این پسر من است و البته که وعده تو حق است و تو بهترین داوران هستی...
 انتظار نوح این بود که حق تعالی با این چپ و راستی که حضرتش تنظیم کرده و بر وعده حق گواهی داده و این که خدا بهترین داوران است، خواسته او را اجابت کند و پسر را نجات بدهد.

اما خدا نهیب زد (آن‌هم به پیغمبر اولوالعزم) که:

اولاً - این پسر از سنخ تو و از خانواده سیاسی و ایدئولوژیکی تو نیست: **إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ**

ثانیاً - این پسر در جبهه عمل ناصالح قرار دارد: **إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ**

ثالثاً - اصلاً از من این درخواستها را که نسبت به آن آگاهی و وقوف نداری و حواست نیست نکن: **فَلَا**

تَسْأَلُنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

رابعاً - وای به حالت اگر از طایفه جاهلان باشی و رابطه تنی و خونی خودت را بر رابطه ایدئولوژیکی

ترجیح بدهی و در این باره به تو پند و هشدار می‌دهم: **إِنِّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ**

حضرتش با این نهیب، هوشیار شد و همانجا در وسط توفان و سیل و عملیات نجات، بلادرنگ به

«عملیات جاری» پرداخت و استغفار کرد: **قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي**

وَتَرَحُّنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ یعنی که بار خدایا به خودت پناه می‌برم که آنچه را که به آن اشراف و

آگاهی ندارم از تو بخواهم و اگر مرا نبخشایی و به من رحم نکنی هرآینه از زیانکاران خواهم بود.

در اینجا بود که خدا از او پذیرفت و کشتی رهایی را به سرمنزل مقصود رساند و گفت: **يَا نُوحُ اهْبِطْ**

بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ: ای نوح با سلام و دروهای ما فرود آی و با برکاتمان بر تو

و خانواده ایدئولوژیکی که با تو هستند... این از یک پیامبر اولوالعزم با مأموریت و رسالت جهان‌شمول.

آزمایش ابراهیم بت‌شکن

حالا از یک پیامبر بزرگ و اولوالعزم دیگر بشنوید: ابراهیم خلیل، دوست خدا، که پدر همه پیامبران

بعدی است. ابراهیم یا آبراهام در لغت، یک کلمه مرکب از آب یا آب به‌اضافه رام به معنی پدر بزرگ یا

پدر امت و ملت است.

ابراهیم خلیل نزدیک به ۴ هزار سال پیش به دنیا آمد. می‌گویند که محل تولد او همین شهر آور در

جنوب عراق بین دجله و فرات است. در لغت مردم بابل آور را به معنی آتش هم گفته‌اند. قرآن پدر

ابراهیم را از دشمنان خدا و سران کفر و ارتجاع معرفی می‌کند که نام او «آزر» بوده است.

البته برخی مفسران که می‌خواهند برای حضرت ابراهیم «آبروداری» کنند، می‌گویند که منظور قرآن از این که پدر ابراهیم را «آزر» معرفی کرده است، نه پدر تنی او بلکه پدرخوانده یا عمو یا پدربزرگ او و فردی بانام «تارخ» یا «تارخ» بوده است. من از روی قرآن، خلاصه جدلهای ابراهیم با پدرش را برایتان می‌خوانم تا حرف، دقیق و مستند و واقعی‌ترین حرف باشد.

«آنگاه که ابراهیم به پدرش آزر گفت آیا بتها را به‌جای خدا گرفته‌ای؟ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم».

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ اتَّخِذْ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ...

بقیه داستان را می‌دانید که کارزار بین ابراهیم و آن جماعت بالا گرفت. در فرصتی که مردم شهر بیرون رفته بودند، مخفیانه به بتخانه رفت و بتها را شکست و تیر را هم بر گردن «ولی‌فقیه» بتها آویزان کرد و گریخت. قوم برگشتند و سرنگون شدن بتها را به چشم دیدند و مثل همین امروز خون آخوندها به‌جوش آمد: بسوزانیدش!

اما خدا او را نجات داد و در مرحله بعد به فلسطین هجرت کرد. در این روزگار تنها سارا بود که به او کمک و از او حمایت می‌کرد. هیچ‌کس دیگر را نداشت ...

(می‌گویند که آن بزرگ زن و شیر زن والا که خود در عصر جهل و بردگی اسطوره‌بی شگفت و ستایش‌انگیز است، آن زمان ۱۶-۱۷ سال داشت).

قرآن ابراهیم را بسیار متضرع و «آواه» یعنی زاریگر و بسیار آه‌کننده یعنی با قلبی فوق‌العاده شفاف و پرعاطفه و آئینه‌وار معرفی می‌کند. یعنی که ذره‌بی سنگدلی و نخوت و بی‌نیازی نداشت. قلبش بسیار نرم و شخصیتش بسیار بردبار و شکیب بود. پس چگونه می‌توانست با پدرش عاطفه‌یی و رابطه‌یی نداشته باشد. پنهانی برای هدایت پدرش دعا می‌خواند و شاید هم اشک می‌ریخت. تا روزی که خدا بر او نهیب زد که پس از یک مهلت معین اگر پدرش هدایت نشد حتی حق استغفار هم برای او ندارد و نباید پشت او گیر کند بلکه باید از او تبری و بی‌زاری بجوید و با او «قهر و قیچی» کند:

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ

حَلِيمٌ

«آمزش خواستن ابراهیم برای پدرش جز از روی موعدی و مهلتی که به او داد، نبود. پس آنگاه که آشکار شد که پدرش دشمن خداست از او بیزاری جست همانا که ابراهیم بسیار زاریگر و دل‌پاک و بردبار بود».

عجبا که خدا چگونه پیامبر بزرگش را می‌آزماید. بعدها هم که در سرزمین فلسطین و عربستان ابراهیم از هاجر صاحب پسری شد، آزمایشی بسا بزرگتر در پیش بود. آزمایش اسماعیل ذبیح‌الله (قربانی خدا) که برای ابراهیم بسیار سخت و سنگین بود اما روی برنتافت. آن قدر که می‌گویند وقتی کارد بر گلوی پسر گذاشت، ناله‌یی از کارد برخاست:

«الخلیل یأمرنی و الجلیل ینهانی»: خلیل (ابراهیم) امرم می‌کند اما جلیل (خدا) مرا باز می‌دارد...

عاشقی پیداست از زاری دل

نیست بیماری چو بیماری دل

علت عاشق ز علتها جداست

عشق اسطرلاب اسرار خداست

چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت

تا به عشق آمد قلم از خود شکافت

چون قلم در وصف این حالت رسید

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

پیام عیسی مسیح

تقریباً دو هزار سال پیش عیسی مسیح در همین باب مضامینی شگفت گفت:
هر کس خانواده خود را بیش از من دوست بدارد، لایق من نیست.
اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران و حتی جان خود را فدا نکند،
شاگرد من نتواند بود.
هر کس که فقط در فکر زندگی خویشتن باشد، آن را از دست خواهد داد؛ اما آن کس که به خاطر من
زندگی خویش را از دست دهد زندگانی جاودانه خواهد یافت.
«هر که صلیب خود را بر ندارد و از عقب من نیاید نمی‌تواند شاگرد من گردد. زیرا کیست از شما که قصد
بنای برجی داشته باشد و اول ننشیند تا برآورد خرج آن را بکند که آیا قوت تمام کردن آن دارد یا نه»
(انجیل لوقا).

حکم خدا

و این هم دو آیه از قرآن مجید در سوره توبه که عین کلمات خدای مسیح و محمد است و حرف را به
کمال و به اتمام رسانده است:
«ای آنان که گرویده و ایمان آورده‌اید، مبدا پدران و برادران خود را در صورتی که حق‌ستیزی پیشه
کنند به دوستی بگیرید و آن کس که چنین کند خود ستم‌پیشه است. پس بگو اگر پدران شما و پسران
شما و برادران شما و همسران شما و عشیره و خانواده شما و اموالی که اندوخته‌اید و حرفه و
کسب‌وکاری که از کسادی آن می‌ترسید و خانه‌ها و جایگاههایی که آنها را خوش دارید برایتان از خدا و
پیامبرش و نبرد در راه او دوست‌داشتنی‌تر است پس در انتظار باشید و ببینید که عاقبت کار و امر خدا
در این باره چیست و همانا که خدا گروه نافرمان و تبهکار را هدایت نمی‌کند».

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

در سوره مجادله نیز کلام خدا چنین اوج می‌گیرد:

«خدا مقرر نمود و نوشت که من پیروز می‌شوم و فرستادگانم، همانا که خدا توانای عزتمند است. گروهی را نخواهی یافت که به خدا و روز بازپسین ایمان آورند اما کسانی را به دوستی بگیرند که به دشمنی با خدا و فرستاده او برخاسته‌اند، هرچند که آنان پدران یا پسران یا برادران و خویشاوندانشان باشند. اینان (که از چنین روابطی تبری جسته و تطهیر می‌شوند) کسانی هستند که خدا در قلبهایشان ایمان نوشته و آنان را باروحی از خویش مدد کرده است و آنان را به بهشتی وارد سازد که در زیر آن جویبارها روان است و در آن جاودانان هستند. خدا از ایشان و ایشان از خدا خشنودند، آنان حزب خدا هستند و همانا که حزب خدا رستگاراند.»

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

از علی پیاموزیم

سابقه تاریخی دیگر مربوط به حضرت علی است. حضرت علی هم می‌خواست در زمان خودش تفاوت مفهوم خانواده ایدئولوژیکی با خانواده تنی و خونی را به مجاهدان جدیدالورود در آن زمان پیاموزد و تعریف کند.

چنان که می‌دانید قریش، همه باهم پیوندهای خویشاوندی و عشیرتی داشتند؛ اما مرزبندی انقلاب و ارتجاع که آمد، مثل همین زمان خمینی، گاه برادر در مقابل برادر و پسر در مقابل پدر قرار می‌گرفت. عیناً از روی کلام ۵۵ نهج‌البلاغه برایتان می‌خوانم:

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ نُقْتَلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا ...

در جنگ‌هایی که در رکاب رسول خدا بودیم زمانی بود که در برابر پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود قرار می‌گرفتیم و آنها را می‌کشتیم و این البته جز بر ایمان و اعتقاد و استواری و ثبات قدم ما نمی‌افزود. شکیبایی ما را بر سوزش دردها و سعی و کوشش ما را برای نبرد با دشمن افزایش می‌داد... در ادامه همین خاطرات، حضرت علی برای یارانش سوگند می‌خورد که مبادا در این مرزبندیها سستی بورزند والا شاخهٔ درخت ایمان سبز نمی‌شود و سوگند به خدا که در این صورت از دنیا خون خواهید دوشید و در پی آن (وقتی دشمن بر شما و مردمتان مسلط گردد) پشیمان خواهید شد.

دکتر شریعتی در کتاب اسلام‌شناسی نوشته است که پس از پایان جنگ بدر پیامبر دستور داد اجساد کشته‌های قریش را (لابد برای جلوگیری از انتشار عفونت) در حفرهٔ آبی که در بیابان در همان نزدیکی بود بریزند تا نیروی رزمنده بتواند سریعتر منطقه را ترک کند. جنازهٔ عتبه را که در آنجا می‌انداختند، پسرش به نام حدیفه خیره‌خیره بر گشته پدر می‌نگریست و رنگش پریده بود. پیغمبر دریافت و گفت: از کار پدرت در درونت چیزی آمده است؟ گفت: «نه به خدا ای رسول خدا، نه دربارهٔ پدرم و نه دربارهٔ قتل او شک نکردم، اما من عقل و حلم و فضل او را می‌شناختم و امید داشتم که این صفات او را به اسلام رهنمون گردند و چون سرنوشتی را که اکنون بدان دچار شده است می‌بینم و به یاد می‌آورم که با امیدی که به او داشتم بر کفر مرده است، این مرا اندوهگین کرد». پیغمبر گفت خیر است (و گذشت). حالا نزدیک به ۱۴۰۰ سال از زمانی که حضرت علی آن سخنان را می‌گفت گذشته است و می‌خواهم به زمان خودمان بیایم.

چه افتخاری بالاتر از این که شما در هر صحنه و هر رویارویی و در هر آزمایش و ابتلایی، دشمن ضدبشر را به شکست و زبونی کشانید. مغلوب کید و مکر و دجالگری یا تسلیم شقاوت و جنایتش نشدید. دشمنی که همهٔ ابزارها و سلاحها را علیه شما به کار گرفت. با دجالیت محض و فراتر از همهٔ نظامهای ارتجاعی و ضد مردمی تاریخ، مقدسات آسمانی و همهٔ ارزشهای انسانی، از جمله عواطف و روابط خانوادگی را برای مغلوب کردن مجاهدین به کار گرفت. از هیچ چیز علیه شما فروگذار نکرد؛ اما بیچاره آخوندهای مفلوک که برای هزارمین (بار) در برابر مجاهدان اشرف، در برابر اسطوره‌های مقاومت و

ایمان، بازهم جز شکست و رسوایی و سرشکستگی نصیبی نبرده و نخواهند برد. باور کنید که در این هیچ مبالغه‌یی نیست.

وداع یک مجاهد خلق با فرزند شهیدش

در همین لحظات که این پیام را می‌نویسم، حرفهای تکاندهنده برادر مجاهد‌مان علی امامی در کنار پیکر فرزند اشرفی و شهیدش حنیف امامی در مردادماه گذشته در گوشم زنگ می‌زند. من این صحنه را بارها دیده‌ام و در کلمات علی بالای سر حنیف شهید، محو شده‌ام. اگر دقت کرده باشید او حتی نگفت که کاش به‌جای پسرش، خود او شهید می‌شد. به‌عکس بر شرافت حنیف درود فرستاد که اثبات‌کننده اشرف و مجاهدین بود و افزود: «ای کاش، ای کاش، من با تو بودم... به شهادت (تو) حسادت می‌کنم، واقعاً حسادت می‌کنم... می‌خواستم مجاهد بمانی، مجاهد زندگی کنی و مجاهد بروی».

خوشا آن پسر که پدرش به جایگاه او افتخار کند و بر مقام او در عقیده و جهاد، غبطه بخورد.

وداع مجاهد خلق علی امامی، با فرزندش مجاهد شهید حنیف امامی از شهیدان حمله مزدوران به اشرف در ۶ و ۷ مرداد ۱۳۸۸

«مبارکه، مبارکه!

خوشا به حالت بابا!

واقعاً حق مجاهدی را تو در این شرایط برای خلقمون، خلق قهرمان ایران، به اثبات رسوندی بابا! به وجودت افتخار می‌کنم.

خمینی دجال و خامنه‌ای دجال تمام هم و غمشان این بودش که مجاهدین را به زانو در بیاره بابا! ولی مجاهدین مثل تو، پوزهایش را به خاک میماله!

کجان مماشانگرا؟ کجان آن بیشرفا که ببینن تو چگونه این شکلی بتونی از حق خلق محروم ما دفاع کنی.

همیشه می‌گفتی: بابا خیلی شیرم، اثبات کردی شیری!

اثبات کردی اشرفی تمام عیار هستی بابا! دورد بر تو، درود بر شرافت تو! مجاهدیت را اثبات کردی!

ای کاش، ای کاش، ای کاش من با تو بودم.

راستش دفعه پیش حنیف جان! به شهادت حسادت می‌کنم. واقعا حسادت می‌کنم.

خیلی دوست داشتم که خلاصه آن چه که در راه تو ریخته شده را ماده کنی و ماده کردی.

همیشه این طوری بودی جدی، پرشور، با نشاط، حنیف جان! تو اثبات کردی پدر، که واقعا کس نخارد. شاخصش تو هستی!

بیشرفا، مماشانگرا، آمریکا باید بدونه که سلاح تو رو گرفته و به تو تعهد داده که از تو دفاع کنه نامردی کرد، جاخالی داد.

خلق ما، خلق محروم ایران بدونه.

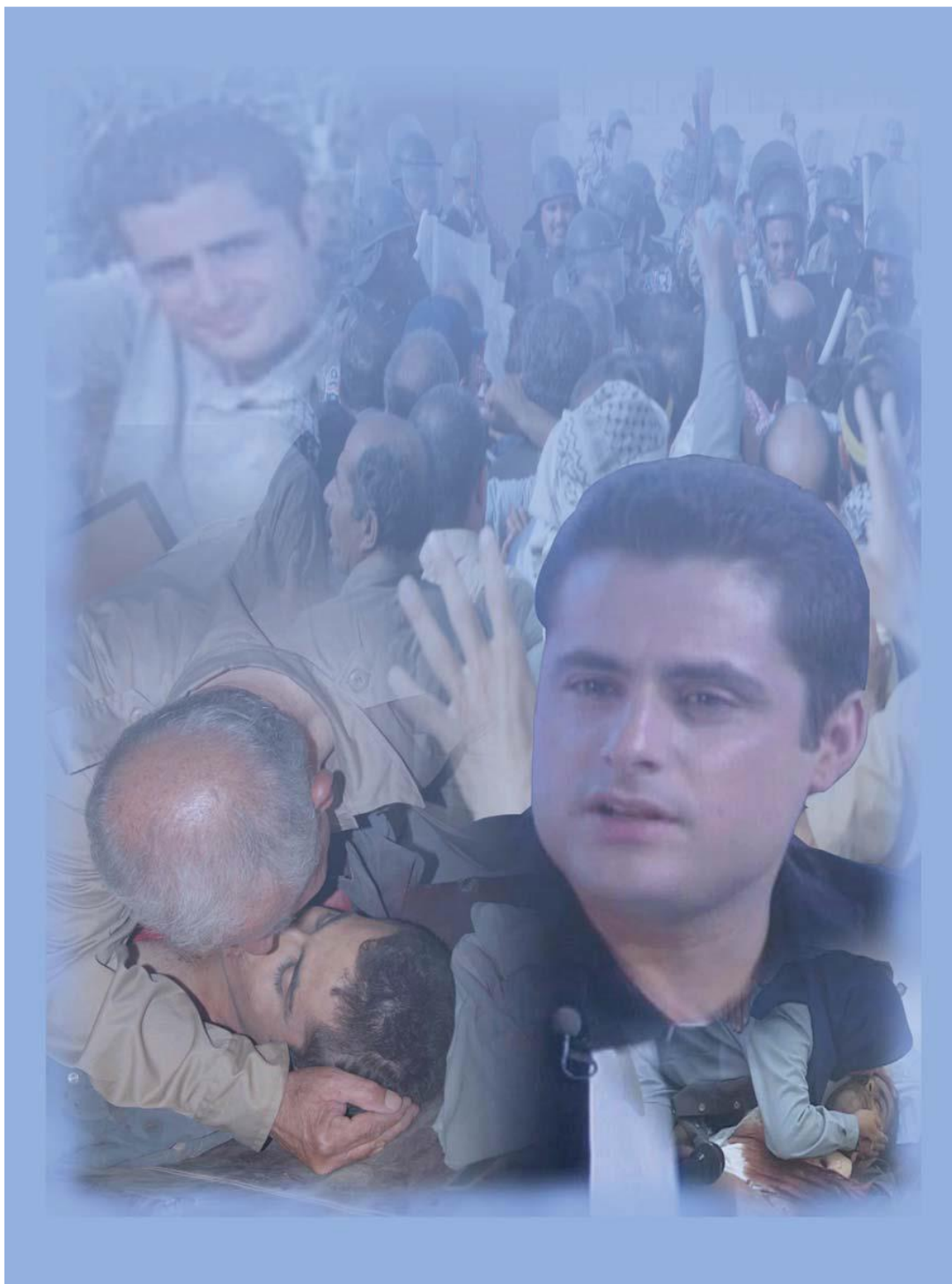
حنیف! وقتی خبر شهادت تو را شنیدم می‌دونی یاد چی افتادم؟ صبح لحظه داشتم که فقط تو را دیگه ندارم من! صبح وقتی که درگیری شروع شد می‌دونستم

از ما خیلی خون می‌گیرن، این قیمت بهای اشرفی بودن ماست. حنیف جان، خیلی خیلی به تو افتخار می‌کنم! به خدا قسم خیلی به تو افتخار می‌کنم.

همیشه می‌خواستم مجاهد بمونی و مجاهد زندگی کنی و مجاهد از این دنیا بری.

این همه چیز بود که تو به من دادی،

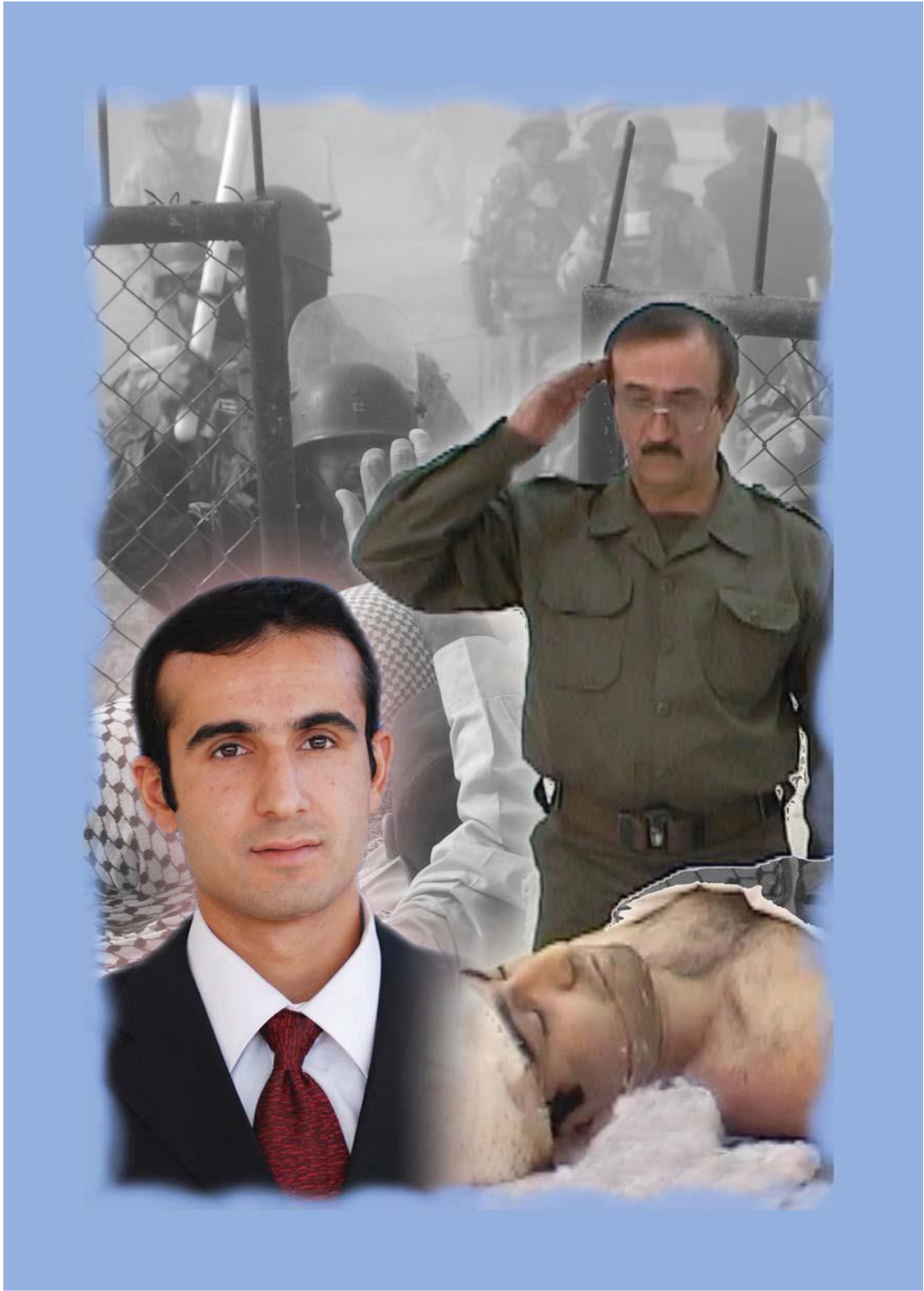
خواهرم و برادر! واقعا درود، درود، درود».



صحنه‌هایی از وداع پدر و مادر و خواهر مجاهد شهید حنیف امامی

وداع مجاهد خلق حسن نظام الملکی با فرزندش
مجاهد شهید سیاوش نظام الملکی
از شهیدان حمله مزدوران به اشرف در ۶ و ۷ مرداد ۱۳۸۸

اینهم صحنه وداع مجاهد خلق حسن نظام با پسر مجاهد
و شهیدش، سیاوش...
بر مادر والا و شهیدش، خواهر مجاهد نسرین پارسیان
(فاضله) از نخستین کاندیداهای عضویت شورای رهبری
مجاهدین و فرمانده پذیرش ارتش آزادیبخش درود...





صحنه وداع پدر و خواهر مجاهد شهید صبا هفتبرادران از شهدای ۱۹ فروردین ۹۰ در اشرف



مجاهد شهید آسیه رخسانی

از شهدای ۱۹ فروردین ۹۰ در اشرف، در کنار مادرش و در آخرین لحظه وداع



سر دژخیم رژیم با سه پسر مجاهدش

از سال ۵۹ و اوایل دهه ۶۰ خاطراتی از سه پسر مجاهد محمدی گیلانی سردژخیم و رئیس دادگاه خمینی در شکنجه‌گاه اوین دارم که چند بار در نشست‌ها گفته‌ام و در نشریه هم نوشته شده بود. محمدی گیلانی، سه پسر داشت و هر سه، مجاهد خلق بودند.

برادرمان جعفر از کادرهای سازمان و مجاهد بسیار والاقدری بود. جعفر در فاز سیاسی در یک تصادف اتومبیل حین مأموریت به شهادت رسید. دو مجاهد دیگر، محمد مهدی و کاظم بودند که یکی در درگیری به شهادت رسید و حکم اعدام دیگری را محمدی گیلانی خودش داد.

حالا گوش کنید: وقتی که موج اعدام‌های مجاهدین به حکم همین محمدی گیلانی که قاضی شرع خمینی بود بالا گرفت، یک روز من نامه‌یی از کاظم و مهدی دریافت کردم که نوشته بودند ما دیگر طاقت و تحمل این دژخیم را نداریم و به‌سادگی آب خوردن می‌توانیم و می‌خواهیم که او را به جزای این همه حکم اعدام برسانیم.

تا وقتی که این نامه در آن شرایط به من برسد، چند روز طول کشیده بود بنابراین بلادرنگ برای مهدی و کاظم پیام دادم که دست نگه‌دارید و چرا می‌خواهید حساب کسی را برسید که به‌رحال پدرتان است...

چند روز بعد یک پیام شفاهی دریافت کردم که مهدی و کاظم گفته بودند این چه سؤالی است که از ما شده، مگر ما بچه‌ایم و سازمان به ما اعتماد ندارد و مگر ما کلام ۵۵ در نهج‌البلاغه را نخوانده‌ایم. جمله‌یی که از همان زمان در گوشم زنگ می‌زند و آن دو مجاهد شهید نوشته و پیام داده بودند این بود که «به برادر بگویند یک‌بار دیگر کلام ۵۵ را بخواند و روی ما هم حساب کند. ما مجاهدیم...»

برای این که کارشان را متوقف کنند، من زود پیام دادم که به لحاظ سیاسی خواهش می‌کنم این کار را نکنید، ممکن است به ضررمان تمام شود. البته در آن زمان من نمی‌دانستم که دژخیم بر ما پیش‌دستی خواهد کرد و حکم اعدام پسر را خودش خواهد داد تا پیش خمینی عزیزتر شود و بعدها هم از پاسدار احمدی‌نژاد نشان عدالت بگیرد.

احمدی‌نژاد به هنگام مدال دادن به او گفت: «شخصیت آقای گیلانی و خود ایشون یک مدال افتخار بر سینه ملت ایرانند که آیت‌الله محمدی گیلانی کسی است که عدالت را از خودش شروع کرد و دربارهٔ خودش اجرا کرد بعد منشأ خدمات بزرگ به انقلاب و جمهوری اسلامی شد».

اطلاعیه (محمد و کاظم) فرزندان محمدی گیلانی در رابطه با جنایات ضد اسلامی و ضد بشری گیلانی حاکم ضد شرع خمینی خون آشام

همانگونه اطلاع دارید، سال گذشته به دنبال شروع موج گسترده ای اعدام های وحشیانه و فدا نقلاقی خمینی خون آشام که عمدتاً "حاکم خا شنای این اعدام ها هم چنان که هنوز هم دا مدها رده توسط آیت الله "محمد علی محمدی گیلانی (سرپرده ترین و جنا بتکار ترین حاکم ضد شرع خمینی خا شن) ما در می بندد و دو تن از فرزندان او یعنی برادران مجا هدکاظم و محمد مهدی محمدی گیلانی طی اطلاعیه ای اعتراضی و افشا گرا نه ضمن محکوم نمودن جنایات ضد بشری بدر "خونی" شان، آنکا را برالت خود را از او اعلام نمودند. (متن کامل این اطلاعیه در شماره ۱۲ همین نشریه در تاریخ ۱۵/۱/۸۰ عجا پ گردید.) همچنین اطلاع دارید که به تازگی برادر مجا هدکاظم محمدی گیلانی به همراه شتی چند از برادران و خواهران مجا هدش در یکی از بایگا های مجا هدین مورد محاصره و هجوم مسلحانه ای با سادران خمینی قرار گرفت که رژیم هیچگونه اطلاعی در مورد سرنوشت او منتشر نکرد و فقط اسامی همزمان شهیدان او را اعلام نمود.

اکثون در این رابطه بی معنا سبت نمیدانیم که یکبار دیگر متن کامل این اطلاعیه ای افشاگرانه و تاریخی را چاپ کنیم:

چپا سخی داد؟ مگر نگفت نه هیچ نگران ن نباش اینها جوانان باک وما دقی هستند و... و بقیه حرفها بش را در مورد ما و مرجعین تو خود بهتر به ما داری و حتی با ددا شتهایی هم برداشته ای ولی چه شد؟ چه شد که به خونمان تا مرفق دست آلودی و از آن هم فراتر رفتی و در آن محاصره ای تلویزیونی فرماشتی تا همین جوانانی را که با رها بر پاکی و صداقت آنها تا کنید کرده بودی مهدورالدم خواندی و گفتی زخمی نیم کشته ای آنها هم با بستی شما مکش شود.

اگر با دنا با شدد در آن روزها که مجا هدین ستا دعلتی داشتند و مرجعین با شما فوا و با کمک ابا دی مسلح و غیر مسلح شان از هیچ آزار و آذینی فرو گذار نمی گردیدند. در آن روزها ما به شما می گفتیم که پدر ما روی پیشانی می خوا نیم کسه روزی دست تا ن به خون ما آلوده شود. شما بر آشفته شدید که این چه حرفها ی است می زنید! از مطرح شدنش ابا با شدد. اما دیدید که چگونه با گذشت زمان حقا نیت و صحت گفتار ما ن ثابت شد؟ آری امروز ما ن روز است امروز بنحدهای شما و ما منت که به زعم شما تا لسی عصمت! است در خون پاکترین جوانان و نوجوانان مسلمان و انقلابی میهن فرود رفته است. با سادران تا ن در مقابل خلقی که به نشانه ای اعتراض به عملکردهای ارتجاعی وطن سربا دده و به نشانه ای اعتراض به دیکتا توری و استبداد دزیر پرده ای دین به نیرزا نوزده و آنها را به خاک و خون می کشند. اسرا و زخمی ها بشان را حتی بدون نام و نشان و در داکا هی: که نه و کلیل داشتند و نه فرست دفاع به دستور شما به جو خه ای اعدام سیرده شدند. پس شما بگوئید که مردم چگونه اعتراض خود را نشان بدهند. شما که نمی - گذارید نشریه چاپ و توزیع کنند. اعلامیه بدهند. شما که نمی گذارید... شما که تمام راهها را به رویشان بسته اید و آیا ایسین روشن ترین نشانه ای هراس شما از حقیقت و از مردم نیست؟ ولی با همه ای اینها دیدید که همان خوا هر ۱۳ ساله جپا برجا و استوار دزیر نشا ر شکنجه و اعدام با نشتا دوفریاد زد که مرگ برآستیداد، زنده با دآزادی، درود

تقدیر در صفحه ۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم
آقای گیلانی، محاصره ای را در سوسو و تلویزیونی شما را در رابطه با اعدام های نا جوان مردانه، فدا ناپذیری و فدا سلامی برادران و خواهران مجا هدما ن شنیدیم شما در حالی که امیرالمومنین خود را تالی عصمت! می خواندی برای عوا مفریبی و سرپیوش گذاشتن روی جنایاتی که تا ربح کمتری به با ددا ردا زهیج دروغ و تهمت و افترا لسی نسبت به بهترین فرزندان اسلام و خلق فرود گذار نگردی. شما ما در رفا ثی های شهید را عا یسه خواندی و گفتی که مهدورالدم است گفتی که زخمی ها و نیمه کشته های مجا هدین حتی اگر هیچ سلامی هم ندا شته با شدد و صرفاً مخالف حکومت با شدد با بستی شما مکش شوند. شما با فرزندان علی چنان کردی که شمر با آن همه فسا و با آنها نکرده بود.

آخر شما آقای گیلانی به خوا هر ۱۳ ساله ای معصوم ما هم رحم نگردی و از آن هم فراتر رفتی و برای پاک کردن گنا هان شان عوا مفریبانه، برای این همه کشتار توجیه شرعی اسلامی! ترا شیدی و برخدا دروغ بستی... فمن الظلم ممن افتری علی الله کذبا" "... و چه کسی ستمکار تر است از آنکه برخدا دروغ می سدد؟ (اعراف - ۳۷)

برای ما شا هده ای این صحنه ها و محاصره های تلویزیونی چندش آ و روسنگین بود. چندش آ و ربه این دلیل که این حرفها را همان کسی می زد که پیش از این سربا کی و صداقت مجا هدین تا کید داشت و می گفت

اطلاعیه (محمد و کاظم) فرزندان محمدی گیلانی

بقیه از صفحه قبل

بر ما هدین، و نه ایما "در همین راه چنان باخت؟

بله، آقای گیلانی این فریادی که از حلقوم این خواهرکسب و سالمان بیسرون آمد فریاد خلقی است که اینک از استبداد، دیکتاتور، زبیر پرده‌ی دین به ختم آمده و نخواهد گذاشت آزادهای انقلابی و مردمی توسط اسلام پنهان و مرتجعین لگدمال نود و چهره‌ی پاک اسلام مخدوش گردد. ولی بگذارید همین جا بروا قیامی تا کیدکنیم و آن اهمیت و ارزش این شهداست. این شهدا خون پاکشان را هکشی عبور خلق از مرحله‌ای به مرحله‌ی عالی‌تر برده است.

اینها قلمی نوین را در تاریخ مبارزات خلقمان گشودند. آری همیشه شهدائی که در مرفطها خون پاکشان را به خلق هدیه می‌کردند ارزش و اهمیت والا داشته اند و درست به همین دلیل شهدای ۳۰ خرداد و شهدای بعدی آن که در پرتو روشنائی خون پاکشان، خلق فصل جدیدی از مبارزات رهائی بخش و انقلابی خود را آغاز می‌کنند، اهمیت زیادی دارند. آری این شهدا به دست شما اعدام می‌شوند. شما اگر با دستان با شد در طول عمرتان تا آنجا که ما می‌دانیم نه تنها در مبارزه علیه شاه شرکت نمی‌کردی بلکه از حضور فرزندان در صفوف مردم در مبارزه با رژیم شاه معانت می‌کردی و طبق معمول به توجیه و تهدید و تطمیع متوسل می‌شدی. شما که اگر با دستان با شد و قتی فرزندت مهدی در زندان ساواک بر می‌برد به او می‌گفتی که عفوبنویسد و آزاد شود... آیا به یاد داری که در روزهای انقلاب ۲۲ بهمن از قم به تهران تلفن می‌کردی و از حضور ما در صفوف مردم جلوگیری می‌کردی و می‌گفتی نویسد، بی‌خود گشته می‌شود. اگر شما توانستید در آن روزها از حضور فعال ما در کنار مردم معانت به عمل آورید، امروز نیز می‌توانستید محب و عشقمان را نسبت به اسلام و فرزندان راستین آن یعنی ما هدین از ما بگیرد و آزادمانی مبارزات بر خلقمان

جلوگیری نمی‌شد. ولی مطمئن باشی، راهی را که برگزیدیم و اسلامی را که شناختیم به این تهدیدها و تطمیع‌ها و توجیحات از حرکت نمی‌ایستد.

و به راستی مگر خریدن خانه‌ها برای دو سرت و آن هم هر کدام ۷۰۰ هزار تومان و خریدن ماشین و دادن وعده‌های گداز به آنها توانست آنها را از حرکت و مبارزه‌ی انقلابیشان بازدارد؟ مگر اعداها و کشتار وحشیانه‌ی برادران و خواهران ما همدان از زونهای آن ۱۳ ساله گرفته تا جوانان و توافرا دامن جز تا کید بر سنگینی مسئولیت‌مان و نتیجتاً "بالا بردن شتاب حرکت انقلابیمان تا شیریگری داشته است؟

مطمئن باشی که هر چه بیشتر از ما اعدام کنید شکنجه کنید و... حقانیت راه ما بر راه شما بیشتر روشن خواهد شد و خواهران و برادران بی‌شما ردیگری جای آنها را پر نخواهند کرد. همچنان که خودتان می‌دانید و شاهد هستید در خانه‌ی خود شما قلب‌های همه‌ی فرزندان از کوچک تا بزرگ با ما هدین است.

اینک در همین جا این جانبان کاظم و مهدی فرزندان شما "محمد محمدی گیلانی" حاکم فاش شده‌ی دگانه‌های ارتجاع حاکم اعلام می‌کنیم که به مصداق رهنمودهای قرآنی: "... ولاننخذا آتیا لکم و اوانکم اولیا" ان استحبوا الکفر علی الانیان... اگر برادران و برادرانتان کفر را بر ایمان برگزیدند آنها را اولیا و دوست خستود نگیرند... پس از اینکه دست‌های شما به خون پاک برادران و خواهران ما هدیمان آلوده شد دیگر هیچ رابطه‌ای با ما هم‌نداریم و در واقع رابطه‌ی شنی پدر- فرزندی را با شما در روزهای پس از ۳۰ خرداد تمام شده تلقی می‌کنیم. و همانگونه که در این روزخون پاک این شهدا حیاتی دیگر به ما داد این روز بزرگ را تا تاریخ تولد ما می‌دانیم و امان و نسیمان نیز از این پس به ما هدیبی بر می‌گردد.

و کلام آخر اینکه آقای گیلانی شما در

شرا بیگی برادران و خواهران ما را به جوخه‌های اعدام سپردید که از هویت آنها اطلاع پیدا نداشتند و نه تنها از داشتن وکیل محروم بودند بلکه فرصت دفاع از خودشان را نیز به آنها ندادید و در دادگاه! یکسری دو دقیقه‌ای به اعدا محکومشان کردید، شما دلایل اعدام آنها را مکلف بودن - داشتن اعتقادات مجاهدین و بیعت نکردن با امام تالی عمت! و خروج بر علیه اوسیان داشتید و اینها همه را به اسلام نسبت دادید. از طرفی شما خود سبتر می‌دانید که ما (کاظم و مهدی) نیز اعتقادات ما هدیبی را داریم، مکلف هم هستیم و همچنین با رژیم خمینی بیعت نکرده و بر علیه او خروج کرده ایم ملاحظه می‌کنید که او جدم تمام آن شرا بیط هستیم.

اینک ما (کاظم و مهدی) در همین جا اعلام می‌کنیم که ما دهام تا در پیدا دگانه شما با خونمان بر حکومت تاریخی شما و اسلام معاویه‌ای و همچنین بر حقانیت ما هدیبی خلق و اسلام امیل شهادت دهیم همچنان که آنها شهادت دادند. به شرط اینکه در این پیدا دگانه قاضی شرع خود شما با شیدوا اعلام کنید: ما (کاظم و مهدی) به دلیل مکلف بودن به داشتن اعتقادات ما هدیبی و بیعت نکردن با رژیم خمینی و خروج بر علیه او اعدا محکوم شده ایم. مطمئن باشی که پس از اعلام این حکم از سوی شما برای ادای شهادت حاضر می‌شویم. ما با همه‌ی وجودمان بقتین داریم که سرانجام سرافکنندگی در برابر خلقت و حکومت تاریخی نصیب شما و شریک‌گفته‌های نظیر شما خواهد شد و یقین داریم که عزت و سرافرازی آن ما هدیبی خلق، فرزندان راستین اسلام است. همچنین ایمان داریم که در روزی از زمین و در پیشگاه عدل الهی به جرم خیانت به خدا و رسول خدا و دین خدا و خلق خدا، گرفتار دردناکترین آتش‌ها خواهیم شد.

والسلام علی اهلته
کاظم محمدی و مهدی محمدی

* * *



۶ تیر ۱۳۸۸

تلویزیون رژیم



۶ تیر ۱۳۸۸

تلویزیون رژیم



۶ تیر ۱۳۸۸

تلویزیون رژیم

هدای نشان «درجه یک عدالت» توسط پاسدار احمدی نژاد به آخوند محمدی گیلانی به پاس صدور احکام اعدام هزاران تن از فرزندان مجاهد و مبارز مردم ایران

گزارشهای آن موقع را که کاظم و مهدی از خانه‌شان می‌دادند، یادم هست که محمدی گیلانی با پول کلان می‌خواست آنها را بخرد و شغل‌های نان و آبدار هم به آنها بدهد.

از عجایب روزگار این بود که یک سال و اندی قبل از ۳۰ خرداد، در اوایل سال ۵۹، همین محمدی گیلانی حاکم ضد شرع، در خانه رضاییهای شهید به دیدار من آمد چون قبل از انقلاب ضدسلطنتی به مجاهدین ابراز ارادت می‌کرد.

وقتی وارد خانه شد چند پاسدار هیولای گلنگدن کشیده او را همراهی می‌کردند. روز بعد خودش در مورد دیداری که با من داشت با مطبوعات آن روزگار مصاحبه کرد و من هیچ اطلاع قبلی نداشتم. طوری تعریف و تمجید کرده بود که بنی‌صدر (اولین رئیس‌جمهور خمینی) بعدها به من گفت یقین کرده بود که محمدی گیلانی خودش از اعضای مجاهدین است!



مجاهد شهید حسین جنتی

شهادت: ۱۳۶۰



مجاهد شهید کاظم محمدی

گیلانی

شهادت: ۱۳۶۱

دبیر شورای نگهبان ارتجاع و پسر مجاهدش

نمونه دیگر برادر مجاهدان حسین جنتی است که قهرمان نامداری بود. پدرش همین آخوند جنتی ملعون، رئیس شورای نگهبان ارتجاع، امام جمعه خمینی و خامنه‌ای است. می‌گویند وقتی که حسین به شهادت رسید، آخوند ملعون روزه گرفته و گفته بود نذر کرده‌ام اگر حسین دستگیر یا کشته شود روزه شکر بگیرم. تف بر این نماز و روزه خمینی و خمینی‌گرایان که یادآور نماز و روزه شمر و ابن‌زیاد است. ابن زیاد هم به حضرت زینب می‌گفت که مگر در قرآن نیامده که خدا عزت می‌دهد هر که را بخواهد و ذلیل می‌کند هر که را بخواهد، دیدی که برادرت و تو را چگونه به عذاب الیم دچار کرد و خوارتان ساخت؟

بله وقتی قرآن به دست خمینی و جنتی و ابن زیاد بیفتد، معنا و تفسیرش هم همین است؛ اما تاریخ و توده‌هایی که سازنده تاریخ هستند قضاوت دیگری از امام حسین و حضرت زینب دارند. حالا بنگرید که کار رژیم به کجا رسیده که می‌خواهد اشرف و مجاهدین را با اعزام مزدورانش تحت عنوان خانواده از هم بپاشد یا از آنها بریده و خائن بگیرد و بعد توی سر بقیه بزند. رژیم گمان می‌کند که مجاهدین از این چیزها عبور نکرده‌اند. نمی‌داند که ما نمونه‌های متعددی داریم که در زندانهای رژیم، همین خواهران خودمان را برادر تنی آنها که رژیمی بوده، شکنجه کرده است.

تبری از مزدوران رژیم

مجاهدین که سهل است، هیچ انسان آزاده و باشرفی، رژیم و مزدورانی را که خنجر رژیم و مالکی را در پهلوی مجاهدین فرو می‌کنند، خانواده مجاهدین نمی‌داند و مخصوصاً در خاک امام حسین در هر نماز از آنان تبری می‌جوید.

جان کلام این است که اشرف و مجاهدانش، در فروغ ایران و قیام اشرف و کارزار پیروزی و در افشای مزدوران رژیم در عراق، آن‌چنان بلایی بر سر رژیم آورده‌اند که راهی جز این نمایشهای مسخره نمی‌یابد. الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

یادتان باشد که تا وقتی بیرون حریم ما هستند عکس‌العمل خودبه‌خودی نشان ندهید. بگذارید که وزارت بدنام با خانواده‌هایش بور شوند. نمایندهٔ ملل متحد و نیروهای آمریکایی هم در اشرف ناظر هستند.

دفعهٔ پیش خواهران و برادرانمان می‌گفتند اگر کسی با ما ملاقات می‌خواهد تشریف بیاورد داخل قرارگاه تا به این‌وسیله محاصره ضدانسانی بشکند! اما رژیم برای خانواده‌هایش مرزسرخ کرده است که مبادا وارد اشرف شوند. چون در داخل اشرف هر چه پیش بیاید مجاهدین فیلمبرداری و استفاده می‌کنند و مزدوران را هم کم‌وبیش تخلیهٔ اطلاعاتی می‌کنند. این بار اما مجاهدین می‌خواهند از بنیاد حسابشان را با مزدوران و تورهای وزارتی تصفیه و جدا کنند (نه فقط در اشرف، بلکه در داخل و خارج ایران و در سراسر جهان، تا سیه روی شود هر کس که با این رژیم همدست یا هم‌صدا و هم‌کاسه است و حتی به‌اندازه یک جمله یا یک عبارت مواضع و حرفهای ننگین رژیم را علیه اشرف و مجاهدین رله یا تکرار یا بازپخش می‌کند).

چند نمونه از اظهارات مقامات و سردمداران رژیم درباره خانواده و عواطف خانوادگی در ایدئولوژی و فرهنگ ضد انسانی آخوندهای حاکم

خبرگزاری فارس (رژیم) ۲۰ تیر ۹۳

محمد مهدی مفتاح، نماینده مجلس شورای اسلامی و داماد خانواده آیت‌الله محمدی گیلانی در گفتگو با خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، درباره ویژگیهای این روحانی فقید اظهار داشت: آیت‌الله گیلانی از مجتهدین مبرز حوزه علمیه قم و از شاگردان نزدیک به امام خمینی (ره) بود...

این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره نحوه برخورد آیت‌الله گیلانی با فرزندانشان اظهار داشت: پسر بزرگ ایشان در همان سالهای اول انقلاب در یک تصادف از دنیا می‌رود و دو پسر دیگر ایشان دانشجوی دانشگاه تهران بودند. برای این دو فرزند خود، منزلی در تهران تهیه می‌کند و فرزندان مالک آن خانه می‌شوند هرچند که پدرشان آن خانه را خریده بود.

وی ادامه داد: بعد از سالها زمانی که فرزندان ایشان گرایشهای خاصی به گروهک منافقین پیدا می‌کنند و حکم کسانی که منافق بودند و علیه نظام اسلامی اقدام و با منافقین همکاری می‌کردند این بود که اموالشان مصادره و محکوم به اعدام می‌شدند، آیت‌الله گیلانی منزلی را که برای فرزندانش خریده بود به دلیل این که در مالکیت فرزندانش بود و اموال آنها مشمول مصادره می‌شد به نفع بنیاد شهید مصادره شد و در اختیار بنیاد شهید قرار گرفت.

نحوه کشته شدن پسر آیت‌الله گیلانی

مفتح عنوان کرد: در آن سالها وقتی نهادهای انقلابی می‌خواستند یکی از منازل تیمی گروهک منافقین را شناسایی کنند ابتدا افرادی که در آنجا رفت‌وآمد می‌کردند را تحت‌نظر می‌گرفتند. این گروه برای کسب اجازه از محضر حاکم شرع و برای مبارزه با منافقین به محضر آیت‌الله گیلانی رسیدند و پرسیدند برای دفاع در برابر منافقین اگر خطری جان ما را تهدید کرد آیا اجازه تیراندازی داریم یا نه؟! ایشان پرسیدند چه کسانی در این خانه تیمی گروهک منافقین هستند؟ گروه اعزامی گفتند فلان پسر شما هم در آنجا حضور دارد اما باین‌وجود هیچ تفاوتی در تصمیم و اجازه آیت‌الله گیلانی به وجود نیامد و ایشان همان قاطعیتی که در برخورد با منافقین داشت با فرزند خودش هم داشت، لذا در همان زمان محاصره خانه تیمی گروهک منافقین و در درگیریها، یکی از فرزندان در آنجا کشته شد.

خبرگزاری تسنیم (رژیم) ۱۸ مرداد ۹۳:

تفسیر هاشمی رفسنجانی درباره آیات مربوط به آزمایش فرد با فرزند و مال

ولی همان‌گونه که بزرگان دین می‌گویند، آزمایش با فرزند و مال سخت‌ترین نوع آزمایش و امتحان است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره تفسیر آیات مربوط به آزمایش با مال و فرزند همانند آیه «واعلموا أنّما أموالکم و أولادکم فتنه و أنّ الله عنده أجر عظیم» می‌گوید: برداشت فوق از تأکیدهای متعددی استفاده شده که در آیه مورد بحث به کار رفته است. از جمله شروع سخن با فعل «اعلموا» و سپس منحصر کردن مال و اولاد برای آزمایش با کلمه «انما» و آنگاه مال و فرزند را آزمایش خواندن و نه وسیله آزمایش. این‌همه تأکید برای رساندن این حقیقت است که آزمون با مال و فرزند آزمونی دشوار و پیروزی در آن بسیار مشکل است. (سایت آیت‌الله)

هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که خدا او را آزمایش و امتحان نمی‌کند؛ باید دانست که هر فردی در هر لحظه و زمانی از زندگی خود در آزمایش است؛ امیر مؤمنان (ع) در سخنی با چنین مضمونی

می‌فرماید: «از خدا نخواهید که شمارا آزمایش نکند، چراکه امر محالی است؛ بلکه از او بخواهید شمارا یاری کرده تا از آزمایشها عاقبت‌به‌خیر بیرون آید».

علمایی که برای رضای خدا از رضای خانواده گذشتند

در طول انقلاب اسلامی ایران نیز بارها شاهد آزمایش پدران به‌وسیله فرزندانشان بودیم که پای برخی از این افراد در آزمایش مربوط به فرزند ناخلفشان لرزیده و به‌نوعی غربال‌شده از گردانه انقلاب خارج شدند.

ولی در این میان برخی از علما رضایت و خشنودی خداوند متعال را به رضایت فرزند، خانواده و مهر و محبت پدرانه خود ترجیح داده و با عدالتی مثال‌زدنی با فرزندان خود رفتار کردند؛ به‌گونه‌یی که اگر خطا داشتند، آنها را محاکمه کردند.

آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله حسنی امام‌جمعه ارومیه، آیت‌الله جنتی، آیت‌الله محمدی گیلانی، آیت‌الله خزعلی، آیت‌الله مشکینی و دیگر علما و شخصیتها از جمله افرادی بودند که به‌وسیله فرزندان خود مورد امتحان و آزمایش قرار گرفتند.

آیت‌الله حسنی: درباره انقلاب با احدی شوخی ندارم حتی فرزندم

آیت‌الله حسنی، امام‌جمعه ارومیه، درباره فرزند بزرگش رشید که به گروههای منحرف ملحق شده بود، می‌نویسد: «جایش را شناسایی کردیم، در کمیته انقلاب تهران با آیت‌الله مهدوی کنی تماس گرفتم و گفتم: یک موردی هست، چند نفر مسلح بفرستد. نگفتم پسر است، گفتم اگر مقاومت یا فرار کند، بزنید؛ نگذارید فرار کند و اگر هم تسلیم شد، دستگیر کنید و به کمیته تحویل بدهید؛ آنها رفتند و او را دستگیر کردند.

رشید را بعد برای بازجویی و محاکمه به تبریز انتقال دادند. او چون محل فعالیت‌هایش آذربایجان بود، در این شهر محاکمه و به اعدام محکوم شد و بلافاصله حکم اجرا گردید؛ من در مورد انقلاب با هیچ شخصی ولو پسر است، شوخی ندارم و با هیچ احدی در این مورد عقد اخوتی هم

نبسسته‌ام. هنوز هم اگر یکی از فرزندانم بر ضدانقلاب و رهبری خدای ناکرده فعالیت کند، همان کاری را خواهم کرد که با رشید کردم».

صدور حکم اعدام فرزند از سوی پدر

آیت‌الله محمد محمدی گیلانی نیز در خرداد سال ۶۰ فرزندان خود را که به اتهام همکاری با منافقان دستگیری شده بود، محاکمه می‌کند؛ حتی نقل شده است که وقتی آیت‌الله گیلانی استنکاف مأموران برای اجرای حکم اعدام را مشاهده می‌کند، شخصاً برای اجرای حکم اقدام می‌کنند که مأموران برای جلوگیری از اعدام شدن فرزند به دست پدرش این کار را انجام دادند.

موضع‌گیری آیت‌الله جنتی در برابر فرزندش

محمدحسین جنتی، فرزند آیت‌الله جنتی نیز به اتهام همکاری داشتن با مجاهدین خلق دستگیر و محکوم به حبس ابد شد که در آبان سال ۵۷ از زندان آزاد شده و پس از اعلام جنگ مسلحانه مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلامی، به حمایت از سازمان مجاهدین خلق برخاست؛ ولی در پاییز سال ۶۰ در هنگام فرار از پنجره ساختمان به پایین افتاده و کشته شد. هم‌چنین روزنامه کیهان در سال ۶۰ خبر همکاری فرزند آیت‌الله مشکینی با گروه‌های ضدانقلاب را بیان می‌کند.


رفتار آیت‌الله خزعلی با فرزند ناخلفش

آیت‌الله خزعلی عالم دیگری بود که به‌وسیله فرزند ناخلفش مورد آزمایش و امتحان الهی قرار گرفته و ضمن براءت از فرزندش در بیانیه‌ی نوشت: خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا آن من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم» و نیز تذکر می‌دهد: «لا تجد قوما یومنون بالله و الیوم الاخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کانوا آباءهم او ابناءهم».

در این دو آیه، خداوند سبحان به ما تنبه می‌دهد اگر اولادتان با خدا و رسول کنار نیامدند، از آنها احتراز کنید و آنها را دوست نداشته باشید.

مدت مدیدی است پسر مهدی خزعلی از راه مستقیم منحرف‌شده، درست در خط مقابل قرار گرفته، هر چه نصیحت می‌کنم و برای هدایتش متوسل به اولیای خدا می‌شوم اثر نمی‌کند... دیگر کاسه صبرم لبریز شده، دیگر با او صحبت نمی‌کنم و حرفهای نامناسب او را بر نمی‌تابم.

ملت انقلابی عزیز همیشه در صحنه ما بدانند او از ما جدا هست و هر چه از من نقل کند، نپذیرند. با من ارتباطی ندارد؛ ولی الآن هم دعا می‌کنم خداوند به او توفیق دهد که از راه انحرافی که پیش گرفته است برگردد و گرنه خداوند مقتدر، اسلام و انقلاب و امام و رهبر و رئیس‌جمهور و مسلمین عزیز را از شر او مصون و محفوظ بفرماید.



**مصعب بن عمیر
قهرمان شهید جنگ احد
و «نامادر» شکنجه‌گر**

نقل از «بشارت فطر رهایی مردم ایران»

مسعود رجوی - ۲۰ شهریور ۱۳۸۹

... این رژیم در انتخابات عراق هم که شکست می خورد به حساب مجاهدین می گذارد. آنها را سرچشمه و منشأ شکستهای خودش در جمیع جهات می داند. می گوید نتایج انتخابات عراق را هم مجاهدین دستکاری کردند حالا چطور؟! معلوم نیست. تازگی دیدم که خبرگزاری پاسداران رژیم گفته بود اینها یعنی مجاهدین از طریق واردکردن مواد غذایی به پادگان اشرف در امور عراق دخالت می کنند! شاید تعجب کنید ولی عین خبر رژیم است که می گوید: «منافقین برای تغییر در روند سیاسی کشور عراق و حمایت از مخالفان دولت مرکزی، تاکنون به وسیله واردکنندگان مواد غذایی به پادگان اشرف، مقادیر زیادی پول به مخالفان دولت کمک کرده اند». (خبرگزاری فارس ۱۴ شهریور ۸۹)

عجبا! پس این مجاهدین هستند که دخالت می کنند چطور؟! از طریق واردات غذایی! پس نباید گذاشت غذا وارد کنند نباید گذاشت غذا بخورند!

به نظر می رسد در اثر ضرباتی مثل افشای سایت مخفی اتمی، رژیم بدجور دچار سرگیجه و سرسام شده، بی دریغ و بی دنده و ترمز یک روز خبر دستگیری ما را می دهد، یک روز خبر فوت، یک روز خبر از کشته شدن آنها در آمریکا! و انواع و اقسام احکام و ورق پاره های دستگیری و استرداد، یک روز به یاوه می گوید ای نترپل در پی دستگیری ماست. یک روز هم ما را دچار انواع و اقسام بیماریها می کند و یک روز هم دلش را خوش می کند که به زودی آمریکا ما را دست بسته به رژیم خواهد داد. یک روز می گوید قرار است به زودی به عربستان منتقل بشوند، یک روز می گوید مجاهدین ریختند و همه پرونده های خودشان را در محکمه جنایی عراق سوزاندند و از بین بردند و دیگر پرونده یی نیست. یک روز دومرتبه از طریق روزنامه «البینه الجدیده» می گوید نخیر! مقداری از پرونده ها باقی است! و اخبار مستمر اندر باب همکاری مجاهدین با القاعده در ناآرامیهای عراق می دهد و یک روز هم ملا قسم و آیه می خورد که هفتاد درصد از کسانی که توی قرارگاه اشرف هستند به زور و به اجبار در آنجا مانده اند. حالا کدامین زور و کدام اجبار؟! این را دیگر ملا مسئول توضیحش نیست. بعد هم خبر می دهد از بازسازی هفت روزه «نمایشگاه مرصاد» تا بسیجیهای نظام با خطرهای مجاهدین بیشتر آشنا شوند. مجدداً سفیر

تاز هواردش در عراق می گوید که نه، اینها باید به قوه قضاییه عراق سپرده بشوند. اینها اصولاً در اشرف گروگان هستند اینها دستشان به خون آلوده است و باید به دستگاههای قضایی سپرده بشوند. پاسدار دانایی فر، سرکرده نیروی تروریستی قدس و سفیر جدید رژیم در عراق، به اعمال نفوذ در قضاییه عراق هم مقرر و مدعی است که «پرونده منافقین یکی از پروندههای مفتوح و باز است که طرفین روی آن کار می کنند». (خبرگزاری حکومتی مهر ۷ شهریور ۸۹)

می بینید که هرروز به ابعاد سرگیجه و سرسام و پرتوپلا گفتنهای رژیم افزوده می شود و سرانجام سفیر رژیم از شورشهای مکرر در قرارگاه اشرف خبر می دهد! آن چنان که آن خبرنگار آمریکایی گفته بود، به نظر می رسد رژیم، مجاهدان اشرف را «ببر در قفس» می بیند که بسیار خطرناک و بسیار ترساننده هستند. در مورد عملیات فروغ جاویدان هم پس از سالها سرکردگان رژیم یکی پس از دیگری به صحنه آمدند و هنوز هم ادامه می دهند و نکاتی را می گویند که مؤید گزارش ستاد فرماندهی در همان ۲۲ سال پیش است.

از جمله یکی از سرکردگان رژیم به نام ویسی می گوید بعد از بسیج خمینی، ۲۵۰ گردان، در کرمانشاه، دست اندر کار نبرد و رویارویی با مجاهدین بودند، این علاوه بر نیروهای رسمی ارتش و سپاه و هوانیروز رژیم است.

دیپلوماسی آخوندی این چنین بی دنده و ترمز، ترس و ولرز خودش را نسبت به کانون استراتژیکی نبرد، به نمایش می گذارد. بیچاره خیلی زیاد نیاز دارد به فوت و مرگ و کشته شدن ما! بگذارید ببینیم که در پایان این زورآزمایی تاریخی چه کسی بر چه کسی پیروز خواهد شد؟ خلق یا ضد خلق؟ مجاهد خلق یا رژیم؟

این قسمت از صحبت را با یک مثال تاریخی از جنگ احد تمام می کنم:

چنان که می دانید در قرآن، خدا به صراحت در باره پیامبر اکرم، پیامبر خاتم هم می گوید، چه رسد به سایرین! می گوید: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ مُحَمَّد فرستاده یی بیش نیست. رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ را می گوید با همه شأن و عظمت. در مورد خواجه کائنات و کون و مکان می گوید که او هم رسول خداست، مثل رسولانی که پیش از او بودند، آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما دوباره به جاهلیت و ارتجاع باز خواهید گشت؟ این قسمت و به خصوص تأکید «ما محمد الا رسول» برگرفته از

شعار یکی از مجاهدان شهید در جنگ احد به نام مصعب ابن عمیر بود که در بحبوحه جنگ این خروش را سرداد و به دنبال آن به شهادت رسید. خدا در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران، ابتدا با شعار و حرف مصعب شروع کرده است.

در جنگ احد، وقتی اردوی حضرت محمد و مجاهدانش در حال چرخاندن تعادل در جبهه نبرد بودند، دشمن برای تضعیف روحیه آنها به یک ترفند و جنگ روانی اقدام کرد. از قبیل همین جنگ روانی مزدوران دم در اشرف، دشمن با جارچیهایش در نقاط مختلف جبهه جار زد که «قتل محمد»، محمد کشته شد. اما آن مجاهد والا و قهرمان، مصعب، نه تنها به قول شما وانرفت، بلکه فریاد برآورد که «ما محمد الا رسول!» استحکام، قاطعیت و بدون شکاف و شبهه بودن این فریاد و این خروش آن قدر بود که بسیاری از مرتجعان مشرک گمان کردند این صدا صدای خود پیامبر است و می گفتند این صدا جز صدای محمد نمی تواند باشد. لذا به سوی مصعب هجوم آوردند و حمله کردند و سرانجام او در یک نبرد درخشان اما نابرابر به شهادت رسید؛ اما شعارش در روز احد را خدا وارد قرآن کرد و در ابتدای این آیه بسیار مهم قرار گرفت. مصعب داستان شگفتی داشت. داستان ایمان آوردن و پایداریش یکی از شگفت انگیزترین داستانهاست. چون مادرش از اشراف مکه و بسیار ذی نفوذ بود و کینه خیلی زیادی هم به پیامبر و مجاهدانش داشت. مصعب جوان بود و در سن کمتر از چهل سالگی نمی توانست عضو «دارالندوه»، یعنی باشگاه و شورای قریش بشود، اما مادرش این امتیاز را از قریش گرفته بود که این پسر در جریان کارهای آن باشگاه و مجلس قریش باشد. مصعب تنها پسر خانواده بود و مادرش خیلی به او علاقه داشت. می گویند که در جوانی مصعب مشهور بود به این که خوش پوشترین جوان مکه است و از این بابت زبانزد بود. تا این که هدایت شد و به پیامبر پیوست و در رکاب او قرار گرفت. از آن پس اما مادرش سلسله‌یی از اذیت و آزار و شکنجه‌ها را متوجه او کرد. اما هر کار که می کرد این قهرمان دست از ایمان و اعتقاد خودش بر نمی داشت. مدتها او را در خانه زندانی کردند. مادر یا بهتر است بگوییم نامادری دستور می داد که برده‌ها او را به شدت کتک بزنند تا شاید با آزار و اذیت و شکنجه، از عقیده و آرمانش دست بردارد و ندامت کند.

وقتی که هیچ کدام از این کارها نتیجه نداد او را از خانه بیرون کرد و رزق و روزیش را هم قطع کرد. از ترس همین مادر و نفوذی که داشت، کسی جرأت نمی کرد به این جوان کمکی بکند و این اشرافزاده با گرسنگی روبه‌رو بود، بعضاً حتی با اعانه روزگار می گذراند و البته در همه حال به ایدئولوژی و انقلاب

خودش افتخار می‌کرد. بعداً پیامبر، مصعب را با اولین دسته مهاجران با جعفر بن ابی طالب به حبشه فرستاد و یکی از نخستین سفیران اسلام بود؛ اما مصعب دوری حبیب را برنتافت و بعد از مدتی دوباره برگشت به مکه و از همه فشارها و لعن و طعن‌ها و آزار و اذیت‌ها استقبال می‌کرد. در سال یازدهم بعثت ۱۲ نفر از یثرب که بعداً «شهر پیامبر» (مدینه النبی) نام گرفت، برای زیارت به مکه آمدند و به اسلام و محمد گرویدند. آنها که ۱۰ مرد و ۲ زن بودند با محمد پیمان بستند (پیمان عقبه اول). بعد از انعقاد این پیمان، پیامبر مصعب را با آنها به یثرب برگرداند و در آنجا مصعب مسئول اداره جبهه وسیعی برای فراخواندن به انقلاب و اسلام و برشوریدن به کفر و ارتجاع شد. یک روز که در کوچه‌یی نشسته بود و برای مردم صحبت می‌کرد، یکی از سران و گردن کلفت‌های یثرب به نام اُسید بن خضیر، که بسیار زورمند بود از راه رسید و گفت مصعب بلند شو! نفس آخرت رسیده و الآن وقت آن است که تو را بکشم و به‌سزای اعمالت برسانم. خیلی شلوغ می‌کنی! خیلی عصیانگر هستی! و از وقتی به دیار ما آمدی، اینجا همه‌اش دعوا و چنددستگی راه انداختی. درحالی که قبل از آمدن تو این خبرها نبود، مردم سرشان را پایین انداخته و دنبال کارشان بودند، اما تو این فتنه‌ها را ایجاد کردی و محاربی! هر جا که پا می‌گذاری آرامش را در هم می‌ریزی و شر به پا می‌کنی و جوانهای ما را گمراه می‌کنی... دیگر بس است. بلند شو و آماده باش که می‌خواهم تو را بکشم! مصعب با خونسردی گفت بله بله آماده‌ام، ولی نظرت چیست که قبل از این که بکشی، اول تو هم به حرفهای من مثل این کسان دیگری که اینجا هستند گوش بدهی، اگر در حرفهایم اشکالی هست به من درستش را بگو. اگر هم خیلی اشکال دیدی بکش! اگر هم ابهامی دیدی بپرس! طرف مقابل ابتدا تردید داشت، اما سرانجام قانع شد که یک دور حرفهای مصعب را بشنود و بعد مصعب شروع به صحبت کرد. ساعتی گذشت، مصعب گفت باز هم ادامه بدهم؟ گفت بله بله ادامه بده! ساعتی دیگر و ساعتی دیگر صحبت مصعب ادامه پیدا کرده و سرانجام، اُسید که آمده بود مصعب را بکشد، برخاست و شمشیر در نیام کرد و گفت: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ...

و سال بعد، یک هیأت بزرگ ۸۰ نفره از مدینه به مکه آمد و پیمان عقبه دوم را منعقد کردند و این چنین راه هجرت پیامبر به مدینه گشوده شد که مبدأ تاریخ ماست. عجباً که در یکی از جنگها، همین مادر مصعب که در خدمت ارتجاع و سران قریش بود، همراه با سایر زنها، مثل هند جگرخوار، برای تشویق و تشجیع به کشتار مجاهدین، از جمله پسرش شرکت کرده بود؛ اما نیم‌نگاهی هم از مصعب

نتوانست به دست آورد و دست‌آخر در احد بود که دشمن بعد از دور زدن کوه احد، به آن جنگ کثیف روانی اقدام کرد و مصعب آن‌چنان خروش برآورد و آن‌چنان شعار داد و صحبت کرد که دشمن و سرکردگانش گمان کردند خود پیامبر است و در همین صحنه بود که مصعب پرکشید و به نزد رفیق اعلا شتافت. در انتهای نبرد، وقتی مجاهدین شهید را به خاک می‌سپردند، پیامبر شخصاً به بالین مصعب شتافت، اما در شرایط محاصره، حتی پارچه‌یی پیدا نکردند که تمامی بدن این قهرمان رشید و شهید را بپوشانند، چون پاهایش بیرون بود، به دستور پیامبر بر روی پاهای او، علف بیابان ریختند و پاهای او را با علف پوشاندند و رسول خدا گفت چه شأنی دارد این مصعب که خدا می‌خواست او را که زمانی خوش‌پوش‌ترین جوان مکه بود، بالباس طبیعت خودش بپوشاند و او را این‌چنین به دیدار خودش فراخواند؛ و سلام‌الله علیه!



پیام به مناسبت

شهادت قهرمان خلق بهمن عتیقی

پیام به مناسبت سی و پنجمین جاودانه فروغ اشرف - قهرمان خلق بهمن عتیقی

مسعود رجوی - ۳ اردیبهشت ۱۳۹۰

سی و پنجمین جاودانه فروغ اشرف، قهرمان خلق، بهمن عتیقی، ظهر امروز در بیمارستان شهر بعقوبه به شهادت رسید. و سلام الله علیه، سلام خدا و خلق خدا بر او باد. به سوگندش وفا کرد. او ۱۵ سال پیش در ماهشهر به مجاهدین و سپس به ارتش آزادی پیوست. هر شب ستاره‌یی به زمین می‌کشند... اما آسمان پرفروغ اشرف، غرق ستاره‌هاست. پرواز سعادت و جاودانگی بهمن، پس از دو هفته کارزار خونین در برابر دشمن و در برابر آثار گلوله‌هایی بود که از سوی جانی تبهکار و باند آدمکش او نوری مالکی، در روز ۱۹ فروردین در کارزار کبیر فروغ اشرف، درجانش نشست. بهمن یکی از ۱۸ مجاهدی بود که در صحنه مجروح و بی‌هوش و توسط وحوش عراقی به گروگان گرفته شدند؛ اما زخم او به قدری شدید بود که ناگزیر او را به بیمارستان بعقوبه فرستادند. گلوله به ستون فقرات خورده و نخاع را قطع و وارد شکم شده بود، پس از چند عمل جراحی دچار تشنجات شدید شد. علاوه بر این، در اثر ضربات پسرخوانده ولی فقیه ارتجاع در عراق، احتمال مننژیت می‌رفت. آنگاه لخته‌های خون در عروق پا بر وخامت پا افزود و سرانجام به گفته پزشکان بر اثر

آمبولی ریه جان سپرد.





درخواستهای مکرر در مکرر برای انتقال به بیمارستان نیروهای آمریکایی در دو هفته گذشته، که سازمان ملل متحد روزبه‌روز در جریان قرار گرفته است بی‌جواب ماند. سلاحش را گرفتند و تضمین حفاظت و موقعیت قانونی حفاظت‌شده طبق کنوانسیون ۴ ژنو دادند؛ اما از حداقل وظیفه قانونی و تعهد انسانی که نجات جان مجروحان بود، سرباز زدند. از آنسو مالکی و دژخیماناش در کمیته سرکوب، با انتقال بهمن و ۱۳ مجروح دیگر که در شرایط مشابه در وضعیت خطرناک به‌سر می‌برند، به خارج و حتی به بیمارستان شهر اربیل موافقت نکردند. در حالی که بارها و بارها گفته بودیم که مثل همیشه تمامی هزینه را به‌طور مضاعف، بر عهده می‌گیریم. طرفه اینکه وزیر بهداشتی مالکی با وقاحت وزیر گشتاپو مدعی است که شکنجه‌گاه عراق جدید در جنب اشرف که تمام امکانات و تجهیزات و تأسیسات و ساختمانهای آن را از خودمان گرفته‌اند، از بابت استانداردهای پزشکی، از بهترین و بالاترین نمونه‌ها در خاورمیانه و در سطح جهان است! هرچقدر هم که می‌گوییم مرا به خیر تو امید نیست شرمرسان! از رو نمی‌رود و با اصرار تمام خواهان ارائه خدمات پزشکی آنهم با بالاترین استانداردهای جهانی! به مجاهدان اشرف است. فقط معلوم نیست که چرا مجروحان و بیماران را از دسترسی آزادانه به خدمات پزشکی به هزینه خودشان در هر کجا که می‌خواهد ممنوع و محروم کرده است. در عوض تا بخواهید باند دزد چپاولگر، به غارت و سرقت داراییها و اموال شخصی مجاهدان اشرف اشتغال دارد که تا امروز به ۱۰ میلیون دلار بالغ می‌شود، لعنت خدا و خلقهای ایران و عراق

بر خامنه‌ای و مالکی و دژخی‌مانشان باد. باشد که در جریان قیام و انقلاب دموکراتیک مردم به‌پا خواسته، در برابر عدالت و قانون قرار بگیرند و به کیفر جنایت‌هایشان برسند.

از عجایب درس‌آموز روزگار اینکه، بهمن شهید یک نابردار مزدور درو رودی اشرف داشت که به مدت یک سال در شمار فامیل الدنگ برای کشتار مجاهدان طبل و سنج می‌زد و عربده می‌کشید و سرانجام به کشتن برادرش بهمن و دست کردن در خون او نائل شد. این است عاطفه خانوادگی و مهرورزی و رأفت آخوندی! گوش کنید:

«امروز پدر و مادر شما هم‌چون طوفانی سهمگین به‌سوی اشرف به‌راه افتادند و به‌زودی زود این اشرف را به‌سزای اعمالش خواهند رساند. سزای اشرف، سزای اشرف می‌دانید چیست؟ با خاک یکسان شدن کم است. اگر زمین او را بیلعد بازهم کم است». (مزدور سیاوش عتیقی پشت درب اشرف - ۱۳ فروردین ۹۰)

و این هم‌قسمتی از جواب قهرمان به‌خون خفته به مزدور و مزدوران و سیرک ۱۴ ماهه آنان تحت عنوان «خانواده مجاهدین» برای ریختن خون فرزندان رشید ایران‌زمین:

«این حرف دل همه ما اشرفیهاست که خانواده ما آنهایی هستند که در قیام ایران شرکت می‌کنند، خون می‌دهند و بهای آزادی خلق خودشان را می‌پردازند. خانواده ما آنهایی هستند که در خارج کشور برای گرفتن حقوق خلقشان و حقوق اشرفیها در سرما و گرما و شب و روز تلاش می‌کنند، فعالیت می‌کنند و می‌جنگند تا حقوق ما را از حلقوم این رژیم آخوندی بیرون بکشند. البته چیز عجیبی نیست، مگر می‌شود در مقابل خون شهدای قیام ایران خاموش نشست؟! مگر می‌شود در مقابل خون ۱۲۰ هزار شهید سکوت کرد و به این رژیم پلید تن داد؟! خوب مشخص است! این توطئه از طرف وزارت اطلاعات و رژیم آخوندی شروع شده و ادامه دارد و آخرینش هم نخواهد بود و اتفاقاً حرف ما در مقابل این توطئه‌ها این است که ما آماده‌ایم، بجنگ! تا بجنگیم!»

تشرکات غلیظ و غنی‌شده مقامات و مهره‌های ریز و درشت رژیم پلید آخوندی از مالکی در این ایام، بی‌حکمت



مزدور سیاوش عتیقی در حال فیلم‌برداری و جمع‌آوری اطلاعات، تحت حفاظت و خدمات نیروهای مالکی در سیرک وحوش ولایت در اطراف اشرف

نیست. دو رأس لاریجانی به‌عنوان رؤسای قوه قضائیه و مقننه، گله‌یی از پاسداران و سرکردگان‌شان، همراه با وزیر خارجه رژیم در کشیدن دست جنایت بر سر و روی جرثومه ولایت و دژخیمانش در عراق، بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. از ایستادگی مجاهدین و جهانی که در کنارشان ایستاده است نگرانند. بیم سقوط مالکی و سوختن سرمایه‌گذاری خود در عراق را دارند. هرگز فکر نمی‌کردند که مجاهدین با دست‌خالی از پس چنین حمله‌یی بر بیابند و درهم نشکنند. هرگز در محاسباتشان نمی‌گنجید که مجاهدین ستونهای زرهی و گله‌های وحوش و مزدوران را با خون سرخ وجودشان متوقف کنند. هرگز گمان نمی‌کردند که مجاهدین و مقاومت ایران، به یمن وجود مریم و سرداران و سالاران‌شان در اشرف، این چنین برق‌آسا به تثبیت و تحکیم و ارتقاء مواضع خود در پهنه اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی بپردازند. قلوب عراقیان را تسخیر کنند و مهمتر از همه، بذر اشرف و پایداری اسطوره‌یی آن را، در سراسر ایران‌زمین بپراکنند. سر برافرازند و سرفرازتر از همیشه، بازم به دشمن در جنگ صد برابر، بر اساس اصل طلائی «کس نخارد...»، «بیا بیا» بگویند.

برای مقابله با همین موج فراگیر همدردی و حمایت از مجاهدان اشرف در عراق، ولی فقیه ارتجاع، امام‌جمعه‌های صادراتی خود را در عراق به کار گرفته است. مزدور حکیم و جاسوس چلبی دیگر تاریخ مصرفشان علیه مجاهدین به پایان رسیده و افاقه نمی‌کنند. از این رو باید دقیقاً با همان الگوی قم و تهران، امام‌جمعه‌های خرچنگ‌نشان را به کار گرفت. این تولیدمثل و تکثیر امثال آخوند دهان‌دریده احمد خاتمی در عراق است. دیروز یک امام‌جمعه صادراتی ولی فقیه ارتجاع در نجف، به نام القیانچی، دست‌ساز مجلس اعلاى انقلاب اسلامی در عراق، در نمایش جمعه، از بابت محکومیت و رسوایی جهانی جنایات جنگی نوری مالکی در اشرف و از بابت معلق شدن برگزاری اجلاس سران عرب در بغداد، به عربده‌کشی علیه «فشارهای پارلمان اروپا» برای خروج نیروهای جنایتکار مالکی از اشرف پرداخت، رسانه‌های جیره‌خوار آخوندی در عراق نوشتند، مجلس اعلا به برگزاری اجلاس سران عرب در بغداد چنگ می‌زنند و از اخراج مجاهدین خلق از عراق پشتیبانی می‌کنند. القیانچی فشارهای پارلمان اروپا به عراق را که این کشور را به خارج کردن نیروهایش از قرارگاه اشرف فرامی‌خواند، رد کرد و بر حمایت مجلس اعلاى اسلامی، از اخراج سازمان مجاهدین خلق از عراق تأکید نمود.

تازه اینها مقدمات برای ذکر مصیبت در «ترحیم» جرثومه ولایت است! خرچنگ نظام در حوزه نجف برای کم کردن فشارها از روی مالکی ادعا می‌کند که نیروهای عراقی در اشرف انبوهی اسناد و سلاح کشف کرده‌اند و قبرهای رؤسای القاعده در عراق از جمله ابومصعب الزرقاوی را در این قرارگاه مشاهده کردند، قپان زهوار در رفته نظام علاوه بر

«مشاهده» قبرهای سران القاعده در اشرف، پناهنده شدن ۱۲ تن از فرماندهان قرارگاه به نیروهای عراقی و درخواستشان برای نجات گروگانهای داخل قرارگاه را هم خبر می‌دهد.


لابد عدد ۱۲ را از ۱۲ امام در «هاله‌یی از نور» احمدی‌نژادی الهام گرفته است، با این همه در ته خط، قپانچی ناگزیر اصل موضوع را به زیان می‌آورد و می‌گوید: «درست نیست که عراق نقطه شروعی برای ضرر رساندن به هیچ‌یک از کشورهای همسایه باشد!»

بله این اصل موضوع است، سراسیمگی و وحشت از سقوط نظام ولایت و دست‌نشاندهانش در عراق که این چنین باعث شده است مالکی بی‌دنده و ترمز به اشرف بتازد. اکنون خوب می‌توان فهمید که چرا مردم و جوانان عراق دیروز در میدان تحریر بغداد خواستار سرنگونی و محاکمه و اعدام مزدور رژیم ایران نوری احمدی‌نژاد شده‌اند؛ و در موصل تظاهرکنندگان می‌گفتند که تفاوت تظاهرات امروز با قبل شعارهای مردم است که بجای خواسته‌های صنفی شعارهای سیاسی سر می‌دهند.

اشرف و مریم پیروز می‌شوند.

زنده‌باد انقلاب دموکراتیک مردم ایران.

رود خروشان خون شهیدان در پرتو مهر تابان آزادی ضامن پیروزی محتوم خلق ماست



تصاویر و اسنادی

از سیرک مزدوران وزارت اطلاعات

تحت عنوان خانواده

ارائه شده به سازمان ملل متحد

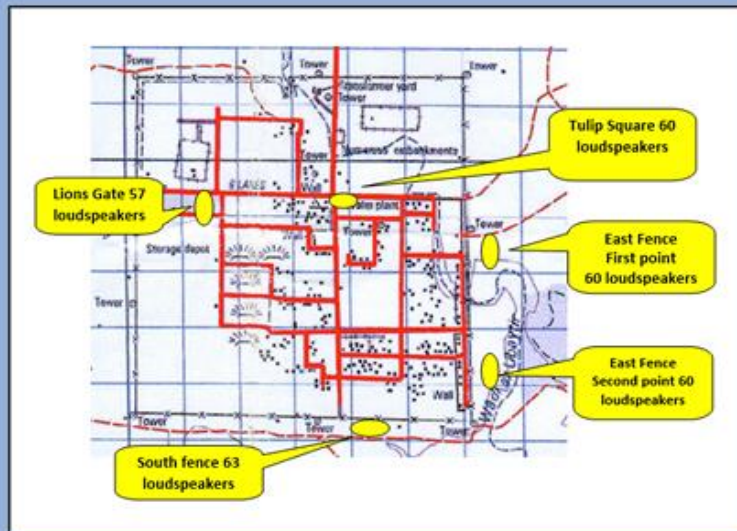
سازمانهای مدافع حقوق بشر

و نیروهای آمریکایی در اشرف

۳۲۰ بلندگوی خامنه‌ای - مالکی

لجن پراکنی ۶۷۷ شبانه‌روزی علیه مجاهدین اشرف

Iranian regime's dispatched agents
continue with their psychological torture
of Ashraf residents
using 300 powerful loudspeakers at
Ashraf's main gate, south and east fence
and Tulip Square in center of Ashraf.
2011-07-06



Ashraf's main gate
Total of 57 loudspeakers at 5 locations at Ashraf's main gate





**Ashraf's South flank
(Total of 63 loudspeakers)**



60 loudspeakers Camp Ashraf South Flank

**Total of 63 loud speakers at south flank of Ashraf
Ashraf's East flank (First point)**



Tulip square in centre of Ashraf

60 loudspeakers at Tulip square in center of Ashraf

**20 Mobile loudspeaker used by the MOIS
agents around Asraf fence
June 21.2011**





بار زدن و انتقال مزدوران
با خودرو ارتش عراق





مأموران اطلاعات
رژیم در حال
فیلمبرداری مخفی و
علنی
از مجاهدان اشرف



مزدوران تحت امر مالکی در حال نصب بلندگو
برای شکنجه روانی مجاهدان اشرف



ماموران و مستخدمان گشتاپوی آخوندها
با حمایت پلیس و زرهپوش عراقی با تیربار
در ورودی اشرف



گسیل مأموران شبکه وزارت اطلاعات داخل و خارج کشور تحت عنوان «خانواده
مجاهدین» برای تدارک رسانی به حمله و هجوم و کشتار ساکنان اشرف





Updated conditions at Camp Ashraf Main Gate

Iranian regime mercenaries continued with their psychological torture of Ashraf residents yesterday. They are still using 17 powerful loudspeakers at Ashraf's main gate for the purpose (photos attached).



Loudspeakers at the entrance to Ashraf hospital



Wide angle view of Ashraf Main Gate - Saturday, May 8, 2010

Daily report from Camp Ashraf Main Gate

Iranian regime's dispatched agents continued with their psychological torture of Ashraf residents yesterday using 28 powerful loudspeakers at Ashraf's main gate (photos attached below).



One of the agents is fixing the loudspeakers

Camp Ashraf Main Gate – Saturday, June 12, 2010

Daily report from Camp Ashraf Main Gate

On Saturday morning 19 June 2010, the Iranian regime with the assistance of the Iraqi Committee in charge of suppression of Ashraf brought to the Ashraf's entry gate four of its notorious agents under the guise of Iraqi sheikhs along with Arab and Farsi language media reporters. No creditable and independent Iraqi, Arab, or international media joined Iranian regime affiliated media outlets.

The remarks made by mullahs' regime's agents and the presence of media outlets affiliated with the regime in this move clearly show that the psychological warfare against Ashraf residents, which has been going on for the past five months outside Ashraf's entry gate, is totally designed by the mullahs' regime and has no intention other than suppression of Ashraf residents and preparing the ground for attack and their massacre. This is especially the case because the regime brought four persons under the name of Iraqi sheikhs in a bid to repeat its demand for expulsion of Ashraf residents from their mouths.

The news of this act was immediately broadcast by the Iranian regime – affiliated media and the websites belonging to Iran's Ministry of Intelligence.



Camp Ashraf Main Gate – Saturday, June 19, 2010

Daily report from Camp Ashraf Main Gate

Iranian regime's dispatched agents continued with their psychological torture of Ashraf residents yesterday using 30 powerful loudspeakers at Ashraf's main gate (photos attached below).



Camp Ashraf Main Gate – Saturday, July 10 2010

Daily report from Camp Ashraf Main Gate

Iranian regime's dispatched agents continued with their psychological torture of Ashraf residents yesterday using 30 powerful loudspeakers at Ashraf's main gate (photos attached below).



Camp Ashraf Main Gate – Monday, July 19 2010

Daily report from Camp Ashraf Main Gate

Iranian regime's dispatched agents continued with their psychological torture of Ashraf residents yesterday using 30 powerful loudspeakers at Ashraf's main gate. Today they installed 4 more loud speakers so there are now 34 loud speakers (Photos attached below).



Camp Ashraf Main Gate – Tuesday, August 03 2010

Daily report from Camp Ashraf Main Gate

Iranian regime's dispatched agents continued with their psychological torture of Ashraf residents yesterday using 30 powerful loudspeakers at Ashraf's main gate. All night long they used drums and cymbals to make noise and harass the residents (Photos attached below).



Camp Ashraf Main Gate – Monday, August 02 2010



22 October 2010

اعتراف حکومت آخوندی به کارگردانی سیرک مزدوران در ورودی اشرف



(خبرگزاری سپاه پاسداران موسوم به فارس - ۱۱ تیر ۱۳۸۹)

علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس رژیم: «خانواده‌های منافقین امروز در مقابل پادگان اشرف تجمع می‌کنند اما سران منافقین حتی اجازه خروج از اشرف را به کسی نمی‌دهند. ما بارها با دولت عراق مذاکره کردیم و دولت جمهوری اسلامی ایران به‌طور جدی در این خصوص وارد شده است و مسأله را پیگیری می‌کند».



(خبرگزاری وزارت اطلاعات موسوم به مهر - ۷ شهریور ۱۳۸۹)

پاسدار حسن دانایی‌فر، سفیر رژیم در عراق و از سرکردگان نیروی تروریستی قدس: «دانایی‌فر در خصوص استرداد منافقین یا اخراج آنان از عراق تصریح کرد: پرونده منافقین یکی از پرونده‌های مفتوح و باز است که طرفین بر روی آن کار می‌کنند و به‌زودی شاهد تحولات مناسبی در این خصوص خواهیم بود. مدتهاست خانواده‌های اعضای این گروهک که در اطراف پادگان آنها مستقرند به امید دیدار فرزندان خود هستند که به آنان اجازه ملاقات داده نمی‌شود».




(سایات نجات وزارت اطلاعات - ۲۲ شهریور ۹۳)

«از زمستان سال ۱۳۸۹ تا شهریورماه ۱۳۹۲ بیش از ۱۰هزار سفر از طرف خانواده‌های اسیران اشرف انجام شد... گروههای بسیاری از خانواده‌ها از ایران و سایر نقاط جهان به‌سوی اشرف در سفر بودند تا زمان فروپاشی یک فرقه تروریستی و آزادی اسیران ذهنی در آن را تسریع کنند».

سازماندهی اعلام‌شده وزارت اطلاعات

شعبه وزارت اطلاعات ملاها در شهر خالص عراق موسوم به «بنیاد سحر» در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۸۹ سازمان کار و شبکه این شعبه وزارت اطلاعات در عراق را چنین تشریح کرد:

«بنیاد خانواده سحر حدود سه سال پیش در بغداد به دست تعدادی از اعضای سابق فرقه رجوی تأسیس گردید. با منتقل شدن تعدادی از مسئولین و اعضای بنیاد به اروپا و به دلیل حجم بالای امور حقوقی مربوط به پرونده قضایی فرقه در محاکم عراقی و هم‌چنین رسیدگی به استقرار و تردد خانواده‌ها و اعضای سابق، کار سایت و نشریه عربی بنیاد خانواده سحر عملاً به حالت تعطیل درآمد. مسعود خدابنده که بارها به عراق (بغداد، اربیل، کرکوک، دهوک، سلیمانیه و...) عزیمت کرده و نقش کلیدی در حل‌وفصل امور رهاسدگان و خانواده‌های مستقر در خارج از ایران ایفا نمودند / بتول سلطانی: سفرهای ایشان همراه با خدابنده به کردستان عراق و به ترکیه نقش راهگشا در فعالیتهای بنیاد داشت / آرش صامتی‌پور و صمد نظری و سایر مسئولین انجمن نجات در ایران که با سفرهای مکرر به بغداد و هم‌چنین حل‌وفصل عزیمت خانواده‌ها از ایران و تأمین مترجم و وکیل و سایر امکانات ما را یاری دادند. / رضا صادقی، اصغر فرزین و علی بیگلری و سایر مسئولین و دست‌اندرکاران بنیاد خانواده سحر که تلاش و فعالیت فوق‌العاده آنان جداً قابل‌ستایش است. مهدی خوشحال و علی‌اکبر راستگو که از آلمان برای یاری‌رساندن به بنیاد به بغداد عزیمت کرده و مشکلات بی‌اندازه‌یی را در این راه تحمل نمودند. خانواده‌های نوروزی و محمدی از کانادا و بشیری از نروژ و اکبری‌نسب از آلمان و بسیاری دیگر از خانواده‌های اعضای گرفتار در پادگان اشرف که... در یاری‌رساندن به ما از هیچ کوششی دریغ نکردند».



**کودتای نافرجام
آزمایش بزرگ مقاومت
قسمت نهم
جاده صاف کنهای کودتا
و جنایت علیه بشریت**

پخش شده از سیمای آزادی تلویزیون ملی ایران

کودتای نافرجام آزمایش بزرگ مقاومت

قسمت نهم

جاده صاف کنهای کودتا و جنایت علیه بشریت

۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ نمودار کاملی از خطوط و سیاستهای ارتجاعی و استعماری برای سرکوب خلقهای در زنجیر و به‌ویژه برای از بین بردن آلترناتیو دموکراتیک و مستقل است که در حذف و از میان برداشتن رهبری و مقاومت سازمانیافته یک خلق ستمدیده خلاصه می‌شود.

تجربه‌یی که در یک‌صد سال اخیر، بعد از انقلاب مشروطه در ایران، پیوسته با تلخی تمام تکرار شده و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دکتر مصدق در صدر همه آنها قرار دارد.

اما قبل از کودتا و جنایت، زمینه‌سازیهایی لازم را به‌عمل می‌آورند تا راه، هموار و جاده صاف شود. اینجاست که طیف و فوجی از وابستگان و مزدوران ارتجاع، در صف مقدم به میدان فرستاده می‌شوند تا مأموریت خود را در زمینه‌سازی و صاف کردن جاده به انجام برسانند. تا سرانجام پس از همه لجن‌پراکنیها و کارزار شیطانسازی علیه آن مقاومت و رهبری‌ش، «بکشانندش و در لُجّه خون اندازند...» این همان مسیر و خطی است که ارتجاع حاکم بر ایران از فردای انقلاب ضدسلطنتی تا همین امروز علیه مقاومت ایران در پیش گرفته و بی‌گمان باز هم تا روز سرنگونی آخوندها، ادامه خواهد یافت.

اصطلاح «جاده صاف کن» را نخستین بار مجاهدین در ادبیات سیاسی بعد از انقلاب ضدسلطنتی در سال ۱۳۵۷ مطرح کردند و پیرامون آن در مقولات مختلف روشنگری نمودند.

اما در مقابله تاریخی مجاهدین و مقاومت ایران با فاشیسم دینی، تفاوت در این است که، از همان فردای انقلاب ضدسلطنتی تا امروز، سر ارتجاع و پشتیبانان و مزدورانش پیوسته به سنگ خورده و هر بار این مقاومت، سرفرازتر از پیش، از خون و خاکستر خود، سر برداشته و فروزانتر، شعله می‌کشد.

نگاهی به وقایع و حوادث خونین سال ۱۳۹۲ مخصوصاً جنایت علیه بشریت در اشرف و لیبرتی و نقش جاده صاف کنها، روشنگر و عبرت‌آموز است.

در سال ۱۳۹۲، ده سال بعد از ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ (۲۷ خرداد ۱۳۸۲)، ولی فقیه ارتجاع، به عنوان بخشی ضروری از مهندسی نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم و سپس گام برداشتن به سوی زهرخوران اتمی، بار دیگر برای سربریدن مقاومت ایران خیز برداشت و به جنایت بزرگ علیه بشریت در اشرف، کمر بست.

ولی فقیه، که خود را ناگزیر از خوردن زهر اتمی می دید، برای تضمین بقای رژیم، راه حلی جز انهدام مقاومت نمی یافت تا به این ترتیب، تهدید اصلی و تنها آلترناتیو و جایگزین رژیمش را به هر قیمت از میان بردارد. به خصوص که در مهرماه ۹۱، مجاهدین و شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران، نامگذاری تروریستی را به طور کامل و نهایی درهم شکسته و از لیست وزارت خارجه آمریکا خارج شده بودند و رژیم از جانب آنها تهدید مضاعف احساس می کرد. آنها رژیم را در زمینه های مختلف به دام انداخته بودند.

چنین بود که سال ۹۲، از بابت زمینه سازیها، لجن پراکنیها، صاف کردن جاده، توطئه و چنگ انداختن بر سر و روی مجاهدین و شورای ملی مقاومت، به سالی استثنایی تبدیل شد. سال حملات پیاپی موشکی به لیبرتی و قتل عام و تخریب و انفجار و گروگانگیری در اشرف، که طولانی ترین اعتصاب غذای معاصر را توسط مجاهدان اشرفی و یاران اشرف نشان در کشورهای مختلف جهان به مدت ۱۰۸ روز، به دنبال داشت.

توطئه رژیم به یمن فدا و جانفشانی اعضا و هواداران مقاومت به سختی شکست خورد و به رسوایی فراموشی ناپذیری برای رژیم و همدستان خارجی و مزدورانش انجامید. ده سال بعد از ۱۷ ژوئن، سال ۹۲ از بابت شکست رژیم و ایادی و توطئه هایش، به سالی فوق العاده و استثنایی تبدیل شد. قبل از اینکه رژیم تهاجم جنایتکارانه ۱۰ شهریور و قتل عام مجاهدین را در اشرف به مرحله اجرا بگذارد، همچون کودتای ۱۷ ژوئن، نیازمند هموار کردن راه توسط مزدورانش و زمینه سازی گسترده سیاسی و تبلیغاتی بود.

می بایست قبل از جنایت و بعد از جنایت، با شیطان سازی و جنگ روانی، خود مجاهدین و رهبری مقاومت، مسئول و مقصر آن، جلوه داده شوند. این خط می بایستی از طرف کسانی پیش برده شود که زمانی در داخل مجاهدین و اشرف یا در شورای ملی مقاومت بوده اند یا کسانی که سالها پیش

اخراج شده یا کسانی که حتی هرگز عضو نبوده‌اند، اما رژیم سالها آنها را وابسته به مجاهدین معرفی و تبلیغ کرده و درواقع برای چنین روزی در آب‌نمک نگه‌داشته بود.

مشابهت دیگر این توطئه، با کودتای ۱۷ ژوئن، برخورداری رژیم از همدستی پشتیبانان خارجی بود. در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، این نیروی خارجی، دولت وقت فرانسه بود و در جنایت اول سپتامبر ۲۰۱۳، رژیم از همدستی و حمایت دو نیروی خارجی بهره گرفت. یکی دولت دست‌نشانده‌اش در عراق، دولت مالکی، که به نیابت از رژیم ایران و وزارت اطلاعات آن آماده ارتکاب هر جنایتی بود و دیگری مارتین کوبلر که به‌عنوان نماینده دبیر کل ملل متحد، به‌طور تمام‌قد در خدمت پیشبرد طرح و برنامه رژیم و وزارت اطلاعات برای از هم‌پاشاندن تشکیلات مجاهدین و جدا کردن سر از بدنه مقاومت ایران قرار گرفته بود.

نقشه و هدف اول رژیم که آن را از طریق مهره‌های اطلاعاتی خود پیگیرانه و به‌شدت دنبال می‌کرد، این بود که مسعود رجوی کجاست؟

کوبلر نیز به‌جد به دنبال یافتن جواب همین پرسش بود و در آخرین ملاقاتش باخانم مریم رجوی، در این خصوص، چنان سماجت و وقاحتی نشان داد که شخصیت‌های آمریکایی حامی مجاهدین که در آن جلسه حضور داشتند، برآشفتمند و پس‌از آن بود که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت دیگر او را به حضور نپذیرفت و همه پیامها و تماس‌هایش را هم بی‌جواب گذاشت.

بسیج همه‌جانبه برای جنگ روانی

زمینه‌سازی و نمونه‌ها

بسیج سیاسی - تبلیغاتی و جنگ روانی برای زمینه‌سازی قتل‌عام اشرف، از زمستان سال ۹۱ پس از فروریختن برجسب تروریستی شدت گرفت. سپس از ابتدای سال ۹۲ تا روز ۱۰ شهریور مستمراً اوج گرفت و بعداز آن هم با شدت و حدت بی‌سابقه‌یی جریان داشت تا رژیم دست‌های خون‌آلود خود و جلدانش را از آن بشوید. از آنجاکه مجموعه فاکتها در این باره، به دهها کتاب قطور بالغ می‌شود به ذکر چند فقره به‌عنوان نمونه و مشتت از خروار، اکتفا می‌کنیم.

در اول دی سال ۹۱ یک سایت شناخته‌شده اطلاعات آخوندها در مورد قرارگاه اشرف نوشت:

«سران این فرقه حاضر به تخلیه کامل و مسالمت‌آمیز این اردوگاه نیستند... بنابراین کمیته تخلیه اردوگاه عراق جدید (اشرف) و دولت آقای نوری المالکی و ارتش عراق هیچ راهی به جز تلاش برای بازپس‌گیری و بیرون راندن بقایای فرقه با کمترین هزینه ممکن و به‌کارگیری کمترین اهرم زور پیش پای خود ندارند» (سایت وزارت اطلاعات به نام «زنان در اسارت، الف مینو سپهر» ۱ دی ۹۱).

در روز ۲۱ بهمن ۹۱، درست در همان روز موشکباران لیبرتی، یکی از مزدوران اطلاعات در چارچوب منویات گشتاپوی آخوندی، در پوشش دلسوزی برای مجاهدین، نوشت:

«... عراق جای ماندن نیست؛ استراتژی ماندن در عراق به پایان خود رسیده است. باید راه و طرحی نو ریخت. مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی را باید در سرزمینی که دشمن در آن قویتر از ما نباشد ادامه داد و یا در سرزمین خودمان که اعدام و زندانش در آن به ماندن در عراق می‌ارزد». همین مزدور، در یکی دیگر از سلسله «دلسوزیها»ی فرمایشی، داعیه اصلی یعنی مقصر جلوه‌دادن خود مجاهدین را در کشتار خودشان، به ثبت داد و نوشت: «... نگه‌داشتن بیشتر آنها (مجاهدین) در عراق شریک شدن در خون ساکنان لیبرتی است».

واضح است منظورش از آن کس که مجاهدین را «نگه داشته» نه رژیم است، نه مالکی، نه کوبلر و نه کمیساریای عالی پناهندگان، بلکه منظور خود مجاهدین و «رهبران مجاهدین» است.

۵ ماه بعد، یکی از سایتهای زنجیره‌یی اطلاعات طی نامه سرگشاده‌یی به کوبلر، به تاریخ ۲ مرداد ۹۲، این موضوع را با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار داد و از همسویی کوبلر «بسیار بسیار ابراز خوشحالی» کرده و نوشت: «این رهبری... فرقه هست که مانع اصلی برای خروج این نیروها از عراق می‌باشد... امروز که شما در آخرین گفته‌های خودتان رهبری این فرقه تروریستی را مخاطب اصلی قراردادید برای من بسیار بسیار خوشحال کننده بود که... به سازمان حقوق بشر اعلام کردید که رهبری سازمان هست که حقوق اعضایش را پایمال می‌کند. اجازه خروج نیروها را از عراق نمی‌دهد... چرا که می‌خواهد نیروها در کمپ لیبرتی بمانند و بمیرند. چرا برای این انسانها ارزش قائل نیست؟» (سایت آوای مزدوران - ۲ مرداد ۹۲).

در ۲۳ اردیبهشت ۹۲ یک مزدور وزارت دیگری نوشت: «توجه شما [را] به یک فاجعه انسانی که در کشور عراق و در کمپ لیبرتی در حال وقوع است جلب می‌کنیم. بیش از ۳ هزار ایرانی اسیر در دست فرقه‌یی که برای بقای خود بدون ذره‌یی توجه به حفظ جان افرادی که زندگی و عمر و

همه چیز خود را در بیش از سه دهه فدای اهداف رهبران فرقه کرده‌اند، کماکان اصرار بر ماندن در عراق و کمپ لیبرتی دارند؛ سرزمینی که حتی برای شهروندان خودش از کمترین امنیت برخوردار نیست. در این میان بسیاری از شخصیت‌های سیاسی اروپایی بدون ذره‌یی توجه به عواقب موضع‌گیریها و سخنان خودشان، متأسفانه از حضور افراد مستقر در کمپ لیبرتی برای ادامه ماندنشان در عراق و کمپی که تبدیل به قتلگاه این افراد شده [استفاده] می‌کنند و تأسفاتر این‌که به برگشت افراد بیچاره به زندان اشرف که هدف اصلی رهبران فرقه برای حضورشان در عراق می‌باشد تأکید می‌کنند» (ایران فانوس وزارت اطلاعات، ۲۳ اردیبهشت ۹۲).

در ۱۲ خرداد یکی دیگر از سایتهای شناخته شده وزارت اطلاعات، ۳ ماه پیش از تهاجم نیروهای عراقی به اشرف، صراحتاً آن را مطرح کرد و کلمه «قتل‌عام» را به کاربرد: «دولت عراق، که تماماً زیر نظر دولت ایران قرار دارد، دشمن شماره یک مجاهدین است. اگر هم تاکنون آنها را قتل‌عام نکرده صرفاً به خاطر حفظ ظاهر در عرصه بین‌المللی است... طبق گزارشهایی که از طرف منابع عراقی منتشر شده است، مقامات عراقی می‌روند که یک رودررویی سخت دیگر با مجاهدین داشته باشند» (اینترلینک ۱۲ خرداد ۹۲).

در ۲ مرداد، یک سایت لو رفته دیگر وزارت بدنام، در اشاره کاملاً آشکاری به طرح قتل‌عام تحت عنوان «تعیین تکلیف نهایی» مجاهدین نوشت:

«سال در حال نیمه، سال تعیین تکلیف نهایی فرقه رجوی است و ما در این سال شاهد تخلیه کامل اشرف و اخراج اعضای این فرقه از عراق و آزادی اسیران خواهیم بود - سازمانهای امدادی و دولتها نباید بیش از این در مقابل وقت‌کشیها و بهانه‌جوییهای سران این فرقه بی‌عملی نشان دهند- آزادی اسیران و دستگیری سران فراری... گامی در راه مبارزه با ترور و تروریسم در جهان به‌شمار خواهد رفت» (سایت وزارتی موسوم به زنان در اسارت فرقه - ۲ مرداد ۹۲).

در این میان دوجایه خوری آخوندی و یک تیر و دو نشان اطلاعات رژیم قابل توجه است: درحالی‌که یکی از محورهای تبلیغات و جنگ روانی وزارت اطلاعات و مزدوران گمنام یا بدنام، این است که رهبران مجاهدین مانع باز اسکان ساکنان اشرف و لیبرتی می‌شوند و به این وسیله جان مجاهدین را به‌خطر می‌اندازند، برخی از سایتهای شناخته شده وزارت اطلاعات ۲۰ روز قبل از

تهاجم و کشتار، باخشم و گزیدگی از انتقال شماری از مجاهدین به آلبانی، تحت عنوان «اخراج منافقین از عراق وظیفه دولت جدید» به آه و فغان درآمدند که:

«... اهمال کاری دستگاه دیپلوماسی کشور در دولت گذشته باعث شد که بخشی از این گروهک به آلبانی منتقل شده و در آنجا مستقر شوند و احتمالاً در آینده نزدیک نیز بخش دیگری از اعضای منافقین به این کشور منتقل خواهند شد.

... یکی از خواسته‌های مهم مردم و قربانیان ترور و جنایتهای گروهک منافقین از دولت جدید تعقیب و مجازات سرکردگان گروهک منافقین در اقصی نقاط عالم است. آوارگی و اخراج از عراق و کمپ اشرف اولین و کوچکترین توانی است که منافقین پرداخته‌اند. مردم در انتظار اقدام جدی دولت آقای روحانی در این زمینه هستند» (سایت وزارت اطلاعات موسوم به مجاهدین ۲۰ مرداد ۹۲).

سایت وزارتی در کنار این مطلب، عکسی هم از در ورودی اشرف به چاپ رساند که بر روی آن با استفاده از تابلوها و علائم راهنمایی رانندگی عبارت معنی‌دار «در حال پاکسازی...» را هم مونتاژ کرده بود که از نقشه رژیم خبر می‌دهد.

مسخره‌تر اینکه، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و نیروی تروریستی برون‌مرزی آن، در همان حال که عوامل و وابستگان آنها، عربده می‌کشیدند و اشک تمساح می‌ریختند که گویا رهبری مجاهدین، اعضا را به‌زور در اشرف و لیبرتی نگه‌داشته و آنها را در معرض کشتن قرار داده است، بانگ و فریاد برداشته بودند که:

«مسعود رجوی... گفته هرکس که توان و کشش مبارزه را ندارد برود و گورش را گم کند و ما

The screenshot shows the website of the 'Terrorist Hypocrites Sect' (Mojahadin). The header includes the group's name in Persian and English. The main content area features a news article with a title in Persian: 'اخراج منافقین از عراق و طیفه دولت جدید'. The article text is partially visible, mentioning 'استناد دادستان آرزانتینی به اسناد اخراج منافقین از عراق و طیفه دولت با اما و اگر و تحلیل‌های آنگی نمی‌سران فرقه منافقانی رجوع اعضای و بخش مسند رسوایی مجاهدین در همکاری با گروهک منافقین خلاف مفاد ادعای وزارت خارجه آمریکا به نقش پیشنهاد استخدام مجاهدین خلق در حقوق بشر منافقین پشت برده ترور دانشمندان هسته‌ای عصیانیت لاشعور شغل جدید منافقین در سوریه: کشتار ناامیدی و فراقی‌های منافقین از'. A large red stamp with the Persian text 'در حال پاکسازی...' (Undergoing cleaning...) is overlaid on the article image. The stamp also features a 'no hands' symbol.

هیچ کمکی به هیچ کس نمی‌کنیم!»

ارگانهای بدنم رژیم به این ترتیب، ناخواسته به بطلان دعوی تبلیغاتی خود اعتراف می‌کردند. تعدادی از ارگانهای زنجیره‌ی وزارت اطلاعات به نقل از سایت خط دهنده موسوم به دیده‌بان در ۳۰ مرداد، ۱۰ روز قبل از قتل‌عام در اشرف، نسبت به «خودزنی» مجاهدین و «حذف اعضای مسأله‌دار» هشدار داده و نوشتند:

«احتمال خودزنی اعضای فرقه مجاهدین در آستانه حضور دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم ایران در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل - «به گزارش مؤسسه راهبردی دیده‌بان طی روزهای گذشته فرقه مجاهدین خبری را بر روی سایتهای وابسته قرار داده است که در آن ادعا شده جمهوری اسلامی قصد حمله به کمپ لیبرتی را دارد... سران فرقه برای حذف تعدادی از اعضای خود که به قول خودشان مسأله‌دار شده‌اند قصد انجام عملیات نظامی علیه آنها را دارند و با این خبرسازی در حال زمینه‌سازی برای انجام آن هستند و با این ترفند هرگونه اقدام علیه اعضای خود را به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند... سران فرقه رجوی طی یک فرار روبه‌جلو با این خبرسازی و دروغ‌پراکنی که ید طولایی نیز در آن دارند یکبار دیگر دست به مظلوم‌نمایی برای خود و اتهام زنی نسبت به نظام سیاسی ایران بزنند» (سایتهای نیم‌نگاه و اینترلینک وزارت اطلاعات/ به نقل از مؤسسه راهبردی دیده‌بان ۳۰ مرداد ۹۲).

در همان روز، یکی دیگر از سایتهای وزارت اطلاعات به نام مرصاد، در مطلبی با عنوان «ترورهایی که سازمان منافقین می‌خواهد به گردن ایران بیندازد» نوشت:

گزارشهای رسیده حاکی است که این سازمان قصد دارد تعدادی از اعضای را که ساز جدایی می‌زنند، به نحوی ترور کند و این مسأله را به گردن جمهوری اسلامی بیندازد (مرصاد ۳۱ مرداد ۹۲).

بر پایه همین زمینه‌سازیهای وزارت اطلاعات و مزدورانش بود که به دستور خامنه‌ای حمله وحشیانه نیروهای مسلح مالکی به اشرف و قتل‌عام ۵۲ تن از مجاهدین و به گروگان گرفتن ۷ تن از آنها در ۱۰ شهریور ۹۲ صورت گرفت و رسانه‌های رژیم هم بلافاصله گفتند و نوشتند که این کشتار کار خود مجاهدین و ناشی از تصفیة درونی و درگیری درونی بوده است.

پاک کردن دست جلادان پس از قتل عام

پس از قتل عام ۱۰ شهریور، جاده صاف‌کنها و دستیاران دژخیم، همانها که جنایت بزرگ علیه بشریت را زمینه‌سازی کرده بودند، به لیسیدن خون از دستهای جلاد و پاک کردن خنجر او پرداختند.

یکی از این مزدوران، طی نامه‌یی به کاترین اشتون، خود مجاهدین را عامل کشتار اشرف قلمداد کرده و نوشت:

«خود مجاهدین خلق هم تمامی امکانات و احتمالات را در نظر گرفته و همه راهکارها را روی میز گذاشته‌اند. راهکارهایی همچون قتل اعضای خودشان در عراق یا کشورهای اروپایی از طریق خودسوزی و یا وابسته کردن مرگهایی به عواملی همچون اعتصاب غذا و یا قتل و ترور در عراق یا اروپا و نسبت دادن آن به دیگران (مثلاً دولت عراق یا گروههای ایرانی اپوزیسیون یا دولتی ایران) و غیره...» (اینترلینک ۲۰مهر ۹۲ نامه مسعود خدابنده به اشتون).

در راستای همین کارزار تبلیغاتی، وزارت اطلاعات با کپی‌برداری آزموده شده و شکست‌خورده جنگ روانی در اطراف اشرف با ۳۲۰ بلندگو تحت عنوان «خانواده مجاهدین» یک ترفند بی‌بو و خاصیت دیگر با نام «کمپین فراخوان برای انتقال فوری ساکنان لیبرتی به کشور ثالث» توسط برخی مزدوران خارج کشوری خود راه‌اندازی کرد که همزمان در سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات منعکس و تبلیغ می‌شد.

یکی از همین مزدوران با اشک تمساح ریختن برای ساکنان زندان لیبرتی و بازپخش دعاوی گستاپوی آخوندها با سبک‌سری عجزه‌های نظام، فرمان داد:

«رهبران مجاهدین» باید به‌جای «معامله» و «مایه گذاشتن از جان» ساکنان بی‌دفاع و «کالا محسوب کردن آنها»، «درخواست انتقال فوری از عراق را در رأس خواسته‌های خود قرار داده و تمام امکانات حقوقی و مالی خود را در این مسیر به‌کار گیرند».

یکی دیگر از جیره‌خواران اطلاعات آخوندها ضمن تکرار حرفها و تهدیدهای نیروی تروریستی قدس که در اطلاعیه دبیرخانه شورا مورد اشاره قرار گرفته، نوشت:

«دستگاه تبلیغاتی مجاهدین... عالمأ و عامداً از انعکاس این اخبار و گزارشها که مستقیماً به سرنوشت ساکنان لیبرتی مربوط می‌شوند، خودداری کرده است». بعد هم نتیجه گرفته: «خط رهبر، نگاه‌داشتن این آدمها در کام مرگی بی‌ثمر و فدا کردنشان است».

رسوایی اینجاست که جیره‌خوار مزبور که برای قلم‌زنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران پول می‌گیرد، تمام خبرها و اطلاعات مورد اشاره را از اطلاعیه‌های خود شورا گرفته است! هم قاتلان و دژخیمان که مستقیماً دست در خون مجاهدین دارند و هم پادوها و شاگردان آنها، همگی غصهٔ افراد رنج‌دیدهٔ اشرف و لیبرتی را می‌خورند که از دنیای آزاد و از تنفس در فضای آزاد محرومند، از امکانات ارتباطی این عصر، از کامپیوتر و موبایل خبر ندارند.

«یعنی اینها [مجاهدین] در گذشته زندگی می‌کنند، شما باور می‌کنید که هیچ‌یک از اینها روش کار با موبایل را بلد نبودند؟! کاملاً شستشوی مغزی داده‌شده بودند» (گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ تلویزیون رژیم با پاسدار سلامی جانشین فرمانده سپاه پاسداران - ۱۷ شهریور ۹۲).

سایت‌های پوششی وزارت اطلاعات که قبل از حمله نسبت به جوسازی مجاهدین برای خودزنی و تصفیهٔ فیزیکی اعضای ناراضی هشدار داده بودند، ۳ روز پس از حمله و قتل‌عام اشرف، با ناشیگری تحت عنوان: «نامه خانواده‌های استان آذربایجان غربی در محکومیت اقدامات بازدارنده و آزاردهنده مسعود رجوی و سران فرقه مجاهدین خلق»، نوشتند: «... چرا سران مجاهدین اجازه خروج فرزندان ما را از کمپ لیبرتی نمی‌دهند؟ چرا مسعود رجوی از اینکه ساکنین کمپ لیبرتی تحت نظارت سازمان ملل متحد به کشورهای اروپایی انتقال یابند سخت پریشان و آشفته‌حال است؟ ... ما اصرار داریم تا هر چه زودتر تحت نظارت یونامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با بستگانمان در لیبرتی دیدار و ملاقات کنیم».

... رجوی تعدادی از اعضای مجاهدین ساکن اشرف را طی روزهای اخیر قربانی کرده است. بی‌تردید مسئولیت خونهای ریخته شده از نظر ما شخص رجوی است» (سایت‌های نیم‌نگاه و اینترلینک وزارت اطلاعات - ۱۳ شهریور ۹۲).

در روز ۲۹ شهریور نیز تعداد دیگری از شعب وزارت اطلاعات و سایت‌های مربوطه، تحت عنوان «تصفیه عناصر گروهک منافقین به دست فرماندهانشان»، از قول یکی از سایت‌های عربی زبان وزارت اطلاعات و آن سایت به نقل از منابع سیاسی ناشناس، نوشتند: «برخی منابع سیاسی تأکید

کردند اتهاماتی که اخیراً سازمان تروریستی خلق به دولت عراق وارد کرده مبنی بر اینکه عناصر این سازمان در استان دیالی توسط دولت عراق تصفیه می‌شوند؛ تلاشی برای فریب افکار عمومی و دروغ جلوه‌دادن حقایق به‌منظور بدنام کردن عراق در میان جامعه بین‌الملل است... این حادثه که طی آن عناصر سازمان خلق به دست اعضای امنیتی ویژه این سازمان تصفیه می‌شوند برای اولین بار نیست که رخ می‌دهد... آثار شکنجه‌ها که بر روی بدن کشته‌شدگان وجود داشت نشان می‌دهد که این افراد داخل مقر سازمان شکنجه شده و سپس کشته شدند تا به این وسیله دولت عراق را متهم کنند و از این طریق برخی فرماندهان این سازمان تلاش نمایند تا حمایت جامعه بین‌الملل را به دست آورده و دولت عراق را بدنام کنند... این منابع در ادامه اظهار داشتند که هم‌اکنون با کمک سازمان ملل متحد در حال تهیه گزارشی مبسوط پیرامون این اقدامات است تا مسأله شکنجه شدن افراد سازمان خلق پیش از کشته شدنشان مشخص گردد تا دلیلی آشکار باشد بر اینکه خود فرماندهان سازمان خلق این جنایتها را مرتکب شده‌اند» (سایت‌های بنیاد سحر و مرصاد و اینترلینک وزارت اطلاعات - ۳۰ شهریور ۹۲).

پرده آخر!

«نهایت سپاسگزاری و تشکر عمیق»! مستخدمان اطلاعات از نوری مالکی به‌خاطر

قتل عام مجاهدین در اشرف

«ما می‌خواهیم با هماهنگی و همکاری یونامی و سازمان ملل و سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی و آمریکا در جهت جداسازی بدنه سازمان از رهبری و اعلام انحلال این تشکیلات، تلاش لازم مبذول گردد».

سرانجام در ۲۶ اسفند ۹۲ پرده‌ها به‌طور کامل کنار می‌رود و مستخدمان اطلاعات ولایت فقیه نقاب از چهره برمی‌دارند. روزنامه حکومتی الصباح الجديد به تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۴ نامه سرگشاده‌یی را با اسامی دهها تن از به‌اصطلاح جادشدگان سازمان مجاهدین خلق ایران خطاب به نوری مالکی منتشر می‌کند تا به او و مشاور امنیتی او در برابر پیگرد دادگاه اسپانیا دلگرمی بدهد.



یومیة سیاسیة مستقلة



رئيس التحرير
وصاحب الأمتياز
أسماعيل زاير

www.newsabah.com
info@newsabah.com
adv.newsabah@newsabah.com

ASSABAH ALJADEED

الصباح
الجديد

الصباح الجديد - ۱۷ مارس ۲۰۱۴ (۲۶ اسفند ۹۲)

منشقون عن «خلق» يطالبون بـ «فصل» سكان «ليبرتي» عن القيادة

(جداشدگان از سازمان خلق درخواست جدا کردن ساکنان لیبرتی از رهبری آن را دارند).

طالب عشرات المنشقين الإيرانيين، عن منظمة مجاهدي خلق الإيرانية، به عزل سكان مخيم ليبرتي، عن قيادة المنظمة التي وصفوها بـ «الطائفية».

(دهها تن از جداشدگان ایرانی از سازمان مجاهدين خلق ايران خواستار جدا کردن ساکنان کمپ لیبرتی از رهبری سازمان که آن را فرقه‌گرا توصیف کردند شدند).

وأعربوا عن استعدادهم لتقديم المساعدة والمشورة للحكومة العراقية والأمم المتحدة، فيما أشاروا إلى أوضاع إنسانية ونفسية عصبية يعانون منها به سبب سياسة المنظمة.

(آنها ابراز آمادگی کردند تا به دولت عراق و سازمان ملل متحد کمک و مشورت بدهند در مورد اوضاع انسانی و روحی بدی که ساکنان کمپ به خاطر سیاستهای این سازمان از آن رنج می‌برند).

در ابتدای همین نامه از عالیجناب آقای نوری مالکی رئیس‌الوزرای عراق «نهایت سپاسگزاری و تشکر عمیق» را به عمل می‌آورند و می‌نویسند:

«ما افراد جداشده از تشکیلات این سازمان که بعضاً افراد خانواده‌های ساکنان کمپ لیبرتی هستیم، همگی... شاهد جنایات، قتل و شکنجه جسمی و روحی رهبری این سازمان هستیم و ما از درخواستهای اکثریت دوستانمان که در این تشکیلات طائفی اسیر هستند مطلع هستیم».

آنها در ادامه این نامه می‌نویسند:

«ما می‌خواهیم که با هماهنگی و همکاری یونامی و نهادهای ذی‌ربط سازمان ملل متحد و سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی و آمریکا در جهت جداسازی افراد و بدنه پایین سازمان در کمپ مذکور از رأس و رهبری تشکیلات مخوف آن و اعلام انحلال این رهبری و تشکیلات و خودداری از به رسمیت شناختن و مذاکره با آن تحت پوشش دروغین و موهوم نمایندگان ساکنان لیبرتی، تلاش لازم مبذول گردد تا افراد به‌طور مستقل و آزاد برای زندگی و آینده خودشان تصمیم بگیرند... و بدینگونه راه انتقال هر چه سریعتر این اسیران به کشورهای ثالث و دنیای آزاد بعد از رهایی آنان از قیدوبندهای تشکیلاتی این سازمان هموار گردد. ما جداسازان از سازمان مجاهدین خلق نیز آماده‌ایم در این راستا تمام تجارب خودمان را در اختیار دولت عراق و سازمان ملل و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد قرار بدهیم».

جالب این است که نامه مستخدمان وزارت به نخست‌وزیر عراق قبل از انتشار در الصباح جدید در سایتهای وزارت اطلاعات منتشر می‌شود:

نامه سرگشاده ۵۰ تن از جداسازان سازمان مجاهدین به نخست‌وزیر عراق نوری المالکی (اینترلینک وزارت اطلاعات- ۱۵ اسفند ۹۲).

The screenshot shows the website Iran-Interlink.org with a navigation menu in Persian. The main article is titled "نامه سرگشاده ۵۰ تن از جداسازان سازمان مجاهدین به نخست‌وزیر عراق نوری المالکی" (A letter from 50 detainees of the Mujahideen organization to the Prime Minister of Iraq, Nuri al-Maliki). The article is dated 2014/03/06. The text of the article is partially visible, mentioning the release of 50 detainees and the organization's efforts to secure their freedom. There are social media sharing buttons for Facebook, Twitter, and LinkedIn. On the right side, there is a sidebar with a list of news items, including "گزارش سازمان ملل: ادامه نگرانی از نقض حقوق بشر توسط رهبری مجاهدین خلق (فرقه رجوی)" and "سازمان ملل در مورد نقض حقوق در کنتنر ۵۳ تن از قریانیان مجاهدین خلق در کمپ اشرف تحقیق کند".

به این ترتیب ۵۰ تن از «دلسوزان» و «دوستداران» مجاهدین در پرده آخر ناگزیر به لیسیدن چنگالهای خونین جلاد می‌شتابند تا حملات هر چه بیشتری انجام بدهد و قربانیان هر چه بیشتر بگیرد. هیچ‌یک از آنها هم نمی‌پرسد که چرا ۸ سال است مالکی اجازه نمی‌دهد از نمایندگان کنگره آمریکا گرفته تا خانواده‌های متقاضی ویزا و وکلا و خبرنگاران با ساکنان دیدار کنند. امضاکنندگان سالیان متمادی مزدوری و خوش‌خدمتی برای جلادان و شکنجه‌گران در داخل و خارج ایران را در کارنامه خود دارند و بسیاری از آنها در شکنجه‌روانی ساکنان اشرف با ۳۲۰ بلندگو و یا در طراحی حملات به اشرف و لیبرتی شرکت داشته‌اند.

به این ترتیب رژیم آخوندی در فاز سرنگونی به‌ناچار مزدورانی را که تاکنون می‌خواست به‌عنوان اپوزیسیون قالب کند، به چنین موضع‌گیری رسوایی کشانده که به آشکارترین صورت، ماهیت واقعی آنها را به‌عنوان مشتی مزدور جیره‌خوار بی‌مقدار گشتاپوی آخوندی برملا می‌کند. شماری از مزدوران مانند علی قشقاوی، حسن خلیج، بتول ابراهیمی و عباس صادقی‌نژاد از ابتدا با مأموریت نفوذ در صفوف مجاهدین به منطقه مرزی رفته و پس از لو رفتن مأموریتشان، قرارگاههای مجاهدین را ترک کرده و یا اخراج شده‌اند.

آنها در اولین فرصت خود را به اربابانشان در وزارت اطلاعات در تهران رسانده و پس از دریافت مأموریت جدید بر ضد مجاهدین و مقاومت به کشورهای اروپایی اعزام شده‌اند.

تعداد دیگری از آنها مانند ادهم طیبی (میلاد آریایی)، امیر موثقی، ترمادویان و علیرضا میرعسگری، پس از اینکه قرارگاههای مجاهدین را ترک کرده، یا با سرقت خودرو و سلاح گریختند، خود را به رژیم تسلیم کرده و به خدمت وزارت اطلاعات درآمدند و پس از کسب اعتماد رژیم آخوندی، برای اجرای مأموریت به اروپا گسیل شده‌اند.

برخی دیگر مانند محمد کرمی، بهزاد علیشاهی، احسان بیدی، بتول سلطانی، حسن پیرانسر، علی جهانی، مجید روحی، عادل اعظمی، میرباقر صدیقی، مهدی نیکبخت و غفور فتاحیان، پس از رفتن به نزد نیروهای آمریکایی در تیف یا تسلیم به نیروهای عراقی و رفتن به هتل مهاجر، به استخدام وزارت اطلاعات درآمده و سپس برای توجیه و آموزش به ایران منتقل شدند و با پاسپورتهایی که توسط وزارت اطلاعات صادر شده برای جاسوسی، شکنجه‌روانی و یا اهداف عملیاتی مجدداً به

عراق و یا کشورهای اروپایی منتقل شدند. پیش‌ازاین مقاومت ایران کپی پاسپورت‌های برخی از آنها مانند احسان بیدی و بتول سلطانی را منتشر کرده است.

بسیاری دیگر هرگز عضو مجاهدین نبوده و به این سازمان پناه آورده و یا به دلایل خانوادگی مدتی در کنار مجاهدین زندگی می‌کردند و پس از ترک قرارگاه‌های مجاهدین، گشتاپوی آخوندی آنها را به استخدام خود درآورده و برای پیگیری مأموریت‌های محوله به خارج کشور فرستاده است. بخش قابل‌توجهی از این مزدوران در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ یعنی ۱۸ تا ۲۸ سال پیش از صفوف مجاهدین اخراج شده‌اند. مزدوران علی‌اکبر راستگو (سال ۱۳۶۵)، مسعود جابانی (سال ۱۳۶۵)، میترا یوسفی (سال ۱۳۷۲)، کریم حقی (سال ۱۳۷۲)، فرزاد فرزین‌فر (سال ۱۳۷۱)، حسن عزیزی (سال ۱۳۷۰)، زهرا معینی کربکندی (سال ۱۳۷۲)، حمیرا محمدنژاد چاووشی (سال ۱۳۷۳) و مسعود خدابنده (سال ۱۳۷۵) در این شمارند.

سابقهٔ مزدوری شمار قابل‌توجهی از این عناصر از جمله: راستگو، خدابنده، کریم حقی و جابانی... طولانی است. علی‌اکبر راستگو که در مأموریت‌های محوله از اسامی بهمن و دکتر بهمن‌یار هم استفاده می‌کند و جز چند ماه در سال ۱۳۶۵ هیچ‌گاه نزد مجاهدین نبوده، از سال ۱۳۷۳ در ارتباط با سفارت رژیم در آلمان قرار گرفته و به استخدام اطلاعات آخوندی درآمد و جزئیات مزدوری‌ش بارها از سوی مقاومت ایران فاش شده است. در ۲۴ تیر ۱۳۸۷ مجله آلمانی اشپیگل خبر دستگیری این مزدور در بغداد را که برای جاسوسی علیه مجاهدین به عراق رفته بود، منتشر کرد.

برخی از این مزدوران مانند آرش صامتی‌پور و حمید دهدار حسنی رسماً از کار چرخانان یکی از شعب زنجیره‌یی وزارت اطلاعات در استانها و شهرهای مختلف ایران تحت نام پوششی انجمن نجات هستند که در ایران و عراق و یا اروپا مشغول «انجام وظیفه» علیه سازمان مجاهدین می‌باشند.

بخشی از مزدوران مانند خدابنده، قربانعلی حسین‌نژاد، محمود سپاهی، همایون کهزادی، بتول سلطانی، زهرا میرباقری، ان سینگلتون (خدابنده)، علی محمد خاتمی، رضا رجب‌زاده، عباس صادقی‌نژاد، محمدحسین سبحانی، حسن عزیزی و علی قشقاوی، در طول ۵ سال گذشته و پس از انتقال حفاظت اشرف به نیروهای عراقی، بارها به عراق و اشرف اعزام و در شکنجه روانی مجاهدین با ۳۲۰ بلندگو، یا در شناسایی اماکن اشرف و طراحی حملات جنایتکارانه به اشرف و یا در

سیرکهای مزدوران عراقی رژیم علیه مجاهدین در نقاط مختلف عراق شرکت داشته و یا در ماههای اخیر به‌عنوان راهنمای مأموران اطلاعات و قدس برای تهیه فیلم و رپرتاژ به اشرف رفته‌اند.

نامه مشترک مجاهدان لیبرتی

به نیکلای ملادنوف نماینده ویژه دبیر کل در عراق

۲۹ اسفند ۱۳۹۲

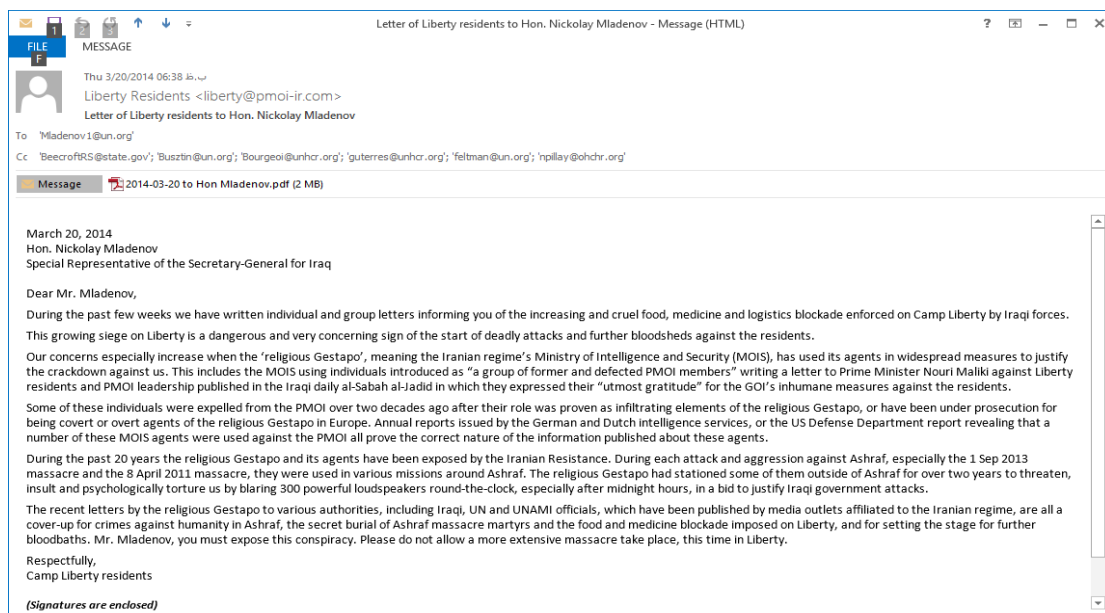
آقای نیکلای ملادنوف

نماینده ویژه دبیر کل در عراق

ما طی هفته‌های اخیر چه به‌صورت جمعی و چه به‌صورت فردی، شمارا از سخت‌تر شدن محاصره ظالمانه غذایی، دارویی و لجستیکی لیبرتی که توسط نیروهای عراقی اعمال می‌شود، مطلع کرده‌ایم.

محاصره افزایش‌یابنده لیبرتی علامت خطرناک خونریزی بیشتری از ساکنان است.

«گشتاپوی دینی» یعنی وزارت اطلاعات رژیم ایران با به‌کارگیری مزدوران خودش برای توجیه



The screenshot shows an email interface with the following content:

Letter of Liberty residents to Hon. Nickolay Mladenov - Message (HTML)

MESSAGE

Thu 3/20/2014 06:38 ب.ظ
Liberty Residents <liberty@pmoi-ir.com>
Letter of Liberty residents to Hon. Nickolay Mladenov

To: 'Mladenov 1@un.org'

Cc: 'BeecroffRS@state.gov'; 'Busztin@un.org'; 'Bourgeois@unhcr.org'; 'gutierrez@unhcr.org'; 'feltman@un.org'; 'hpillay@ohchr.org'

Message 2014-03-20 to Hon Mladenov.pdf (2 MB)

March 20, 2014
Hon. Nickolay Mladenov
Special Representative of the Secretary-General for Iraq

Dear Mr. Mladenov,

During the past few weeks we have written individual and group letters informing you of the increasing and cruel food, medicine and logistics blockade enforced on Camp Liberty by Iraqi forces. This growing siege on Liberty is a dangerous and very concerning sign of the start of deadly attacks and further bloodsheds against the residents.

Our concerns especially increase when the 'religious Gestapo', meaning the Iranian regime's Ministry of Intelligence and Security (MOIS), has used its agents in widespread measures to justify the crackdown against us. This includes the MOIS using individuals introduced as "a group of former and defected PMOI members" writing a letter to Prime Minister Nouri Maliki against Liberty residents and PMOI leadership published in the Iraqi daily al-Sabah al-Jadid in which they expressed their "utmost gratitude" for the GOI's inhumane measures against the residents.

Some of these individuals were expelled from the PMOI over two decades ago after their role was proven as infiltrating elements of the religious Gestapo, or have been under prosecution for being covert or overt agents of the religious Gestapo in Europe. Annual reports issued by the German and Dutch intelligence services, or the US Defense Department report revealing that a number of these MOIS agents were used against the PMOI all prove the correct nature of the information published about these agents.

During the past 20 years the religious Gestapo and its agents have been exposed by the Iranian Resistance. During each attack and aggression against Ashraf, especially the 1 Sep 2013 massacre and the 8 April 2011 massacre, they were used in various missions around Ashraf. The religious Gestapo had stationed some of them outside of Ashraf for over two years to threaten, insult and psychologically torture us by blaring 300 powerful loudspeakers round-the-clock, especially after midnight hours, in a bid to justify Iraqi government attacks.

The recent letters by the religious Gestapo to various authorities, including Iraqi, UN and UNAMI officials, which have been published by media outlets affiliated to the Iranian regime, are all a cover-up for crimes against humanity in Ashraf, the secret burial of Ashraf massacre martyrs and the food and medicine blockade imposed on Liberty, and for setting the stage for further bloodbaths. Mr. Mladenov, you must expose this conspiracy. Please do not allow a more extensive massacre take place, this time in Liberty.

Respectfully,
Camp Liberty residents

(Signatures are enclosed)

سرکوب ما دست به فعالیتهای گسترده‌یی زده است. از جمله با امضای افرادی تحت عنوان «گروهی از اعضای سابق جداشده از سازمان مجاهدین خلق ایران» نامه‌یی را خطاب به نخست‌وزیر عراق نوری المالکی، در الصباح الجدید علیه ساکنان لیبرتی و رهبری مجاهدین به چاپ رسانده و از اقدامات غیرانسانی دولت عراق علیه ساکنان لیبرتی «نهایت سپاسگزاری و تشکر عمیق» به عمل آورده است. این افراد بعضاً به دلیل اینکه محرز شده بود عامل نفوذی گشتاپوی دینی هستند بیش از دو دهه قبل از مجاهدین اخراج شده‌اند و یا به دلیل اینکه مأموران مخفی و یا علنی گشتاپوی دینی در اروپا بوده‌اند تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. گزارشهای سالیانه اداره‌های امنیت آلمان و هلند و یا گزارش وزارت دفاع آمریکا که برخی از این افراد را به اسم به‌عنوان عامل گشتاپوی دینی معرفی کرده که علیه مجاهدین خلق بکار گرفته شده‌اند گواه اطلاعات منتشر شده درباره این مزدوران است.

گشتاپوی دینی و مزدوران آن در ۲۰ سال گذشته تماماً توسط مقاومت ایران افشا شده‌اند. آنها در اثنا هر حمله و تجاوز به اشرف بخصوص در قتل‌عام ۱۰ شهریور ۹۲ و یا کشتار ۱۹ فروردین ۹۰ در اطراف اشرف بکار گرفته شده‌اند. گشتاپوی دینی برخی از آنها را بیش از دو سال در بیرون اشرف مستقر نمود تا به‌طور ۲۴ ساعته از طریق ۳۰۰ بلندگوی قوی با پخش تهدید و دشنام به‌ویژه بعد از نیمه‌شب به شکنجه روانی ما مبادرت و حملات حکومت عراق را توجیه کنند.

نامه‌نگاریهای اخیر گشتاپوی دینی به مراجع مختلف از جمله به مقامات عراقی، سازمان ملل متحد و یونامی، که ابتدا در مطبوعات وابسته به رژیم ایران منتشر می‌شوند، سرپوشی بر جنایت علیه بشریت در اشرف و تدفین مخفیانه شهیدان و محاصره غذایی و دارویی لیبرتی و زمینه‌سازی برای حمام خون بعدی است که باید از سوی شما افشا شوند و نگذارید قتل‌عام گسترده‌تر دیگری، این بار در لیبرتی صورت پذیرد.

با احترام



شمه‌یی از
موضع‌گیری‌های بین‌المللی

نامه خانم دانیل میتران به کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد

خانم ناوانتم پیلای

کمیسر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر

خانم کمیسر عالی عزیز

بیش از دو ماه است رژیم ایران با همکاری ارگانه‌های مختلف عراقی شماری از عوامل اطلاعات ایران را تحت عنوان خانواده ساکنان در مقابل اشرف مستقر کرده‌اند تا به جنگ روانی پرداخته و برای یک کشتار دیگر زمینه‌سازی کنند. آنها با حمایت همه‌جانبه عراقی ساکنان اشرف را به بازگشت به ایران تحت حاکمیت دیکتاتوری مذهبی و با کشتار تهدید می‌کنند. متأسفانه نیروهای آمریکایی و نمایندگان بونامی تا کنون اقدام مؤثری برای پایان دادن به این وضع نکرده‌اند.

در فقدان یک عکس‌العمل مناسب، رژیم ایران و نیروهای عراقی جری‌تر شده و فشارها را افزایش داده‌اند. پنجشنبه ۱۵ آوریل، نیروهای عراقی به حمایت از این مزدوران به ساکنان اشرف با باتون و شوکر الکتریکی حمله کرده و دست کم پنج تن را مجروح نموده و در صدد اشغال تأسیسات ورودی اشرف بر آمدند.

تردیدی نیست که آنچه در اشرف می‌گذرد یک نقض آشکار قوانین و کنوانسیونهای بین‌المللی و زمینه‌سازی برای وقوع یک فاجعه انسانی است.

از شما می‌خواهیم اقدامات ضروری را برای تضمین حفاظت ساکنان اشرف به عمل آورید و از سازمان ملل متحد بخواهید برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه انسانی حفاظت ساکنان اشرف را بر عهده بگیرد.

خلاصانه

دنیل میتران،

پاریس، ۲۰ آوریل ۲۰۱۰



Honorable Navanethem PILLAY
United Nations High Commissioner for Human
Rights
OHCHR
Palais Wilson
Genève
SUISSE

Dear Madam High Commissioner,

For over two months, the Iranian regime, in conjunction with various Iraqi organs, has dispatched number of agents from its Ministry of Intelligence and Security posing as families of Ashraf residents to gather outside the camp to conduct a psychological warfare and pave the way for another massacre in the camp. With full Iraqi support, these agents have been threatening the residents with repatriation to Iran ruled by the clerical dictatorship or massacre in the camp. Regrettably, the US forces and the representatives of UNAMI have not taken any effective steps to end this situation.

In the absence of an appropriate reaction, the regime and the Iraqi forces have been emboldened and increased the pressure. In support of the agents gathered outside the camp, the Iraqi forces carried out an assault on Ashraf residents, Thursday, April 15. At least five camp residents were wounded when the Iraqi forces beat them with truncheons and electric batons. The attackers also tried to take over some installations located at the entrance of the camp.

There is no doubt that the incidents in Camp Ashraf are in open violation of international law and conventions and pave the way for a humanitarian catastrophe.

We call on you to take necessary measures to guarantee the protection of Ashraf residents and urge the United Nations to prevent another humanitarian catastrophe by assuming the protection of Ashraf residents.

Sincerely yours

Danielle Mitterrand

Paris, april 20th 2010

France Libertés - Fondation Danielle Mitterrand
22, rue de Milin - 75009 PARIS
www.france-libertes.fr
Reconnue d'utilité publique, par décret du 4 mars 1986
Dotée du statut consultatif (II) auprès de l'ONU
Habilitée à recevoir les legs et les donations.

téléphone 01 53 25 10 40
fax : 01 53 25 10 42
contact@france-libertes.fr

سازمان جهانی علیه شکنجه

اطلاعیه مطبوعاتی

عراق: نگرانی در مورد ۳۴۰۰ عضو سازمان مجاهدین خلق ایران در قرارگاه اشرف ادامه دارد
ژنو، ۳ ژوئن ۲۰۱۰ - سازمان جهانی علیه شکنجه، عمیقاً نگران ۳۴۰۰ عضو سازمان مجاهدین خلق ایران، یک جنبش مخالف ایرانی است که در قرارگاه اشرف در عراق هم‌چنان به‌رغم فراخوانهای متعدد جامعه بین‌المللی و سازمان جهانی علیه شکنجه به‌رعايت حفاظت آنها رو در روی تهدیدات جدی قرار دارند.

سازمان جهانی علیه شکنجه یادآوری می‌کند که این قرارگاه در ژوئیه ۲۰۰۹ هدف حمله نیرویهای عراقی به‌منظور اخراج ساکنان آن به ایران قرار گرفت و چندین تن از ساکنان آن کشته شده و تعداد زیادی نیز مجروح گشتند. قرارگاه از آن زمان تحت کنترل عراق قرار دارد. دبیرکل سازمان ملل متحد، در گزارش فصلی خود به شورای امنیت مورخ ۱۴ مه ۲۰۱۰ در مورد وضعیت داخل عراق نوشت: «عدم اعتماد و تنش بین دو طرف [ساکنان اشرف و دولت عراق] به‌قوت خود باقی است و همکاری محدودی جهت دسترسی به خدمات و تدارکات برای قرارگاه وجود دارد» دبیرکل هم‌چنین می‌نویسد یونانی «هم‌چنان به دنبال کردن حق ساکنان به دسترسی بدون مانع به کالاهای خدمات‌انسانی، هم‌چنان که حق آنها برای حفاظت در قبال جابجایی اجباری یا بازگرداندن جبری بر خلاف میل خود در نقض قانون عمومی نان رفولمان» ادامه می‌دهد.

با این حال، وضعیت در قرارگاه اشرف بحرانی باقی مانده است. در ماههای اخیر، ساکنان این قرارگاه بر اساس گزارشهای واصله هدف آزار و اذناء سازماندهی شده‌ی بوده‌اند که به‌شکل مشترک توسط مسئولان عراقی و رژیم ایران دنبال می‌شود. از فوریه ۲۰۱۰، دهها تن که مدعی هستند که اعضای خانواده ساکنان می‌باشند، در دروازه ورودی قرارگاه گرد آورده شده‌اند و از این محل به فحاشی و تهدید به حمله خشونت‌ناپذیر دیگری ادامه می‌دهند. آنها از سه دوچرخه بلندگو بدون انقطاع استفاده می‌کنند، امری که مانع خواب ساکنان قرارگاه شده است. سازمان جهانی علیه شکنجه معتقد است که هشدارهای مستمر در مورد اخراج همراه با تهدیدات مکرر اعدام و قتل و محدودیت‌های جدی در مورد دستیابی به اغلب مواد ضروری از جمله امداد پزشکی، نقض جدی حقوق بشر در مورد ساکنان اشرف محسوب می‌شود.

مهمتر این که، سازمان جهانی علیه شکنجه مطلع شده که ایالات متحده در نظر دارد قرارگاه عملیاتی جلویی خود (FOB Grizzly) را تعطیل کرده گردان مستقر در این محل را به نقطه دیگری ببرد، امری که به این معنی خواهد بود که تاسیسات مذکور در اختیار یک گردان ارتش عراق قرار داده خواهد شد. چنان نقل و انتقالی تأثیر مخربی بر حفاظت از ساکنان اشرف خواهد داشت. این امر تیم ناظر سازمان ملل را نیز مجبور خواهد ساخت اشرف را ترک کند چون این تیم برای حفاظت خود وابسته به نیروهای آمریکایی می‌باشد.

تماس: اریک سوتس، دبیر کل، سازمان جهانی علیه شکنجه



WORLD ORGANISATION AGAINST TORTURE

PRESS RELEASE

Iraq: Ongoing concerns for the 3,400 PMOI members living in Camp Ashraf

Geneva, 3 June 2010. The World Organisation Against Torture (OMCT) is deeply concerned that around 3,400 members of the People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI), an Iranian opposition movement, living in Camp Ashraf, in Iraq, continues to face serious threats, despite several calls by the international community and OMCT to ensure their protection.

OMCT recalls that the Camp was raided by Iraqi forces in July 2009, which resulted in the death of several residents and the injuries of many others, in view of expelling them to Iran. The camp has since been under control of the Iraqi forces.

The United Nations Secretary General, in his quarterly report to the Security Council dated 14 May 2010 on the situation inside Iraq, wrote, "Distrust and tensions between both sides [Ashraf residents and Iraqi government] remained, with limited cooperation regarding access to services and supplies in the camp." The Secretary General also stated that UNAMI¹ "continued to advocate for the residents' unhindered access to goods and services of a humanitarian nature, as well as for their right to be protected from arbitrary mass displacement or forced repatriation against their will in violation of the universally accepted principle of non-refoulement."²

Nevertheless, the situation in Camp Ashraf remains critical. In recent months, its residents have reportedly been subjected to orchestrated harassment carried out jointly by Iraqi authorities and the Iranian regime. Since February 2010, dozens of individuals, purporting to be family members of the residents have been assembled at the Camp's main gate, where they have been shouting profanities and threatening another violent attack. They have been using three dozen loudspeakers round-the-clock, which has deprived the residents of sleep. OMCT believes that the constant warnings about expulsion coupled with repeated threats of execution and incitement to murder and the serious restrictions placed on access to the most essentials, including medical care, constitute serious human rights abuses against the residents of Ashraf.

More importantly, OMCT has learnt that the United States is planning to close down its Forward Operating Base at Ashraf (FOB Grizzly) and relocate the battalion currently stationed there elsewhere, which could imply that it would hand over the facilities to an Iraqi army battalion. Such a transfer would have a dire impact as far as the protection of the residents of Ashraf is concerned. It would force the monitoring team from the United Nations Assistance Mission for Iraq to also leave Ashraf because the team relies on the US forces for protection.

Contact:

Eric Sottas, Secretary General, OMCT, Tel. +41 22 809 49 39

¹ United Nations Assistant Mission for Iraq.

² http://www.uniraq.org/FileLib/misc/SG_Report_S_2010_240_EN.pdf

اطلاعیه کمیته ایتالیایی هلسینکی

عضو فدراسیون بین‌المللی هلسینکی برای حقوق بشر

رم - ۲۶ اوت ۲۰۱۰

فراخوان

جنگ کثیف علیه ساکنان اشرف را متوقف کنید

بیش از ۶ ماه است که گروهی از مأموران حکومت ایران تحت نام «خانواده ساکنان اشرف» با حمایت کمیته سرکوب اشرف، یک ارگان دولتی عراق، در ورودی اشرف جمع شده و با بلندگوهای قوی شکنجه روانی علیه ساکنان اشرف اعمال می‌کنند. این مزدوران رژیم ایران با ایجاد تحریک، زمینه‌سازی حمله و قتل‌عام آنان را مهیا می‌کنند. شرایط بیمارانی که در بیمارستان کمپ، در نزدیکی ورودی بستری هستند وخیمتر می‌باشد.

آزار با سروصدا، اذیت رساندن به بیماران، تحریک و تهدید به کشتار و آتش زدن، زیر پا گذاشتن اولیه‌ترین نرمها در هر کشوری است که کمترین قانونی در آن حاکم باشد. بی‌تردید این اقدامات برخلاف قوانین بین‌المللی و تجاوز به کنوانسیونهای ژنو در مورد پناهندگان می‌باشد و این رفتار، قوانین انساندوستانه و حقوق بشر را لگدمال می‌کند.

در همین دوران، سفارتهای عراق در کشورهای مختلف از دادن ویزا به خانواده‌های ساکنین اشرف که خواستار دیدار از اشرف می‌باشند خودداری می‌کند. از شروع سال ۲۰۰۹ تاکنون صدها تن هستند که به سفارتهای عراق مراجعه کرده‌اند و درخواست آنها پذیرفته نشده است. بسیاری از خانواده‌هایی هم که در فاصله سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، دورانی که حفاظت اشرف به‌عهده نیروهای آمریکایی بود به اشرف رفته‌اند، در بازگشت به ایران دستگیر شده و هم‌اکنون حداقل ۲۰۰ تن از آنان در زندان به‌سر می‌برند و ۵ تن از آنان به نامهای علی صارمی، جعفر کاظمی، محسن دانشپور مقدم و پسرش احمد دانشپور مقدم و محمدعلی حاج‌آقایی به‌خاطر سفر به اشرف و حضور بستگانشان در اشرف، به اعدام محکوم شده‌اند. با توجه به نکات فوق،

۱- ما این جنگ کثیف روانی علیه ساکنان اشرف را محکوم نموده و از سازمان ملل متحد و دولت آمریکا می‌خواهیم تا از دولت عراق بخواهند که به این کار پایان داده و مزدوران رژیم ایران را از ورودی اشرف جمع کند و به محاصره ظالمانه علیه اشرف پایان بخشد.

۲- از سازمان ملل می‌خواهیم برای ممانعت از یک حمام خون در اشرف، ترتیباتی اتخاذ نماید تا تیم ناظر یونانی مجدداً در اشرف مستقر شود و از نیروهای آمریکایی می‌خواهیم تا هم برای تضمین حفاظت ساکنان اشرف و هم برای تأمین حفاظت تیم یونانی به‌طور دائمی در اشرف مستقر شود.

رم، ۲۶ اوت ۲۰۱۰

آنتونیو استانگو

رئیس کمیته ایتالیایی هلسینکی

Italian Helsinki Committee

member of the International Helsinki Federation for Human Rights
Corso Duca di Genova, 92 – 00121 Roma – Italy – Tel.: (+39) 348.7296708
E-mail: italhelsinki@gmx.it

Roma, 26 agosto 2010

Appello

Fermate la sporca guerra contro i residenti di Ashraf

Da più di sei mesi un pugno di agenti del regime iraniano, che si spacciano per "familiari dei residenti di Ashraf", in realtà sostenuti dal Comitato di repressione di Ashraf – un organo di ispirazione governativa irachena – e dallo stesso governo iracheno, sono radunati all'ingresso del Campo Ashraf e con potenti altoparlanti esercitano un'assordante tortura psicologica nei confronti dei residenti. Questi agenti del regime iraniano operano provocazioni e preparano il terreno a eventuali attacchi e massacri. La situazione è ancora più grave per i ricoverati nell'ospedale del campo, che è situato in vicinanza dell'ingresso.

Impossessarsi dei beni altrui, provocare ramori insopportabili, maltrattare i malati, minacciare di morte e incendiare sono azioni che calpestano ogni più elementare norma di qualsiasi Paese dove ci sia una parvenza di stato di diritto. Queste provocazioni sono senza dubbio contrarie al diritto internazionale e violano palesemente le Convenzioni di Ginevra sui rifugiati: tali comportamenti calpestano le leggi umanitarie e i diritti umani.

Nello stesso tempo, le ambasciate irachene in vari Paesi non concedono il visto ai veri familiari dei residenti di Ashraf che intendono visitare i loro cari. Dall'inizio del 2009, sono centinaia le persone che si sono rivolte alle ambasciate irachene e che si sono viste rifiutare le proprie richieste. Molti iraniani che hanno potuto visitare i loro parenti ad Ashraf tra il 2003 e il 2008, quando le forze statunitensi si occupavano di tutelare il Campo, una volta ritornati in Iran sono stati arrestati ed ora almeno 200 di loro si trovano in carcere, solo per essere stati ad Ashraf. Alcuni di questi – Mohammad Ali Saremi, Jafar Kazemi, Mohsen Danesh-puormgadam, Mohammad Ali Haj – sono stati condannati a morte per avere dei parenti ad Ashraf e averli visitati.

Considerato quanto esposto,

- 1. Noi condanniamo questa sporca guerra psicologica contro i residenti di Ashraf, e chiediamo all'ONU e all'Amministrazione statunitense di reclamare presso il governo iracheno affinché agisca per porvi fine, ed allontanare gli agenti del regime dei mullah dall'ingresso di Ashraf così che termini l'accerchiamento contro i residenti;**
- 2. Chiediamo all'ONU, affinché sia impedito un bagno di sangue, che stabilisca una squadra dell'UNAMI nel Campo Ashraf, e alle forze statunitensi di stabilirsi permanentemente al Campo Ashraf, per garantire i residenti e la squadra UMAMI.**

Presidente: Antonio Stango



OMCT

بیانیه مطبوعاتی

عراق: درگیری جدید در کمپ اشرف نگرانی برای حفاظت ساکنان را افزایش می‌دهد

ژنو، ۱۱ آوریل ۲۰۱۱، سازمان جهانی علیه شکنجه (OMCT) نسبت به حمله جدید نیروهای عراقی به کمپ اشرف، محل ۳۴۰۰ عضو سازمان مجاهدین (PMOI)، جنبش اپوزیسیون ایرانی، که مرگ حدود ۳۵ ساکن آن و بسیاری زخمی بر جای گذاشته، عمیقاً نگران شده است.

بر طبق اطلاعات رسیده، در ۸ آوریل ۲۰۱۱، حدود ساعت ۴،۴۰ صبح، حدود ۲۵۰۰ سرباز از نیروهای عراقی وارد کمپ اشرف در ناحیه دیالی، شمال بغداد شدند. سربازان به صورت کور بر روی ساکنان کمپ شامل زنان و مردان غیرمسلح آتش گشودند که حداقل ۳۵ نفر از ساکنان کشته شدند که در میان آنها حداقل ۴ زن قرار دارند. هم‌چنین ۳۲۵ نفر زخمی برجای مانده است. طبق گزارشهای رسیده چندین ساکن به گروگان گرفته شده و نیروهای عراقی در کمپ باقی مانده‌اند. به‌طور مشخص از ورود نظاره‌گر نماینده مخصوص دبیرکل سازمان ملل متحد در عراق برای ورود به کمپ جلوگیری به عمل آمده است.

سازمان جهانی علیه شکنجه چندین بار نگرانی خود را در مورد شرایط حفاظت ساکنان ابراز داشته است. در ژوئیه ۲۰۰۹، به‌رغم تضمین ایالات متحده آمریکا و دولت عراق، کمپ اشرف توسط نیروهای عراقی به‌منظور اخراج ساکنان به ایران مورد حمله قرار گرفت، این حمله ۱۱ کشته و حدود ۵۰۰ زخمی برجای گذاشت. از آن تاریخ ساکنان اشرف مورد محاصره نیازهای اولیه شامل امکانات پزشکی، سوخت و مواد لازم برای کمپ قرار گرفته‌اند، از ۲۰۱۰، آنها هم‌چنین در موارد

متعددی مورد آزار و اذیت گوناگون قرار گرفته‌اند، از جمله جلوگیری از ورود خانواده و وکلای آنان به کمپ اشرف و همچنین استفاده از بلندگوهای پر قدرت توسط نیروهای عراقی جهت شکنجه و آزار روانی آنها

وضعیت کنونی به‌طور مشخص بحرانی هست زیرا که ایالات متحده پایگاه عملیات خود در اشرف (فاب گریزلی) را تعطیل کرد و امکانات خود را برای مقامات عراقی، کسانی که مخالف حضور کمپ اشرف در عراق هستند باقی گذاشت. با این تصمیم، یونامی، نظاره‌گر سازمان ملل متحد، نیز مجبور شد که کمپ را ترک و کارش را متوقف کند، زیرا به حمایت نیروهای آمریکایی وابسته بود.

سازمان جهانی علیه شکنجه یادآوری می‌کند از زمانی که اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بدون سلاح در این کمپ ساکن هستند مشمول ماده ۲۷ از کنوانسیون چهارم ژنو به‌عنوان افراد حفاظت‌شده می‌باشند. به‌طور مشخص در چندین پروتکل امضا شده با نیروهای آمریکایی به آنها تضمین داده شده بود.

با توجه به شرایط روشن جریان اخیر، سازمان جهانی علیه شکنجه فراخوان قبلی خودش را بر ایجاد حضور دائمی و بین‌المللی (یونامی) در کمپ اشرف جهت تضمین حفاظت ساکنان آن یادآوری می‌کند.

تماس

اریک سوتاس، دبیرکل OMCT (سازمان جهانی علیه شکنجه)، تلفن ۰۴۱۲۲۸۰۹۴۹۳۹



PRESS RELEASE

Iraq: New violence in Camp Ashraf raises concerns for the safety of its residents

Geneva, 11 April 2011. The World Organisation Against Torture (OMCT) is deeply concerned about a new raid by the Iraqi armed forces on Camp Ashraf, home to the 3,400 members of the People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI), an Iranian opposition movement, which led to the death of at least 35 residents and leaving many others injured.

According to the information received, on 8 April 2011, at around 4:40 a.m., around 2500 soldiers of the Iraqi armed forces entered Camp Ashraf, in Diyala province, north of Baghdad. The soldiers reportedly fired indiscriminately at the residents, including women and unarmed men, killing at least 35 residents, among them at least four women, and leaving over 325 injured persons. Several residents are also reported to have been abducted. The Iraqi armed forces remain, to date, in the camp. The adviser on Camp Ashraf of the UN Secretary General Special Representative in Iraq was allegedly prevented from entering the camp.

OMCT has already expressed many times its concern over the security conditions for the residents. In July 2009, despite guarantees by the United States (US) forces and the Iraqi Government, the camp was raided by Iraqi forces in view of expelling its residents to Iran. The raid left eleven dead and around 500 injured. The residents of Camp Ashraf have since reportedly been deprived of basic needs, such as medical care, fuel and necessary supplies for the camp. In 2010, they were also subjected to numerous acts of harassment, among others, family members or lawyers being prevented from entering the camp and the use by Iraqi forces of powerful loudspeakers to psychologically harass them.

The situation is particularly critical now that the United States has closed down its Forward Operating Base at Ashraf (FOB Grizzly), leaving the facilities entirely in the hands of the Iraqi authorities, who oppose the presence of Camp Ashraf in Iraq. With this decision, the United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI) was on its turn forced to leave the camp as it relied on the protection of the FOB Grizzly to carry out their work.

OMCT recalls that, since PMOI members living in the camp have been disarmed, they have been designated as "protected persons" under Article 27 of the Fourth Geneva Convention, of which guarantees were clearly stipulated in various protocols signed with US forces.

In light of these recent events, OMCT reiterates its previous call to set up an international and permanent presence in Camp Ashraf to ensure the protection of its residents.

Contact:

Eric Sottas, Secretary General, OMCT, Tel. +41 22 809 49 39

اد ملکرت، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در عراق، به نگرانی‌های گسترش یابنده بین پارلمنت‌های اروپا در رابطه با کمپ اشرف پاسخ داد
اول دسامبر ۲۰۱۰ (۱۰ آذر ۱۳۸۹)



در یک استماع که توسط کمیته امور خارجه پارلمان اروپا در اول دسامبر ۲۰۱۰ برگزار شد، آقای اد ملکرت، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در عراق، به نگرانی‌های گسترش یابنده بین پارلمنت‌های اروپا در رابطه با کمپ اشرف پاسخ داد.

وی در اظهارات علنی‌اش گفت: ما وضعیت کمپ اشرف را مائیتور می‌کنیم و به منظور حفظ شرایط انسان دوستانه در آنجا با نمایندگان دولت ملاقات داریم و بر مبنای شماری از اصول کلیدی که باید به آن پایند باشند بارها به دولت عراق یادآور می‌شویم.

وی اضافه نمود: ما هر روز هفته در طی بیست و چهار ساعت در دسترس رهبری ساکنین هستیم و آن‌ها نیز هر زمان که نیاز باشد از این امکان استفاده می‌کنند. وقتی که چالش‌ها ایجاد می‌شوند، ما مطلع می‌گردیم و ما در مقابل سریعاً مقامات را مطلع می‌سازیم و البته نگرانی اگر دلیلی وجود داشته باشد نگرانی‌مان را پنهان نمی‌سازیم.

به منظور کاهش نگرانی مطرح‌شده توسط رییس هیأت پارلمان اروپا در مورد عراق، پارلمنت انگلیسی از حزب محافظه‌کار استرو استیونسون، در رابطه با بکار گیری ۱۴۰ بلندگو نصب‌شده در اطراف اشرف توسط عناصر رژیم ایران با پشتیبانی کامل نیروهای عراقی به منظور شکنجه روانی ساکنین، آقای ملکرت گفت: من آشکارا به طور کامل تصدیق می‌کنم که آن بلندگوها هیچ دلیلی ندارند که بکار گرفته شوند و ما از ابتدا از دولت عراق خواستیم که اطمینان حاصل نمایند که بلندگوها برداشته شوند.

وی در پایان گفت که این فقط یکی از بسیار مواردی است که «ما به طور واقع با حداکثر توانمان تلاش داریم دیدگاه‌هایی را نمایندگی کنیم که بر مبنای اصول پایه‌ی حقوق بشر بوده که باید این شرایط را هدایت نماید.»

Ad Melkert, Special Representative of the UN Secretary General for Iraq, responded to widespread concern among Euro MPs about Camp Ashraf.

December 1, 2010



In a hearing held by the Foreign Affairs Committee of the European Parliament on December 1, 2010 Mr. Ad Melkert, Special Representative of the UN Secretary General for Iraq, responded to widespread concern among Euro MPs about Camp Ashraf.

In his opening remarks he said: We are monitoring the situation in Camp Ashraf and regularly meet with government representatives in order to help sustain the humanitarian situation there, on the basis of a number of key principles that we remind the Iraqi government time and again that they should be adhered to.

He added: We are also available on 24 hours seven days' week bases to be in touch with the residents' leadership and they also make use of that when they are necessary. When challenges arise, we are informed and we in turn inform immediately the authorities and of course do not hide our concern if there is a reason to do so.

To allay concern raised by the President of the European Parliament delegation on Iraq, British Conservative MEP Struan Stevenson, about use of 140 loudspeakers around Ashraf installed by agents of the Iranian regime with full backing of Iraqi forces in order to torture psychologically its residents, Mr. Melkert said: I subscribe fully to the view that those loudspeakers do not serve any reasonable purpose and we have from very outset asked the Iraqi government to make sure that these loudspeakers would be removed.

He concluded by saying that this was just one of many examples where "we are trying indeed to our best of abilities to represent views that are based on fundamental principles of human rights that should guide this situation."

کمیته پارلمانی بریتانیایی برای آزادی ایران

نمایندگان پارلمان بریتانیا از سازمان ملل متحد می‌خواهند کمپ اشرف را حفاظت کند

نمایندگان مجلسین عوام و اعیان از تمام احزاب، به‌علاوه حقوقدانان برجسته در یک جلسه پارلمانی در لندن در روز سه‌شنبه از بریتانیا، اتحادیه اروپا و آمریکا خواستند بلافاصله یک پیش‌نویس را به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تأیید استقرار نیروهای امنیتی سازمان ملل در کمپ اشرف پیشنهاد کنند تا از یک قتل‌عام بزرگ دیگر به‌هنگام خروج نیروهای آمریکایی از عراق در پایان سال جلوگیری شود. پارلمانتورها و حقوقدانان خواستار شدند که عراق مهلت پایان سالش را برای بستن به‌زور کمپ اشرف، مسکن ۳۴۰۰ عضو سازمان مجاهدین خلق ایران گروه اپوزیسیون اصلی ایران، لغو کند.

سخنرانان عبارت بودند از: لرد کلارک از همپستد (رئیس سابق حزب کارگر)، برایان بینلی نماینده مجلس (محافظه‌کار، عضو اجرایی کمیته ۱۹۲۲)، مارک ویلیامز نماینده مجلس (لیبرال دموکرات)، راجر ویلیامز نماینده مجلس (لیبرال دموکرات)، دیوید ایمس نماینده مجلس (محافظه‌کار)، جو بنتون نماینده مجلس (کارگر)، جیمز فیتزپاتریک نماینده مجلس (وزیر سابق کشاورزی و محیط‌زیست)، لرد کارلایل از بریویو با رتبه مشاورت ملکه (بازبین کننده مستقل لایحه تروریسم ۲۰۱۱-۲۰۰۱)، لرد جاد (وزیر سابق دولت در وزارت خارجه)، عالی‌جناب لرد فریزر از کارمایکل با رتبه مشاورت ملکه (وکیل سابق دولت اسکاتلند)، بارونس ترنر از کامدن (معاون سخنگوی سابق مجلس لردها)، گای گودوین-گیل (پرفسور برجسته از آکسفورد و کارشناس در موارد پناهندگی در امور بین‌المللی)، دیوید ووگان با رتبه مشاورت ملکه، مالکام فاولر (عضو کمیته حقوق بشر کانون وکلا)، لرد کینگ از وست برامویچ (شهردار سابق وست برامویچ)، لرد کاتر، حسین عابدینی عضو کمیته امور خارجی شورای ملی مقاومت ایران و مسعود ضابطی (وکیل اشتراکی در شرکت حقوق میچکون دی رایا).

دیوید ایمس نماینده مجلس گفت: «بهار عرب بیش از همه دیکتاتورهای ایران را به وحشت انداخته که از گسترش این جنبش به مرزهای ایران به‌شدت می‌ترسند. در چنین شرایطی، رژیم

بنیادگرا نمی‌تواند یک کانون مقاومت و وجود هزاران روشنفکر همفکر و پیشرفته سکولار را که علیه آن مبارزه می‌کند تحمل کند. امروز اشرف تبدیل به یک سمبل امید و کانون آزادی برای میلیون‌ها نفر شده که خواهان آزادی، حقوق بشر و دموکراسی برای ایران هستند».

مارک ویلیامز نماینده مجلس گفت: «اگرچه ما در گذشته از تهدیداتی که علیه ساکنان غیرمسلح کمپ اشرف وجود دارد مطلع بوده‌ایم، اکنون با یک مهلت غیرقانونی تعیین شده توسط مقامات عراقی مواجهیم که اگر متوقف نشود به این معنی خواهد بود که تنها در کمی بیش از دو ماه دیگر ۳۴۰۰ ایرانی غیرمسلح که ما تضمین دادیم از آنها حفاظت کنیم و قانون بین‌المللی حفاظت آنها را خواهان می‌شود به دست نیروهای عراقی قتل عام خواهند شد».

بارونس ترنر از کامدن گفت: «کنون ۲۰ ماه است که ساکنان اشرف در یک وضعیت غیرانسانی محاصره توسط نیروهای قدس رژیم ایران و دولت عراق زندگی می‌کنند. شکنجه روانی بی‌پایان ساکنان توسط ۳۰۰ بلندگو ادامه می‌یابد. همزمان، نیروی تروریستی قدس در بخشی از یک طرح برای حمله بعدی دکلهای کنترل و شنود نصب کرده تا مانع ارتباطات در اشرف شود. زمان آن رسیده که دبیرکل سازمان ملل متحد و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل اقدام به استقرار ناظران سازمان ملل در اشرف کنند و ضرب‌الاجل بی‌رحمانه تعیین شده توسط دولت عراق را حذف کنند».

حسین عابدینی گفت: «اعلان پرزیدنت اوباما مبنی بر خروج نیروهای عراقی تا پایان سال وضعیت برای ساکنان کمپ اشرف را خطرناکتر کرده است و این در حالی است که اطلاعات نگران‌کننده‌یی دریافت شده که عراق یک حمله دیگر به کمپ را طرح‌ریزی می‌کند. مقامات عراقی بر بستن اشرف تا پایان سال پافشاری می‌کنند. در این رابطه، وزیر خارجه عراق نیز در نامه‌یی به دبیر کل سازمان ملل متحد قصد به بستن اشرف را تکرار می‌کند».

لرد فریزر گفت: «ساکنان کمپ درخواستهای فردی برای پناهندگی را ارائه داده‌اند و کمیسر عالی پناهندگی از نخست وزیر نوری مالکی درخواست کرده مهلت غیرقانونی را لغو کند تا کمیساریای عالی پناهندگان بتواند پروسه تعیین استاتوی فردی را تکمیل کند. ولیکن نخست‌وزیر عراق حاضر

نشده این مهلت را بردارد و او همچنین به شیوه‌های مختلف مانع کار کمیساریای عالی پناهندگان می‌شود. دو روز پس از اعلان اینکه نیروهای آمریکا عراق را ترک خواهند کرد، وزیر خارجه ایران با بی‌شرمی (گستاخی) اعلان کرد که ایران و عراق یک توافق هفت ماده‌یی را برای اخراج سازمان مجاهدین خلق ایران از اشرف و بستن کمپ تأیید کردند (تصویب کردند)».

گای گودوین-گیل خاطر نشان کرد که وضعیت در اشرف به گونه‌یست که سازمان ملل متحد باید دخالت کند و پیشنهاد «حفاظت فوری» بدهد. وی افزود دولت عراق نشان داده است که از حفاظت پناهنده‌ها در خاکش ناتوان است. او از بریتانیا مصرانه خواست به کمیساریای عالی پناهندگان برای انجام فعالیت‌هایش کمک کند.

برایان بینلی نماینده مجلس گفت: «وزیر خارجه هیگ باید اکنون بلافاصله از یک دیدار فوری ژان دو رویت نماینده ویژه اتحادیه اروپا از اشرف و استقرار دائمی یک تیم کلاه آبی‌های حفاظت کننده سازمان ملل متحد در کمپ قبل از خروج نیروهای نظامی آمریکا در پایان سال حمایت کند. وزیر خارجه باید همچنین روی عراق فشار آورد تا به محاصره غیرقانونی اشرف پایان دهد و مهلت غیرقانونیش برای بستن به‌زور اشرف تا پایان سال را کنار بگذارد. سرانجام، ما نیاز داریم که کمیساریای عالی پناهندگان فوراً تمام ساکنان اشرف را به‌عنوان پناهنده تحت قانون بین‌المللی به رسمیت بشناسد».

مالکام فاولر گفت: «توافق ۷ ماده‌یی امضاشده توسط رژیم ایران و نخست‌وزیر عراق برای بستن اشرف تا پایان سال، یعنی این که ۶۰ روز دیگر در اشرف یک نسل‌کشی صورت خواهد گرفت، مگر اینکه برای جلوگیری از این عمل اقدامات فوری انجام شود». آقای فاولر افزود رئیس کانون وکلا از جانب ۱۳۰۰۰۰ عضو این کانون حمایت خود را از حفاظت فوری سازمان ملل متحد از ساکنان اشرف اعلان کرد.

لرد کارلایل گفت: «چیزی که در اشرف به وقوع می‌پیوندد یک بی‌حرمتی است. یک تیم مانیتورکننده سازمان ملل متحد باید در کمپ مستقر شود». وی افزود سیاست مداخلات غرب با ایران شکست خورده است.

سخنرانان هشدار دادند عراق تنها دو انتخاب به ساکنان اشرف داده بود، یا در داخل کشور جابه‌جا شوند و آن وقت قتل‌عام شوند یا در اشرف بمانند و قتل‌عام شوند. آنها هشدار دادند که اگر جامعه بین‌المللی دست به اقدام فوری نزند، یک فاجعه دیگر در ابعاد بسیار بزرگتر از قتل‌عام آوریل در چشم‌انداز است.

لرد کلارک از همپستد، رئیس جلسه، در جمع‌بندی موضع سخنرانان گفت: «با در نظر گرفتن وضعیت کنونی باید اقدام فوری صورت گیرد تا از نسل‌کشی که دو ماه دیگر به وقوع خواهد پیوست جلوگیری شود. من از ویلیام هیگ وزیر خارجه و بارونس کاترین اشتون رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا مصرانه می‌خواهم اقدامات زیر را انجام دهند:

ضرب‌الاجل ماه دسامبر تعیین‌شده توسط دولت عراق را آشکارا محکوم کنند و تمام وسایل ممکن را به کار ببرند تا دولت عراق را متقاعد کنند این ضرب‌الاجل را لغو کند. از دولت آمریکا هم بخواهند همین کار را انجام دهد.

طرح حفاظت اشرف را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ببرند تا یک تصمیم فوری برای تأمین حفاظت ضروری ساکنان اشرف توسط نیروهای کلاه آبی سازمان ملل متحد را اتخاذ کند».

در رابطه با ایران، لرد کلارک از دولت بریتانیا خواست که استمالت از رژیم ایران را پایان دهد و از اپوزیسیون اصلی سازمانیافته حمایت کند. وی گفت، «تنها اپوزیسیون سازمانیافته علیه رژیم توسط مریم رجوی یک خانم بسیار خارق‌العاده رهبری شده که از جنبش او برای تغییر دموکراتیک در ایران باید حمایت شود.»

کمیته پارلمانی بریتانیایی برای آزادی ایران

۲۵ اکتبر ۲۰۱۱



British MPs demand UN protection at Camp Ashraf

Cross-Party MPs and Peers as well as prominent jurists at a Parliamentary meeting in London on Tuesday called on the UK, EU and US to urgently propose a draft text to the UN Security Council...

Speakers included: Lord (Conservative, ex-sec) Regyn Williams MP (former Minister of (Independent Review at the FCO), Rt. Hon. Turner of Camden (Distinguished Profress Vaughan QC, Malcolm Lord King of West B...

David Amess MP said speed of this process cannot tolerate a court secular intellectual c...

Mark Williams MP's warned residents of which if not stopped provided guarantees by Iraq forces.

Baroness Turner of Camden an admission made by nature of the incident has built surveillance launch the next area Commissioner for H...

Hossein Abedini said end of the year has a information has been officials meet on this also written to UN Sec...

Lord Fraser said: "The camp residents have submitted individual applications for refugee status and the High Commissioner for Refugees has asked Prime Minister Nouri Al-Maliki to cancel the illegal deadline so that the UNHCR can complete the process of individual status determination. However, Iraq has refused to cancel the deadline and is also obstructing the work of the UNHCR in various ways. Two days after it was announced that the US forces will leave Iraq, Iraq's Foreign Ministry announced with impudence that Iraq and Iraq had approved a 7-point agreement for the expulsion of the PMOI from Ashraf and the camp's closure".

Guy Goodwin-Gill pointed out that the situation at Ashraf is one in which the UN must intervene to offer protection to innocents; adding that Iraq had chosen it was unable to protect refugees in its territory. He s...

Brian Busley Ashraf by its protection law The Foreign S...

Malcolm Fowler at year's end, this". Mr. For members decl...

Lord Carlile stationed in th...

The speakers relocated in a They warned scale than the...

Conference of "Given the cu two months ti Catherine Aul Iraqi governm deadline. Alst Take the initi to provide the...

On less, Lord and began to is led by a cl should be sup...

British Parks 25 October 2...

This statemen...

Lord Corbett Rt. Hon. Baro...

- Rt. Hon. Lord Widdington QC (former UK House Secretary) Rt. Hon. Lord Triesman (former Parliamentary Under-Secretary of State at the FCO) Lord Clarke of Hampstead Baroness Turner of Camden Lord King of West Bromwich Lord Carlile of Benbow QC Lord Cotter Rt. Hon. Lord Fraser of Carmyllie QC Rt. Hon. Lord Archer of Sandwell QC Rt. Hon. Lord Dholakia PC OBE DL Baroness Gould of Potenshawton Baroness Gibson of Market Rasen OBE Baroness Harris of Richmond Rt. Rev. Lord Hatten of Pentegarth FRC DD FRSL Lord Maginn of Drunglass Lord Widdelsham of Chaddis QC Rt. Hon. Baroness Dean of Thornton-le-Fylde Lord Alton of Liverpool Lord Bolton Rt. Hon. Lord Edeh of Winton PC Baroness Matham of Don DL Lord Eas Lord Roberts of Lindolton Lord Inglewood DL Lord Turnbull Baroness Blood Lord Joffe CBE

- David Amess MP Brian Busley MP Joe Briston MP Jim Fitzpatrick MP Mark Williams MP Regyn Williams MP Mr. Austin Mitchell MP Mr. Martin Coton MP Mr. Jim Dobbin MP Mr. Roger Gale MP Mr. John Leech MP Mr. Rob Russell MP Mr. Mike Hancock CBE MP

- Sir Geoffrey Burdman Guy Goodwin-Gill David Vaughan QC Malcolm Fowler

۲۸ ژانویه ۲۰۱۱

بیانیه مجمع پارلمانی شورای اروپا

حمله ۷ ژانویه به اشرف، با همکاری نیروهای عراقی ۱۷۶ مجروح در میان ساکنان، شامل ۹۱ زن به جای گذاشت. نیروهای عراقی از مداوای مجروحان خودداری کرده و آنها را از بیمارستان اخراج کردند. از فوریه ۲۰۱۰ حدود ۱۸۰ بلندگو برای شکنجه روانی ساکنان به کار برده می‌شوند. در ۵ ژانویه وزیر خارجه ایران از نخست‌وزیر عراق خواست اقدامات عملی علیه اشرف را تشدید کند. تحت نظارت کمیته برای بستن اشرف در دفتر نخست‌وزیری، محاصره اشرف طی بیش از دو سال گذشته، شامل محدودیتهای پزشکی، به درگذشت دو تن از ساکنان منجر شده است. حمله ۲۸ و ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۹ تعداد ۱۱ کشته و ۵۰۰ زخمی به جای گذاشت.

اقدامات اخیر به‌طور جدی کنوانسیون چهارم ژنو را نقض می‌کند که ساکنان اشرف مشمول آن هستند و بر طبق حکم ۲۷ دسامبر ۲۰۱۰ دادگاه اسپانیا و اساسنامه دادگاه بین‌المللی جنایی به‌عنوان «جنایات جنگی» محسوب می‌شوند.

سازمان ملل متحد و ایالات متحده باید حفاظت اشرف را تضمین کنند.

ما از دولتهای عضو (مجمع پارلمانی شورای اروپا) می‌خواهیم دولت عراق را متقاعد کنند تا:

- کمیته بستن اشرف را منحل کند و پرونده اشرف تحت نظارت پارلمان عراق قرار بگیرد.

- فوراً به شکنجه روانی ساکنان توسط مأموران اطلاعات ایران با استفاده از ۱۸۰ بلندگو پایان دهد.

نامه آخو ویدال کوادراس، نایب رئیس پارلمان اروپا و پرزیدنت کمیته بین‌المللی در

جستجوی عدالت به نایب رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا

۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ (۳۱ شهریور ۱۳۸۹)

عالیجناب جو بایدن، نایب رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا

وایس پرزیدنت عزیز

من این نامه را می‌نویسم تا آخرین اقدامات سرکوبگرانه و خطرناکی که از سوی دولت و نیروهای عراقی علیه ساکنان کمپ اشرف، اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران اپوزیسیون انجام شده است را به اطلاع شما برسانم و توجه شما را نسبت به خطراتی که به‌نحو فزاینده‌ی این افراد را تهدید می‌کند جلب کنم.

مأموران وزارت اطلاعات رژیم ایران که تحت حمایت کامل نیروهای عراقی ۸ ماه است تحت عنوان خانواده در ورودی اشرف مستقر شده و به شکنجه روانی ساکنان مشغولند، از روز گذشته با کمک نیروهای عراقی ۱۰ بلندگوی جدید و قوی در ورودی اشرف نصب کرده‌اند تا ابعاد این شکنجه روانی را گسترش داده و بخشهای بیشتری از ساکنان اشرف را از آسایش محروم نمایند. مجموعه بلندگوها هم‌اکنون به حدود ۴۵ دستگاه می‌رسد. این هشتمین ماهی است که خواب و آرامش شمار زیادی از ساکنان سلب شده است. علاوه بر این شمار جدیدی از مأموران اطلاعات تحت عنوان خانواده ساکنان به عراق اعزام شده‌اند تا جایگزین مأموران قبلی بشوند.

از سوی دیگر سفارت رژیم آخوندی و وزارت اطلاعات آن، درحالی‌که محاصره ضد انسانی اشرف ۲۰ ماه است ادامه دارد، به‌منظور زمینه‌سازی برای حمله و کشتار به ساکنان اشرف، از روز پنجشنبه ۲۵ شهریور تا شنبه ۲۷ شهریور به مدت سه روز در شهر خالص نمایشگاهی علیه مجاهدین به راه انداخت تا خواستار اخراج ساکنان اشرف از عراق و از منطقه دیالی شود. بسیاری از افراد سفارت تحت عنوان خبرنگار در این نمایشگاه شرکت کردند. این به‌اصطلاح خبرنگاران که حتی زبان عربی بلد نبودند با رشوه و وعده وعید دنبال جمع‌آوری شکایت از شرکت‌کنندگان علیه مجاهدان اشرف بودند.

به نوشته برخی رسانه‌های عراقی این نمایشگاه در صورتی برگزار می‌شود که ۴۸۰ هزار تن از اهالی استان دیالی در ژوئن گذشته بیانیه‌هایی امضا کرده و طی آن پشتیبانی خود را از مجاهدان اشرف اعلام کرده و توطئه‌های رژیم حاکم بر ایران را محکوم کردند.

مجری اصلی این شو، عدی خدران، فرماندار خالص، یک عامل شناخته‌شده رژیم آخوندی بود. او در سخنرانی خود در افتتاح نمایشگاه، مجاهدین را متهم به کشتن مردم بی‌گناه کرد و خواستار اخراج مجاهدین از عراق در سریعترین زمان شد. او در گذشته شماری از مزدوران رژیم را در ارتش عراق نفوذ داده بود و مدتی از فرمانداری خالص برکنار و در بازداشت خانگی به سر می‌برد؛ اما با تلاش رژیم دوباره به این سمت بازگشت. وی به همراه چند تن از عوامل رژیم ایران در منطقه مانند جبار عوده المعموری وابسته به نیروی تروریستی قدس و علی الزهیری، مسئول شورای پشتیبانی خالص، این کارزار کثیف را علیه ساکنان اشرف به راه انداخته بودند.

در یک تحول دیگر در روز پنجشنبه ۲۵ شهریور، یک بازپرس دادگاه خالص که برای رسیدگی به شکایات ساکنان علیه مزدوران وزارت اطلاعات و مأموران عراقی به اشرف مراجعه کرده بود، برخلاف همه استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی و حتی برخلاف قوانین خود عراق، از سوی نیروهای عراقی اجازه ورود به اشرف نیافت و مجبور شد به خالص بازگردد.

با توجه به نکات فوق و با توجه به مسئولیت دولت آمریکا در قبال ساکنان اشرف که با تک‌تک آنان توافقنامه امضا کرده است که درازای خلع سلاح آنان، حفاظتشان را تا تعیین تکلیف نهایی بر عهده بگیرند، از جنابعالی می‌خواهم به هر ترتیبی که صلاح می‌دانید، مقرر کنید که نیروهای آمریکایی که از روز ۲ ژوئیه ۲۰۱۰ اشرف را ترک کرده‌اند مجدداً به اشرف بازگردند تا تیم ناظر سازمان ملل هم بتواند در اشرف مستقر شوند و از به راه افتادن یک حمام خون جدید در اشرف جلوگیری شود.

آلخو ویدال کوادراس

نایب‌رئیس پارلمان اروپا

پرزیدنت کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت



September 22, 2010

Hon. Vice President Joe Biden
The White House
1600 Pennsylvania Avenue NW
Washington, DC 20500

Mr. Vice President,

I am writing to inform you of the government and forces of the opposition People's Mojahedeen Organization to the growing dis

The agents of the Iranian regime posing as families of Ashraf in the past eight months waging forces, they mounted 100 brighten the psychological total number of kidnapped residents' families have be

In the meantime, the Iranian Khafsa, near Ashraf, again took place after 20 months of exile for expulsion of Ashraf laying the grounds for a Iranian embassy staff of journalists did not speak of residents in Ashraf by offi

According to Iraqi media province expressed their June. The statement also o

The main person responsible who is a well-known agent accused PMOI of killing a He had previously infiltra

European Parliament, J

reason he was removed from his post as governor and was put under house arrest. But, with the Iranian regime's efforts, he was reappointed. Together with a number of other agents of the regime in that region, such as Jabbar Odoh al-Mansouri of the terrorist Qods force, and Ali al-Zahiri, head of the Khafsa support council, he launched this campaign against the residents of Ashraf.

In another development on September 16, a Khafsa court investigator who had gone to Ashraf to look into the complaints made by the residents against MOIS and Iraqi agents was turned away by the Iraqi forces against international regulations and Iraqi law.

In light of the above points and in view of the American Government's responsibility towards Ashraf residents on the grounds of an agreement signed with every single of them to provide them with protection in return for their weapons until their final disposition, I wish to urge you to make the necessary arrangements to re-station the US forces in Ashraf, who left the Camp on July 2, so that the UNAMI monitoring team could also be stationed there and prevent another bloodbath in the Camp.

Respectfully,

Aloys Vidot-Quadrin
Vice-President of the European Parliament
President of the International Committee in Search of Justice

cc:

United States

- Honourable Hillary Clinton, Secretary of State
- Honourable Robert Gates, Secretary of Defense
- Honourable James Jeffrey, US Ambassador to Iraq
- General Lloyd James Austin, Commanding General of the US Forces - Iraq

United Nations

- Honourable Ban Ki-moon, UN Secretary General
- Honourable Ad Melkert, Special representative of the UNSG for Iraq
- Honourable Navanethem Pillay, UN High Commissioner for Human Rights

2

نامه کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف
به کریستوفر هیل سفیر ایالات متحده آمریکا در عراق
۱۹ فروردین ۱۳۸۹

آمباسادور عزیز

همچنان که مطلعید هم‌اکنون دو ماه است، شماری از ایادی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی تحت عنوان خانواده ساکنان اشرف، در ورودی کمپ تجمع کرده و با شعارهای هیستریک علیه ساکنان و تهدید آنان به قتل و کشتار، امنیت و آسایش را سلب کرده و به شکنجه روانی موکلان ما اشتغال دارند.

بیمارستان اشرف که در نزدیکی ورودی اشرف است با وضعیت بحرانی روبروست و بیماران بستری با صداهای گوش‌خراش و فحاشی و تهدید مستمر، به‌طور مضاعف شکنجه می‌شوند. مزدوران در برخی مواقع علاوه بر اینکه از صبح تا شب مشغول شعار دادن و فریاد کردن هستند، نیمه‌شب نیز با همان بلندگوهای قوی به اذیت و آزار ساکنان می‌پردازند.

این مأموران که توسط وزارت اطلاعات و سفارت رژیم ایران در بغداد سازمان داده می‌شوند، تماماً با حمایت اداری و لجستیک کمیته سرکوب اشرف در نخست‌وزیری عراق و نیروهای عراقی مستقر در اشرف، این کمپین غیرقانونی و جنایتکارانه را به‌پیش می‌برند و مستمراً با مزدوران تازه‌نفس که به‌تازگی از ایران می‌آیند جابه‌جا می‌شوند.

نمایندگان ساکنان کمپ، به توصیه نمایندگان یونانی و نیروهای آمریکایی تاکنون با تمام قوا تلاش کرده‌اند ساکنان را از عکس‌العمل و اقدام متقابل بازدارند و تا جایی که ممکن است از هرگونه افزایش تنش جلوگیری کنند؛ اما متأسفانه این وضعیت تنها مأموران اطلاعات آخوندی و نیروهای عراقی را جری‌تر کرده است. به‌نحوی که در روزهای اخیر، آنان بلندگوهای خود را بر روی بام ساختمانها و تأسیسات و بنگالهای ورودی اشرف و ستونهای برق آن نصب کرده‌اند که برخی از عکسهای آن ضمیمه است.

هیچ تردیدی نیست که این اقدامات از هر نظر و با هر معیاری غیرقانونی است. هم تجاوز به کنوانسیونهای ژنو، قانون بین‌الملل و قانون انساندوستانه و حقوق بشر بین‌المللی و هم نقض کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی

است. کما اینکه ایجاد اذیت و آزار با سروصدا، تصرف در اموال غیر، اذیت رساندن به بیماران و تحریک و تهدید به کشتار و آتش زدن، زیر پا گذاشتن قوانین عرفی در هر کشوری است که کمترین قانونی در آن حاکم باشد. آزادی عمل مطلق مزدوران در اقدامات غیرقانونی علیه اشرف در حالی است که بسیاری از شهروندان عراقی که در روستاها و شهرکهای اطراف اشرف زندگی می‌کنند، خواستار این بوده‌اند که در مقابل اشرف و در حمایت از اشرف دست به تظاهرات بزنند اما نیروهای عراقی به آنها اجازه نمی‌دهند. متأسفانه شکایتهای مستمر ساکنان اشرف به پلیس مستقر در اشرف نیز به‌جایی نرسیده است، زیرا پلیس این شکایات را به دستور کمیته سرکوب به مراجع قضایی رد نمی‌کنند.

آمباسادور عزیز

حتماً تأیید می‌کنید که این وضعیت ضد انسانی که رژیم ایران و دولت عراق مشترکاً بر ساکنان اشرف تحمیل کرده‌اند بعد از دو ماه دیگر غیرقابل تحمل است و وضعیت را به نحو خطرناکی غیرقابل کنترل خواهد کرد. این کمپین کثیف به‌خوبی نشان می‌دهد دولت عراق نه صلاحیت، نه توان و نه اراده حفاظت از ساکنان اشرف را دارد، سهل است که خود شریک رژیم ایران برای نابودی آنان می‌باشد.

لذا با توجه به تعهدات مکتوب دولت عراق به آمریکا درباره رفتار با ساکنان اشرف و با توجه به تعهدات آمریکا در قبال ساکنان اشرف، از جنابعالی می‌خواهم، از دولت عراق بخواهید، این جنگ روانی علیه ساکنان اشرف را متوقف نماید و مزدوران رژیم ایران را از ورودی اشرف جمع کند. هم‌چنین یونامی را ترغیب کنید تا تلاشهای خود را برای تأمین حقوق و احترام حیثیت ساکنان اشرف به عمل بیاورد.

کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف

فرانسوا سر

ADVISORY BOARD

MEMBERSHIP

FRANCE
The Hon. Marc Thé-Léves
SUMAN-OP KHAULY, former
Judge of the European Court of
Justice, UK

M. COLIN FENWICK,
Distinguished Research Professor
of Law, Former Director,
International Human Rights Law
Institute, US

DR. ELIS GROSS,
President,
Centre for International Law, The
Free University of Berlin, DE

EX-GRATIS MEMBERS
FRANCE Science, Lawyer
Paris, FR

CANADA
Hon. DAVID FAULKNER, J.C.,
former Canadian Senator of New
Brunswick, Canada

DR. D. CARLAW,
Orinda, Law Society of Upper
Canada
WILSON COLARCA, LL.B.,
Head of International Law Group

FRANCE
Nicolas STREIN, former
President, Paris Bar Association
Paris, France

CHINA
Faculty of Law, University of Tsinghua
Beijing, China

INTERNATIONAL PROFESSIONALS
President, Human Rights Institute
of the University of Geneva
Geneva, Switzerland

FRANCE
FABIEN MATHIAS, Chairman,
Association of Corporate Lawyers
Paris, France

FRANCE
EUGÈNE LÉVY, President,
Lévy Group, Paris - Canada
Montreal, Canada

FRANCE
The Hon. Jacques
WASSERMAN, J.C.M.C. CL,
QC, former former Senator
and former former Senator
Paris, France

FRANCE
The Hon. Marc Thé-Léves
ANDRÉ DE SODERSTRÖM,
QC, former QC, former Senator
London, UK

THE COMMONWEALTH
The Hon. Marc Thé-Léves
WILLIAMSON, J.C.M.C. CL,
QC, former former Senator
and former former Senator
Paris, France

FRANCE
The Hon. Marc Thé-Léves
ANDRÉ DE SODERSTRÖM,
QC, former QC, former Senator
London, UK

FRANCE
The Hon. Marc Thé-Léves
ANDRÉ DE SODERSTRÖM,
QC, former QC, former Senator
London, UK

FRANCE
The Hon. Marc Thé-Léves
ANDRÉ DE SODERSTRÖM,
QC, former QC, former Senator
London, UK

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

5 April 2010

Honourable Christopher Hill
US Ambassador in Iraq
US Embassy in Iraq
Baghdad
Iraq

Dear Ambassador,

As you are
regard's M
resident, I
honorably
the Camp
psychology

Ashraf's
at this long
of stress in
which he
occasions
indefinite

These signs
England, in
the Iraq P
forces have
regularly

The reports
from your
advice are
However, I
force. In a
building is
attached to

There is no
violence the
International
Political R
honorament
honorament
are consider

Tel: +

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

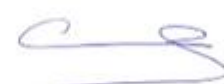
The absolute free reign given to the MOG agents in their unlawful actions is in stark contrast with the prohibitions imposed by Iraq forces upon administration of villages and townships near Camp Ashraf who had asked to gather outside the Camp to show their solidarity and support for its residents.

Unfortunately, the complaints by Ashraf residents to the police stationed inside Ashraf have not led to any result as the police do not pass the complaints to the judicial authorities under the orders of the commander tasked to suppress Ashraf residents.

Obviously, you do agree that the inhumane circumstances imposed on Ashraf residents is no longer tolerable after two months and it will lead to a dangerous situation which will not be possible to contain. This duty campaign clearly shows that the Iraqi government is totally void of the competence, the ability and the will to protect Ashraf residents and is indeed in partnership with the Iranian regime to destabilize them.






Therefore, considering the witness commitment of the Iraqi government to the United States on the treatment of Ashraf residents and in view of the U.S. obligations towards them, I call on you to urge the Iraqi government to end the psychological warfare on them and ensure the Iranian agents from the entrance of Ashraf. I also urge you to coordinate UNAMI to take measures to ensure respect for the rights and dignity of Ashraf residents.

Respectfully,



François Szefer
International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

Some of speakers mounted on Ashraf facilities

<p>1- Speaker mounted on the fence directed at the pedestrian route of residents of Moslehi compound.</p>	 A photograph showing a black speaker mounted on a metal fence. The background is a clear, bright sky.
<p>2- Speaker mounted on the residents' southern kiosk.</p>	 A photograph of a speaker mounted on a structure, partially obscured by green palm fronds. The background shows a building and a clear sky.
<p>3- Speaker mounted on the southern pole of post of the main gate.</p>	 A photograph showing two black speakers mounted on a tall, dark metal post. The background is a clear sky.
<p>4- Speaker mounted on the northern post of the main gate.</p>	 A photograph of a speaker mounted on a decorative metal post. The background is a clear sky.
<p>5- Speaker mounted on the residents' northern kiosk.</p>	 A photograph of a speaker mounted on a pole. The background shows a building and a clear sky.

روزنامه الزمان عراق - ۸۹۱۲۱۶

فراخوان شیوخ عام ۲۱ عشیره و قبیله در سراسر عراق:

به کمپین مشترک رژیم ایران و کمیته غیرقانونی سرکوب اشرف که با ۲۱۰ بلندگو

ساکنان اشرف را تحت شکنجه روانی قرار می‌دهند، پایان داده شود.

- شیوخ عام از قبائل البوحمندان، الزوبع وعشائر النداء، سادة الصمیدعی، بنی زید، بنی‌الوسی، الحامد، الدلیمی، المجمعی، الساعدی، الداودی، السادة البرزنجی، الکرخیة، البریهات، البعیج، الخزرجی، البیات، الجوزانیة، الحیالی، اللهیب والدهلگی، خواستار برداشتن محاصره ضد انسانی از اشرف و اذعان به موقعیت قانونی آنان به‌عنوان افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون ۴ ژنو، شدند.
در این فراخوان موارد زیر درخواست شده است:
- اقدام مشترک رژیم ایران و کمیته غیرقانونی در شکنجه روانی و محاصره ساکنان اشرف ننگ‌آور و محکوم است.
- کمیته غیرقانونی که اقدام به سرکوب ساکنان اشرف می‌نماید باید منحل شود.
- به حمله و هجوم به کمپ اشرف با استفاده از مزدورانی که تحت عنوان عراقی می‌باشند، پایان داده شود.
- پارلمان عراق با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب به جنایت آمران عاملان حملات جنایتکارانه علیه ساکنان اشرف و شکنجه و محاصره دوساله آنها رسیدگی کند.

بیانیه شیوخ عام ۲۱ عشیره در سراسر عراق

در شرایطی که رژیم ایران به دخالت‌های گسترده خود در عراق ادامه می‌دهد و با ترور و جنایت و وحشیگری، عراق را به یک عراق ناامن و بی‌ثبات تبدیل کرده تا بتواند آن را جبهه جنگ اول خود در برابر جامعه بین‌المللی برای مطامع تروریستی و اتمی خود قرار دهد؛ اما در مقابل شاهد بوده‌ایم طی ۴ سال گذشته دولت عراق به‌جای اینکه با این دخالت‌های جنایتکارانه مقابله

کنند و از رژیم ایران خلع ید نمایند متأسفانه بر تمامی این دخالتها چشم پوشیده از رژیم ایران به‌عنوان یک کشور همسایه دوست و اینکه همیشه نقش سازنده‌یی در عراق داشته است نام می‌برند.

اما در نقطه مقابل دولت عراق، اپوزیسیون اصلی این رژیم یعنی مجاهدین خلق ایران ساکن اشرف را که از پایگاه گسترده‌یی بین مردم ایران و از یک حمایت گسترده بین‌المللی برخوردار می‌باشد تحت شدیدترین فشارها هستند و بیش از ۲ سال است که آنان را در اشرف تحت یک محاصره ظالمانه و ضد انسانی قرار داده است.

برای هیچ‌کس جای کمترین شکی باقی نمانده است که رژیم ایران دنبال نابودی مجاهدین مستقر در اشرف می‌باشند و حتی کسانی که برای دیدار بستگانشان در سالیان گذشته به اشرف آمده‌اند از نظر رژیم ایران «محارب» محسوب شده و حکمشان اعدام می‌باشد. همانطور که شاهد اعدام علی صارمی در روز ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ در سن ۶۳ سالگی و پس از تحمل ۲۴ سال زندان و شکنجه توسط رژیم ایران بودیم و خانواده‌های دیگری نیز به همین جرم ساختگی، یعنی دیدار از اشرف، در زندان وزیر شکنجه و در معرض اعدام هستند.

به‌راستی باید پرسید مگر اشرف کجاست؟ و چرا رژیم ایران این قدر از آن وحشت دارد و تمامی هم‌وغمش از بین بردن آن است؟ آنها که سلاح ندارند و در حصار و انواع محدودیتها هستند... باید پاسخ را در نقش اشرف به‌عنوان تنها آلترناتیو رژیم و هم‌چنین به‌عنوان سد محکمی در مقابل دخالت‌های رژیم ایران در عراق دانست.

آنچه ما شیوخ عشایر عراق را واداشت که این بیانیه را بنویسیم این است که به‌رغم نقش ویرانگر رژیم ایران و دخالت‌های بی‌حد و حصرش در کشور عزیزمان عراق، دولت عراق به‌جای طرد و خلع ید از این رژیم، خواسته‌ها و نیات پلید این رژیم ویرانگر را با سرکوب مجاهدین مستقر در اشرف پیش می‌برد. چرا طی دو سالی که حفاظت اشرف را دولت عراق برعهده گرفته یک محاصره ظالمانه را بر آنها تحمیل نموده و به انحای مختلف به سرکوب و حمله و هجوم و کشتار آنها پرداخته است. این مایه ننگ هر عراقی وطن‌پرستی است که این‌گونه با اپوزیسیون این رژیم جنایتکار که ۲۵ سال است در عراق حضور قانونی دارند و مهمان مردم عراق هستند

رفتار می‌شود و بجای آن نیت پلید رژیم را جامعه عمل می‌پوشاند که هرروز عراق را به خاک و خون می‌کشد و عامل اصلی ناامنی و بی‌ثباتی عراق است...

یکی از اقدامات ننگ آلود دیگر، حمایت و پشتیبانی از عوامل وزارت اطلاعات رژیم آخوندی است که آنها را در ورودی اشرف مدت ۱۱ ماه است که مستقر کرده است و به‌صورت ۲۴ ساعته به شکنجه روانی ساکنان اشرف مشغول هستند و خواب و آسایش را از آنها سلب کرده‌اند و به‌صورت روزانه آنها را تهدید به کشتار و اعدام می‌کنند...

بنابراین اینک بر ما و سایرین حقایق کاملاً فاش شده و حيله و نیرنگ رژیم ایران و مزدوران محلّیش علیه ساکنان اشرف و سازمان مجاهدین خلق برملا و رسوا شده است... از این‌رو ما نیز در کنار تمامی آزادگان جهان و عراق (بیانیه ۵ میلیون و دویست هزار نفر از مردم عراق و بیانیه ۳ میلیون شیعه عراق) که به حمایت از این سازمان و مقاومت مردم ایران در رویارویی با این رژیم دیکتاتوری به‌پا خاسته‌اند، اعلام می‌کنیم که:

۱. پایان دادن به حمله و هجوم به کمپ اشرف با استفاده از مزدورانی تحت عنوان عراقی که در آخرین مورد آن در ۷ ژانویه منجر به زخمی شدن ۱۷۵ نفر شد که بیش از ۸۰ نفرشان از زنان مجاهد بودند. این قبیل حملات توسط کمیته سرکوب اشرف که تحت اوامر سفارت رژیم ایران در بغداد و به‌منظور زمینه‌سازی سرکوب و کشتار مجدد ساکنان اشرف انجام می‌شود طی ماههای اخیر چند بار تکرار شده و بیش از این قابل تحمل نیست.

۲. این محاصره ظالمانه که طی دو سال گذشته بر مجاهدان شریف و پاکباز ساکن اشرف اعمال می‌شود برداشته شود و تمامی محدودیتهای آنها پایان یابد.

۳. به بساط ننگین عوامل وزارت اطلاعات رژیم ایران که تحت عنوان خانواده بیش از یک سال است در ورودی اشرف استقرار داده شده‌اند و مجاهدین مستقر در اشرف را با ۲۱۰ بلندگو به‌صورت شبانه‌روزی تحت شکنجه روانی قرار می‌دهند پایان داده شود و از عراق نیز اخراج گردند و از ورود این‌گونه عوامل وزارت اطلاعات به عراق جداً جلوگیری شود.

۴. حقوق مجاهدین مستقر در اشرف که ۲۵ سال است در عراق حضور قانونی دارند و به لحاظ قوانین بین‌المللی افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون ۴ ژنو هستند همان‌طور که قطعنامه

پارلمان اروپا در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۱۰ مورد تأکید قرار داده است توسط دولت شراکتی عراق مورد اذعان قرار گیرد و اقدامات غیرقانونی علیه آنها به سرعت متوقف شود.

۵. کمیته وابسته به نخست‌وزیری که به خواست رژیم ایران تشکیل شده و طی دو سال گذشته مسئولیت سرکوب مجاهدین مستقر در اشرف را به عهده داشته، فاقد هرگونه مشروعیت قانونی است و باید فوراً منحل گردد.

هم‌چنین ما از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که طبق قطعنامه پارلمان اروپا حفاظت اشرف را تضمین نماید و هم‌چنین از نیروهای آمریکایی می‌خواهیم با توجه به اینکه در قبال ساکنان اشرف تا تعیین تکلیف نهایی بر اساس یک توافقنامه با تک‌تک ساکنان اشرف مسئولیت دارد حفاظت ساکنان اشرف را برعهده بگیرد و از پارلمان عراق نیز خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب به‌منظور رسیدگی و مشخص کردن عاملان و آمران حمله جنایتکارانه ۷ ژانویه به این کمپ می‌باشیم.

امضاکنندگان:

الشیخ فیصل حوم العلیوی شیخ عام عشایر النداء، الشیخ عدنان محمد بندر شیخ عام عشیره سادۀ الصمیدعی، الشیخ کمال هادی سعدون شیخ عام عشیره بنی زید، الشیخ علی حسین ابراهیم شیخ قبیلۀ البوحدان، الشیخ ظاهر خمیس الضاری شیخ قبیلۀ الزوبع، الشیخ زید عدنان علیوی شیخ عام عشیره بنی الاوسی، الشیخ خلیل ابراهیم طحان شیخ عام عشیره الحامد، الشیخ احسان کریم محمود شیخ عام عشیره الدلیمی، دیالی، الشیخ ولید شعلان علی شیخ عشیره المجمعی، الشیخ حمید خلیفه کاظم شیخ عشیره الساعدی، الشیخ آزاد مدحت توفیق شیخ عشیره الداودی، الشیخ رأفت کاظم شیخ عام السادۀ البرزنجی، الشیخ ناصر مهدی الناصر شیخ عشیره الکرخیه، الشیخ ولید محمد شیخ عشیره البریهات، الشیخ هرسال عجیمی شیخ عشیره البعیح، الشیخ احمد رحیم شیخ عشیره الخزرجی، الشیخ عبدالحلیم عبدالکریم شیخ عشیره البیات، الشیخ عماد عبدالله بندر شیخ عام عشیره الجوزانیه، الشیخ عبید احمد رحیم شیخ عام عشیره الحیالی، الشیخ عبدالعال علوان الشطب شیخ عام عشیره الدهلکیه، شیخ نایف مطر اللهبی شیخ عشیره اللهبی.

قاتلان و دژخیمان مجاهدان اشرف و خلهای ایران و عراق

